



تَسْبِیحُ أَنْبِیاءِ عَلَی السَّمَوَاتِ مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ أَحَدٌ أَنْ تَقُومَ فِیهِ



۱۸۴

ماهنامه مسجد / ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد / شماره ۱۸۴ / اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد • مدیر مسئول: سعید کرمی • سردبیر: حسن علی آبادی

دبیران تحریریه: • منبر: یاسر شریعتی • رواق: سیدعلی آقائی • محراب: علی بانسی • شبستان: مهدی اخلاقی • کارشناسان تحریریه: حسن طاهری، حجت الاسلام آزادپور رضائی، حجت الاسلام سیدمجتبی تکیه‌ای، مرتضی اسدی • طراحی و گرافیک: مصطفی سلیمانی / سیدمهدی حسینی • ویراستار: جعفر مروجی • شمارگان: ۳۰۰۰



■ مستحبی که تعلیق شد...

### سرمقاله

#### منبر



■ مهارت تبلیغ نیازمند هنر نویسندگی است / ۴ ■ برتر از خون شهیدان / ۶  
■ روش تالیف در حوزه‌های علمیه گنجانده شود / ۸ ■ نمونه فیش منبر درنگی در  
دعای ماه رجب / ۱۰ ■ نمونه فیش منبر رمز و راز خوب گوش کردن / ۱۲  
■ نمونه فیش روضه / ۱۴ ■ هنر آیت الله ضیاء آبادی در ساده گوئی است / ۱۶  
■ ضیاء پایتخت / ۱۸ ■ ضیاء در آئینه / ۲۰ ■ جرعه‌های جان بخش / ۲۰  
■ گنجینه ماندگار / ۲۱ ■ شمیم شیدائی در شمیرانات می پیچد / ۲۱

#### رواق



■ جامعه کبیره و زمینه‌های صدور / ۲۴ ■ آیین نامه جامع ولایت / ۲۵  
■ بررسی شبهات سندی و صدور زیارت جامعه / ۲۹ ■ زیارتی جامع / ۳۱  
■ استنادات به زیارت جامعه کبیره در سیره علما / ۳۳ ■ بررسی و تحلیل غلور در  
زیارت جامعه کبیره / ۳۴ ■ سید بخوان آنچه میدانی / ۳۶

#### محراب



■ مسجدی نو با آرمانهای نو / ۳۸ ■ استجابات دعا / ۴۲ ■ فرصت بندگی / ۴۴  
■ خاطره اعتکاف / ۴۶ ■ اعتکاف صنفی / ۴۸ ■ خلوت اجتماعی / ۴۹  
■ اتاق فکر اعتکاف / ۵۰ ■ کتابخانه مسجد / ۵۲

#### شبستان



■ چپستی و چی نیستی اقتصاد مقاومتی / ۵۴ ■ درون زامرد بنیاد دانش بنیان / ۵۶  
■ خرید کردن را عبادت کنیم / ۵۷ ■ مشکل ماهستیم نه من تو / ۶۰  
■ جهاد اقتصادی در تولید و مصرف / ۶۲ ■ بازوی اقتصاد مقاومتی / ۶۳  
■ قلک / ۶۴ ■ عشق بهتر است یا ثروت / ۶۶ ■ فرهنگ انقلاب می‌خواهد / ۶۷  
■ عضو کدام یک نیستید؟! / ۶۸ ■ شیخ جمع / ۷۰ ■ اخبار مسجد / ۷۱

♦ در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

♦ آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان است نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر منبع مجاز است.

♦ مطالب خود را ترجیحاً تایپ شده به رایانامه نشریه ارسال کنید.

♦ مطالب ارسال شده به تحریریه، بازگردانده نمی‌شود.

♦ باتشکر از تمام عزیزانی که ما را در تهیه یاری رساندند.

آدرس: قم، بلوار شهید صدوقی، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل (علیه السلام) پلاک ۱۰۳

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

● تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۵-۶ ● نامبر: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۷ ● سامانه پیام کوتاه: ۰۱۵۱۵۴۲۳۰۰۰

● نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> ● پست الکترونیک: [n.masjed@chmail.ir](mailto:n.masjed@chmail.ir)

## مستحبی که تعلیق شد...

شاید بتوان گفت یکی از داغ‌ترین اخبار فروردین ۹۴ در رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های اجتماعی حادثه تلخ و تأسف بار گیت بازرسی جده بود. حادثه‌ای که بی‌تردید بر خلاف اخلاق اسلامی و منش انسانی است و باعث جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف ملی گردید.

با وجود تلاش‌های دولت محترم در اعاده حیثیت ملی، باز خورد رسانه‌ای شدن ماجرا در بعضی موارد به جای آنکه رفتار غلط چند مزدور سعودی را هدف گرفته باشد، متأسفانه مسئله استراتژیک و پراهمیت عمره و گاه اصل حج را مورد تهاجم قرار داده است. شاید بتوان ادعا کرد که این باز خوردها منجر به تعلیق شدن مسئله حج گردید. رژیم آل سعود در اهانت به شیعیان ایرانی و هتک حرمت آنان از هر راه ممکن بهره برده است و همچنان در آتش زدن به اختلاف در امت اسلامی تلاشی وافر و مستمر دارد. اما باز خورد یک رفتار غیر اخلاقی و زشت دو مأمور چنان اهمیت می‌یابد که جنایات و کشتار هر روزه آنان تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

سبیل عظیمی از جوک‌ها و داستانک‌ها در شبکه‌های اجتماعی، حکایت از آن دارد که تا اندازه‌ای محدود، مقصود دشمنان اسلام و انقلاب در کمرنگ کردن مسئله حج تأمین گردیده است. از طرفی خوارچ عصر حاضر یا همان وهابیت تلاش رسانه‌ای فراوانی در القای شرک شیعه و بی‌اعتنائی آنان به زیارت خانه خدا دارند که بُرد رسانه‌ای تعلیق حج، ممکن است چنین نگاهی را تقویت کند.

متأسفانه جبهه رسانه‌ای داخلی - به خصوص در عرصه مجازی - به شکلی منفعلانه و غیر حرفه‌ای با این مسئله تقابل داشته‌اند که برد چندان نسبت به چنین هجمه سنگینی نداشت.

با این همه نمی‌توان انکار کرد که افراط‌های برخی در هزینه غیر ضروری برای عمره مستحبی، گاه زمینه‌ساز این نوع هجمه‌ها بوده؛ اما واقعیت آن است که ترک و تعلیق حج تا زمانی که حاکم شرع دستوری نداده باشد، تبعات سنگینی را برای جامعه شیعی به وجود می‌آورد.

سؤال اساسی آن است که چه باید کرد؟ به خصوص مسئولیت‌اِئمه جماعات و مساجد به عنوان پرچمداران فرهنگ متعالی دینی چیست؟ دو انتقاد اساسی در زمینه عمره مستحبی وجود دارد که وابسته به دو حوزه مسئولیتی است. بخش اول مربوط به رایزنی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت و حاکمیت در قبال رژیم آل سعود است. در برخی رسانه‌ها آمده بود برخی کشورها برای حفظ حرمت و عزت ملی شهر و ندان خود گیت مخصوصی را در برخی کشورها با پرداخت هزینه‌ای ایجاد نمودند که این مسئله را دولت محترم می‌تواند بر آورده نماید. بخش دوم انتقادها متوجه فرهنگ هزینه برای برخی مستحبات، همچون عمره است. در نگاه بعضی از افراد منصف این دیدگاه وجود دارد که چه لزومی دارد کسانی در یک سال در چندین مرحله به عمره مشرف شوند، در حالی که در همسایگی آنان جوانانی در انتظار فراهم آمدن شرایط ازدواج یا تحصیل هستند؟ این انتقاد، بی‌تردید قابل تأمل و توجه است.

وظیفه سنگین فرهنگ‌سازی در این باره به عهده مساجد و ائمه جماعات است؛ چرا که قطعاً بسیاری از عمره گزاران همان نماز گزاران صبح و شام مساجد هستند و بخشی از زمان روزمره آنان پای منبر ائمه بزرگوار جماعات سپری می‌شود.

# منبر

مسجد / شماره ۱۸۴ / اردیبهشت ماه ۱۳۹۴



|    |                            |    |    |    |                               |    |    |  |
|----|----------------------------|----|----|----|-------------------------------|----|----|--|
| ۴  |                            | ۶  |    | ۸  |                               | ۱۰ |    |  |
| ۱۲ | رمزوراز<br>خوب<br>گوش کردن | ۱۴ |    | ۱۵ | آیه ای از قرآن<br>تلاش در راه |    |    |  |
|    | ۱۶                         |    | ۱۸ |    | ۲۰                            |    | ۲۱ |  |



## اصولاً چرا یک طلبه باید توانایی قلم زدن داشته باشد؟

به دو علت عالم دین باید مہارت نویسندگی داشته باشد که یکی عامل فنی و دیگری عامل شخصیتی است. در بحث عامل فنی مهم ترین وظیفه عالم دین یعنی تبلیغ دین مطرح است که این امر به مہارت نیاز دارد. مہارت تبلیغ دو بخش اساسی دارد: یکی شناخت زیبایی و دیگری انتقال آن. هم شناخت زیبایی و هم انتقال زیبایی مستلزم داشتن هنر نویسندگی است؛ زیرا اگر کسی ادیب نباشد، اصولاً ذوق ندارد. وقتی ذوق نداشته باشد، زیبایی های عالم را در نمی یابد. یعنی ممکن است احکام فقهی را خیلی خوب دریافت کند، ولی نمی تواند با جامعه اش ارتباط برقرار کند.

انسان طالب زیبایی است و کسی که درکی از زیبایی و ذوق ندارد، نمی تواند ذوق و زیبایی را بشناسد، در نتیجه نمی تواند با دیگران ارتباط برقرار سازد. از جنبه انتقال نیز آشنایی با ادبیات و هنر لازم است؛ چون به فرض که روحانی زیبایی و ذوقی را شناخت، حال باید بتواند آن را به دیگران منتقل کند. اینکه این زیبایی درون سینه او بماند، ارزشی ندارد. نهایت اینکه بخشی از جمال جهان را فهمیده است. بنابراین در یک کلام، نویسنده، ادیب، هنرمند از این جهت که اولاً زیبایی را با ذوق ادبی خود می فهمد و ثانیاً این زیبایی را از طریق قلم به دیگران نشان می دهد، باید این دو جنبه را دارا باشد تا بتواند دین را تبلیغ کند و زیبایی های آن را به دیگران نشان دهد. این جنبه فنی قضیه بود.

علاوه بر این جنبه فنی، یک جنبه صنفی هم وجود دارد. اصولاً روحانی اگر می خواهد میان مردم زندگی کند و با آنان ارتباط برقرار سازد، چند عامل خیلی مهم را باید در اختیار داشته باشد. آنکه به بحث ما مربوط است، این است که روحانی باید لطافت جان، روح و طبع داشته باشد. تاریخ اسلام و شیعه نشان داده عالمانی که لطیف الطبع بودند، در معرفی دین و جذب مردم بسیار موفق تر بوده اند. عالمی که می خواهد لطافت طبع داشته باشد، چاره ای ندارد جز ارتباط مستمر با ادبیات و هنر. به عبارت دیگر، ما یک وقت نویسنده یا هنرمند می شویم تا یک نیاز، یعنی تبلیغ دین خدا را آورده سازیم. این یک جنبه است. ولی چنانچه از لحاظ درونی و ذاتی به این ماجرا نگاه کنیم، می بینیم اصلاً اگر عالمی با شعر و ادبیات و هنر سرو کار نداشته باشد، روح و جان و ذوقش پرورش پیدا نمی کند. دقیقاً مثل این

حجت الاسلام ژرفا:

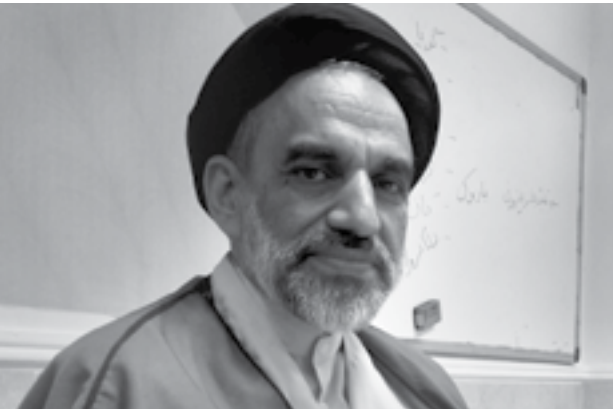
# مہارت تبلیغ نیازمند هنر نویسندگی است

به کوشش: مهدی رزاقی



معجزه خاتم پیامبران، مکتوب است و در همین میراث ماندگار، به قلم قسم یاد شده. قلمی که طبق حدیث شریف، از خون شهیدان نیز برتر است. فراگیری مہارت نوشتن و هنر نویسندگی یکی از لوازم اجتناب ناپذیر تبلیغ است. برای درک بیشتر ضرورت این مطلب و بررسی راهکارهای این مهم گفت و گویی با سید ابوالقاسم حسینی ژرفا انجام دادیم. ایشان از معدود طلبه های دست به قلم این سال هاست، بیش از هر کسی این ضرورت را می شناسد. او که تحصیلات حوزوی و دانشگاهی دارد و شاعر، مؤلف، مترجم، استاد حوز و دانشگاه است، کتاب «بر بال قلم» شش سال ها کتاب درسی زبان ادبیات فارسی حوز و بوده است. دغدغه همیشگی ایشان در باب افزایش مہارت نویسندگی طلاب، بهانه ای برای مصاحبه با این استاد بزرگ حوز و بود.

تاریخ اسلام و شیعه نشان داده عالمانی که لطیف الطبع بودند، در معرفی دین و جذب مردم بسیار موفق تر بوده اند. عالمی که می خواهد لطافت طبع داشته باشد، چاره ای ندارد جز ارتباط مستمر با ادبیات و هنر.



زندگی مردم به انزوا رفت؛ از جمله در بخش هنر و زیبایی. دیگر خود روحانی هم احساس نیاز نمی کرد که باید خط خوشی داشته باشد. این اتفاق در زمینه ادبیات و نویسندگی هم رخ داد. بعد از انقلاب با اینکه امکانات و بودجه خوبی در اختیار حوزه قرار گرفت، حوزه احساس نیاز نکرد که در این زمینه قوی شود. حال آنکه چنانچه جنبه های زیبایی و طراوت در وعظ و سخنرانی لحاظ نشود، سخن روحانی کارگر نمی افتد. به همین جهت در قیاس با عالمان روزگاران پیشین، عالم ما حتی اسم کتابش با اسم کتاب علمای پیشین فرق دارد. در قدیم - چه شیعه و چه سنی - اسم های زیبایی برای کتاب های فقهی خود انتخاب می کردند. مثلاً اسم کتاب مشهور علامه مجلسی که کتاب حدیثی است، بحار الانوار است. بحار الانوار یعنی دریا های نور. از این قبیل نام های زیبا در آثار شیعیان و سنی ها فراوان یافت می شود. اما امروزه نام کتاب خود را پژوهشی در فلان می گذارند. خیلی تفاوت است میان اسم خشک فرمولیته «پژوهشی در علم فلان» که الان عالم ما می نویسد با اسم های فصیح و لطیف آن روزگار. این زیبایی و لطافت طبع در اسم کتاب، خط، نحوه جمله بندی و تذهیب صفحات رعایت می شده است. نتیجه اینکه اگر بنا است تجدید نظری در این زمینه صورت گیرد، باید در اصل این تفکر بازنگری انجام شود.

رامی آموختند. به عبارت دیگر، گسستی میان خوب بودن و دینی بودن وجود نداشت. چون گسستی وجود نداشت، عالمان دین باید به انواع خوبی ها آراسته می بودند؛ از این رو بیشتر عالمان دین خط بسیار خوبی داشتند. آنها باید جنبه های مختلف خیر و خوبی را دارا می بودند تا مردمانی که بنا بود خوب، یعنی دینی زندگی کنند، با آنها ارتباط داشته باشند. بسیاری از عالمان دین صداهای بسیار خوبی داشتند و به همین دلیل در عصر قاجار، عمده کسانی که روضه های بسیار عالی می خواندند، فنی و روی اصول و دستگاه های موسیقی می خواندند. علتش این بود که خوب خواندن مستلزم پیشوای دینی بودن بود. غزالی در احیاء علوم الدین می گوید: اگر کسی زیبایی های بهار و نغمه های خوش تار و آلات موسیقی را درک نکند و زیر و بم هایش را نفهمد، مزاجش مریض است و اصلاً درمان ندارد. یا ابن سینا وقتی می خواهد زیبایی و جمال را تعریف کند، می گوید زیبایی عبارت است از اینکه یک موجود به بهترین گونه ممکن در آید. در نظر این بزرگان، زیبایی خیر و کمال مطلق بوده است. به همین دلیل عالمان دین همواره به مقوله زیبایی در تمام ابعاد زندگی اهمیت می داده اند؛ در نتیجه نثرهای بسیار فاخر و خوب داشتند. عالمانی مانند حافظ و سعدی، عالمان دین بودند و در عین حال شاعر هم بودند. در دوران معاصر نیز مرحوم میرزای شیرازی روز عید غدیر، شاعران را جمع می کرد و به آنها صلح و پاداش های بسیار گرانقدری می داد. جالب آنکه بیشتر این شعرا، عالم بوده اند. عید غدیر که مهم ترین عید شیعیان است و به یک معنا روز سر نوشت ساز تاریخ اسلام است، نزد عالمان بزرگ ما با شعر و ادبیات گره خورده بود. مرحوم علامه امینی یک جلد کتاب الغدیر را به بحث و لایست اختصاص داده و ده جلد دیگر را درباره شعرایی بحث کرده که ماجرای غدیر را در شعرهایشان متذکر شده اند. به این اندازه عالمان پیشین ما به ادبیات اهمیت می دادند. بعد از مشروطه چون در زندگی مردم شکاف افتاد، آرام آرام نسل هایی پدید آمدند که از دین فاصله گرفتند، اما اخلاقی و جوانمردانه و پاک زندگی می کردند. رفته رفته تعریف روحانیت عوض شد و دیگر بنا نبود هر کس که می خواهد زندگی درست کند، سراغ روحانی بیاید. نیاز به روحانیتی که همه جنبه های خوبی و زیبایی را داشت، محدود شد؛ لذا رسالت روحانیت هم محدود شد. در نتیجه آرام آرام حوزه در بخش هایی از

است که کسی می خواهد فوتبالیست شود، ولی ساق پای ضعیفی دارد. یک مربی کاردان، اول به او می آموزد که ساق پایش را قوی کند. عالمان ما - با احترامی که برای همه شان قائل هستیم - دست کم در این سسی و چند سالی که در حوزه علمیه حضور دارم، یک ضعف بسیار مهم دارند و آن اینکه علم می آموزند، اما چون طبعشان لطیف بار نمی آید، طبع و روحشان زمخت است. این طبع نمی تواند آن علم را بر دوش خود بکشد. برای همین وقتی چنین عالمی استاد دانشگاه می شود، نمی داند چگونه با دانشجو حرف بزند. ابتدای صبح سر کلاس دانشگاه می گوید: «صبحکم الله بالخیر». مواردی از این دست را چه هنگامی که دانشجو بودم و چه هنگامی که استاد دانشگاه، بارها دیده ام. این استاد نمی داند که با جمله «صبحکم الله بالخیر» ارتباطش را با دانشجویان گسسته است. باید با زبان آنها با دانشجویان سخن گفت. یا یک سری آداب اجتماعی که باید رعایت کرد، ولی برخی رعایت نمی کنند. بنابراین از جنبه صنفی نیز طلبه از همان آغاز طلبگی ذوقش را پرورش دهد تا لطافت طبع پیدا کند؛ زیرا لطافت طبع یکی از راه های ایجاد ارتباط موفق با مخاطب است.

**فرمود بد علمای قدیم این لطافت طبع را پیش از طلاب و علمای امروز داشتند. چه ساز و کاری در نظام آموزشی مدارس دینی به کار گرفته می شد که به لطافت طبع آنها منجر می شد؟**

مشروطه یک مقطع خیلی مهم در تحولات تاریخ ایران است؛ از این جهت که پیش از مشروطه، دین و دیانت با زندگی مردم به نحوی آمیخته بود که همه آیدها و نیاید های زندگی مردم با دین تعریف می شد. انسان ها یا متدین بودند یا نبودند. حد وسطی وجود نداشت. بنابراین یا خوب بودند یا بد و حد وسطی وجود نداشت. یعنی انسان خوب، آدم متدین بود و آدم شر، کسی بود که دین نداشت. بعد از مشروطه بنا به جهاتی که الان جای بحث نیست، این معادله دچار تغییر جدی شد. یعنی بخش زیادی از آدم هایی پیدا شدند که آدم های خوب و اخلاق مدار و منضبطی بودند، اما متدین نبودند. بر خورد ما با جهان غرب و رفت و آمد دانشمندان و دانشجویان و روشنفکران ما با جهان غرب، سبب این مقوله شد. ربط این بحث با سخن ما این است که تا قبل از مشروطه عالم دین تکلیفش خیلی روشن بود. عالم دین کسی بود که همه کسانی که بنا بود خوب زندگی کنند و خیر را در پیش گیرند، از او راه زندگی



# برتر از خون شهیدان

جایگاه کتابت در قرآن و روایت

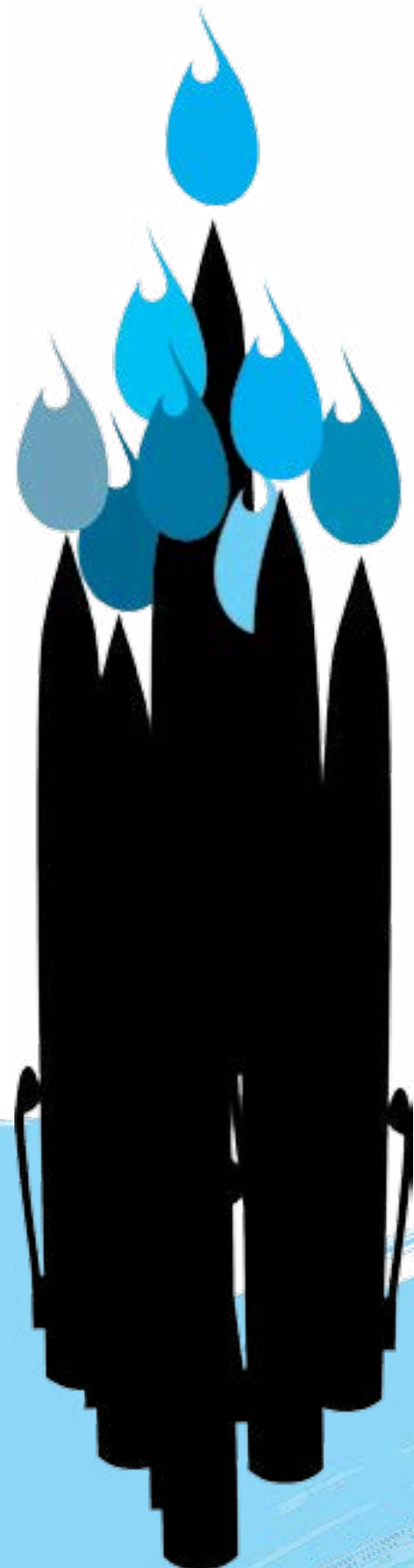
سید محمد مهدی رضوی پور

می فرماید: «الذی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛<sup>۱</sup> هم او که انسان را بوسیله قلم تعلیم داد و آنچه را نمی دانست به او آموخت».

در روایات نیز به اهمیت قلم و نویسندگی فراوان اشاره شده که به صورت نمونه برخی را بیان خواهیم کرد. پیامبر عزیز اسلام می فرماید: «قیدوا العلم بالکتابه؛<sup>۲</sup> علم و دانش را با نوشتن در بند آورید و مقید سازید»، به عبارت دیگر نوشتن و نگارش، علم و دانش را برای انسان نگه می دارد. بر اساس قانون طبیعت به حافظه انسان نمی توان اعتماد کرد، هر دانشی که روی کاغذ نیاید، با مرور زمان از بین می رود؛ لذا پیامبر اکرم فرمودند: «العلم صید و الکتابه قید؛<sup>۳</sup> دانش، شکار است و نوشتن، دام و بند».

در روایت دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ مَاتَ وَمِيرَاثُهُ الدَّفَاتِرُ وَالْمَحَابِرُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛<sup>۴</sup> هر کس بمیرد و میراثش، دفاتر و دوات باشد بهشت بر او واجب است» و یا حضرت در فضیلت قلم و کتابت فرموده اند: «ثلاث تخرق الحجب وتنهی الی ما بین یدی الله: صریر اقلام العلماء و وطنی اقدم المجاهدین و صوت مغازل المحصنات؛<sup>۵</sup> سه صداست که حجابها را پاره

از بزرگی و منزلت قلم و نویسندگی همین بس که خداوند قادر متعال یک سوره از قرآن کریم را با نام قلم رقم زده است و به آن سوگند یاد نموده است: «ن والقلم وما یسطرون».<sup>۱</sup> عظمت این سوگند هنگامی آشکار می شود که توجه داشته باشیم در آن روزگار، نویسندگی و ارباب قلمی در محیط مکه وجود نداشت و اگر کسانی مختصر سواد خواندن و نوشتن را داشتند، تعداد آنها در کل سرزمین مکه که مرکز عبادی، سیاسی و اقتصادی حجاز بود، به بیست نفر نمی رسید. نکته دیگر این است که سوگند خداوند هم به قلم که ابزار است و هم به «ما یسطرون» که محصول ابزار است، اشاره می کند. حقیقت این است که انسانها برای بررسی عواطف و احساسات درونی و ابراز ایدهها و عقاید خود نیازمند به ابزار و وسایل هستند و بیشترین نقش را در این مهم، زبان و قلم ایفا می کند. با توجه به این مطالب می توان به خوبی دریافت، به چه علت معجزه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از جنس کتاب و قلم است و اینکه نخستین آیه ای که در جبل النور به قلب پاک پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل شد، به مقام والای قلم اشاره کرده، آنجا که



علت رجحان جوهر قلم علما از خون شهیدان این است که مداد علما مربوط به حوزه فکر و فرهنگ و ادب و معرفت است و اثری که باقی می‌گذارد، بسیار عمیق‌تر از دفاع با جان است، زیرا نوشتار صحیح می‌تواند از مکتب در تمام قرون در برابر دشمنان دفاع کند و مانع گمراهی شود و آنچه سبب پیشرفت دین و تبلیغ بوده قلم است.

است که نه تنها در اسلام، که در فرهنگ بشریت، چنین نگاهی مورد تأیید است. در این باره، حدیثی منقول در کتاب «کنز العمال» است که می‌فرماید: «یؤتی بصاحب القلم يوم القيمة فی تابوت من نار یقفل علیه باقفال من نار. فینظر قلمه فیما اجرا. فان كان اجراه فی طاعة انه ورضوانه فك عنه التابوت. وان كان اجراه فی معصية الله هوی فی التابوت سبعین خریفا...»<sup>۱۶</sup> روز قیامت صاحب قلم را در تابوتی از آتش می‌آورند، در حالی که بر آن قفل‌هایی از آتش زده شده است. پس، در حال قلم‌اونگریسته می‌شود، که آن را چگونه به کار بسته است. اگر آن را در طاعت و رضایت خداوند به کار برده است، قفل‌ها باز می‌شود و او آزاد می‌گردد و اگر آن را در معصیت خداوند به کار گرفته باشد، در تابوت، هفتاد سال (یا هفتاد عمر یا مدتی طولانی) خواهد ماند. «قلم باید تابش نور باشد و بر دل‌ها بتابد و دل آرام باشد، نه دل آزار، قلم باید راهنمای سعادت و ترسیم‌کننده هویت باشد و حیات طیبه را به تصویر کشد.

### پی‌نوشت

۱. قلم: ۱.
۲. علق: ۵۴.
۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۲۴.
۴. تمیمی آمدی، کافی، ج ۱، ص ۵۲.
۵. حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۲.
۶. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۶۱.
۷. مصطفی درایتی، معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۱.
۸. همان.
۹. همان.
۱۰. همان.
۱۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۸.
۱۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۳.
۱۳. مصباح الشریعه، ص ۵۱.
۱۴. تمیمی آمدی، کافی، ج ۱، ص ۵۲.
۱۵. میزای نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸.
۱۶. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۶۶.

امام صادق (علیه السلام) درباره جایگاه کتابت و نگارش به ابوبصیر فرمودند: «دخل علی اناس من اهل البصرة فسألونی عن احادیث وکتبها فما یمنعکم من الکتاب؟ اما انکم لن تحفظوا حتی تکتبوا!»<sup>۱۷</sup> مردمانی از بصره نزد من آمدند و سخنانی از من پرسیدند و آنها را نوشتند. پس چه چیز شما را از نوشتن باز می‌دارد؟ تا به نوشتن رو نیاورید، به حفظ هم دست نمی‌بایید.

یا در جای دیگر فرمودند: هر عضوی از اعضای بدن راز کاتی است و زکات دست، نگارش علوم و منافعی است که مسلمین از آن بهره‌مند گردند.<sup>۱۸</sup> یادر سفارش به مفضل فرمودند: «کتب ویت علمک فی اخوانک فان مت فاورث کتیبک بنیک فانه یاتی علی الناس زمان هرج لا یانسون فیه الا بکتیبهم»<sup>۱۹</sup> دانش خویش به نگارش در او و در میان برادران گسترده‌دار و چون مرگت فرا رسد، نگاشته‌های خویش برای فرزندان به ارث گذار که مردمان را روزگاری در پیش است آشوب‌دار و همدمی ندارند به جز نوشتار. حسن ختام روایات نیز کلام نورانی پیامبر اکرم است که فرمودند: «القلم من الله نعمة عظيمة ولولا القلم لم یستقم الملك والدين ولم یکن عیش صالح»<sup>۲۰</sup> قلم نعمت بزرگی از سوی کردگار است و اگر قلم نبود، سیاست و دیانتی استوار نمی‌شد و زندگی خوشی در روزگار نبود.

از اهمیت قلم و نویسندگی در بیان آیات و روایات که بگذریم، امروزه معیار و مقیاس پیشرفت تمدن‌ها و ترقی و کمال ملت‌ها و جوامع انسانی در تعداد قلم به‌دستان و مسائل مرتبط با کتابت است. اکنون که جایگاه، شرافت، قداست و اهمیت قلم و آرباب قلم روشن شد، مسئله و موضوع مهم، پاسداری از این حرمت و کرامت و شرافت و آلوده نکردن آن با امیال نفسانی و سلیقه‌های شخصی و تمایلات جناحی و وابستگی‌های سیاسی و آلودگی‌های اخلاقی و هواهای غرور آمیز و خودخواهانه و در حقیقت پاس داشتن حرمت قلم و آرباب قلم و پرهیز از ناشکری، ناسپاسی، تحریف، انحراف فکری و روحی یا روشی و عملی است و این، صحنه امتحان بزرگی است، به همان نسبت که قداست قلم بالاست.

چنانچه قلم‌ها آلوده شدند و در جهت آلودگی و انحراف و آلوده‌سازی قلم زده شد، به همان نسبت از ارزش‌های آنها کاسته می‌شود. بدیهی

می‌کند و به پیشگاه خداوند می‌رساند: صدای گردش قلم‌های دانشمندان به هنگام نوشتن و صدای گام‌های مجاهدان در عرصه جهاد و مبارزه و صدای چرخ نخریسی زنان پاکدامن.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نیز در روایات متعددی به جایگاه والای کتابت و نوشتار اشاره فرموده‌اند که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

«رسول الرجل ترجمان عقله و کتابه ابلغ من نطقه»<sup>۲۱</sup> پیک آدمی نمایانگر خرد اوست و نوشتار آدمی رساتر ز گفتار اوست.

«کتاب المرء معیار فضله و مسبار نیله»<sup>۲۲</sup> نوشتار هر کسی نشان از فرزاندگی‌اش دارد و میزان فرهیختگی‌اش را می‌نماید.

«عقول الفضلاء فی اطراف اقلامها»<sup>۲۳</sup> خرد ورزی‌های فرهیختگان [جلوه‌گر است] بر کرانه قلم‌هایشان.

«ثلاثة تدل علی عقول اربابها الرسول و الکتاب و الهدایة»<sup>۲۴</sup> سه چیز نمودار خردمندی خردمندان است: پیک، نوشتار و هدایت.

و از همه مهم‌تر در بیان اوج منزلت قلم و نویسندگی سخن معروف امام صادق (علیه السلام) است که فرمود: «عن ابی عبد الله الصادق جعفر بن محمد قال: اذا کان يوم القيامة جمع الله عزو وجل الناس فی صعيد واحد و وضعت الموازين فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فیرجح مداد العلماء علی دماء الشهداء»<sup>۲۵</sup> زمانی که قیامت فرا می‌رسد، پروردگار مردم را در یک زمین مسطح گرد هم می‌آورد و میزان‌ها برقرار می‌شود، پس خون‌های شهیدان با مرکب دانشمندان سنجیده می‌شود، ولی وزن مرکب دانشمندان بر خون‌های شهیدان برتری خواهد یافت. می‌توان گفت علت رجحان جوهر قلم علما از خون شهیدان این است که مداد علما مربوط به حوزه فکر و فرهنگ و ادب و معرفت است و اثری که باقی می‌گذارد، بسیار عمیق‌تر از دفاع با جان است، زیرا نوشتار صحیح می‌تواند از مکتب در تمام قرون در برابر دشمنان دفاع کند و مانع گمراهی شود و آنچه سبب پیشرفت دین و تبلیغ بوده قلم است.

قلم، قانون الهی و ارزش‌های دینی و مذهبی را تدوین می‌کند و فلسفه شهادت و اهداف و انگیزه‌های آن و آرمان شهیدان را به تصویر می‌کشد و پیام خون شهیدان را به جهان می‌رساند و اگر قلم نباشد این رسالت ناتمام خواهد ماند.



رهبر معظم انقلاب:

# روش تالیف در حوزه های علمیه

جایگاه نویسنده در کلام رهبر فرزانه

مجید صحاف



**حقیقتاً در زمینه ارائه موضوعات لازم، ما کار شایسته ای در گذشته نکردیم. کتاب را به صورت یک چیز لوکس و تشریفاتی و مخصوص یک عده خاص نگریستیم، نه به صورت یک وسیله لازم برای همه مردم**



را در یک کتاب پنجاه صفحه ای بگذارید. زبده نویسی و گزیده نویسی و دقیق نویسی که محال نیست؛ به طوری که هر کلمه، حاکی از یک معنای مورد نظر باشد؛ نه این که همین طور برف انبار باشد.<sup>۶</sup> حضرت آیت الله خامنه ای از کمی کار در عرصه کتاب و تحقیق بسیار گلایه فرمودند و نگاه ویژه به این عرصه را از سوی حوزه و روحانیت خواستار بوده و هستند: کتاب های خوبی در رشته های علوم عقلی و مسائل و علوم اسلامی نوشته می شود و تحقیقات فلسفی خوبی انجام می گیرد؛ اما آن چیزی که این نسل های متجدد و نوبه نو - که همه احتیاج دارند راه را پیدا کنند و حقایق را بفهمند - بالاخره باید از آن استفاده کنند. نیست؛ حقا و انصافاً کم است. کتاب برای استفاده این قشرهای جوانی که مایلند در زمینه مسائل اسلامی تعمق کنند، کم داریم؛ لذا باید در این زمینه خیلی کار بشود. در خیلی از زمینه ها ما هیچ کاری نکرده ایم! بعضی از موضوعات هست که حتی یک کتاب هم درباره آنها نوشته نشده است! در بعضی زمینه ها کتاب نوشته شده است؛ در بین آنها کتابی که دست خواننده نسل جوان متوسط را بگیرد نیست! حقیقتاً در زمینه ارائه موضوعات لازم، ما کار شایسته ای در گذشته نکردیم. کتاب را به صورت یک چیز لوکس و تشریفاتی و مخصوص یک عده خاص نگریستیم، نه به صورت یک وسیله لازم برای همه مردم؛ امروز این خلاء بایستی جبران شود. نویسندگان باید بنویسند،

باید مواظب باشیم که مبادا نوشیدنی مسموم، خطرناک، فاسد، گندیده و مضر بارنگ آمیزی های خیلی خوب، دست مردم داده شود؛ بدون این که مردم بدانند.<sup>۴</sup> ایشان کار نویسندگان را بیشتر در جهت ایجاد وحدت در جامعه معرفی کرده اند و بیان فرمودند: کتاب، یک رابط بین گروه های گوناگون مردم است. کتاب ذهن های دور از هم را به هم نزدیک می کند. بنابراین کتاب می تواند وسیله وحدت باشد. امروز در دنیا متأسفانه کسانی برای تفرقه، برای ایجاد جدایی، برای ایجاد دشمنی کتاب می نویسند؛ که می توان برای ایجاد محبت، برای برادری، برای هم دل کردن و همبسته کردن دنیای اسلام، کتاب نوشت. کتاب می تواند وسیله وحدت بسیار خوبی بین مسلمین باشد؛ به شرطی که ان شاء الله مؤلفان و ناشران همت کنند.<sup>۵</sup> رهبر عظیم الشان انقلاب، اثر مناسب کار نویسندگان را همراهی و تطابق با علم روز می دانند: همین کتابی که فرضاً محقق هم نوشته، به جای خودش خیلی هم خوب است، اما الان با ابزارهای این زمان، خیلی متناسب و پیشرفته نیست؛ این را به یک زبان مناسب امروز در بیاورند. ما امروز در دورانی زندگی می کنیم که پیشرفت های دانش و صنعت فن بشری - به اصطلاح تکنولوژی دقیق و ریز - سرعت سهولت دسترسی را به حدی رسانده که انسان حاضر نیست کتاب پانصد صفحه ای را از اول تا آخر مطالعه کند. تا شاید از آن مطلبی را به دست بیاورد. شما همان مطلب

اهمیت نوشتن و جایگاه آن در راستای ارائه یک محتوای غنی، همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار داشته است، حضرت آیت الله خامنه ای چه در زمان ریاست جمهوری و چه در زمان رهبری انقلاب همواره توجه ویژه ای به مسئله نوشتن و کتاب داشته و در مناسبت های مختلف بیانات راه گشایی در این زمینه ایراد فرموده اند.

ایشان با اشاره به اهمیت محتوای نگارش فرموده اند: غذای فکر و روح، باید سالم و مقوی عرضه شود و آن کس که جز این عمل کند، خطا یا جنایتی بزرگ تر از عرضه کننده مواد غذایی ناسالم یا بی مایه، مرتکب شده است.<sup>۱</sup>

حضرت آیت الله خامنه ای در خصوص کتاب و محتوای آن معتقدند: در باب نظریه پردازی نباید محدودیتی وجود داشته باشد. بیشتر بایستی برای نقد و ارزیابی و جدا کردن سره از ناسره همت شود؛ اما در زمینه کار عملیاتی، باید جلو کتاب های مضر را گرفت.<sup>۲</sup> اگر در تجویز و ارائه دارو، بی توجهی کنید و چیزی را در اختیار مشتری کتاب بگذارید که برای او زیان بار است، شما هم ضرر معنوی بزرگی کرده اید. در نهایت، به هیچ وجه شانه شما و شانه ما از بار آن نوشته ای که شما وقتی آن را می دهید، فارغ نخواهد بود.<sup>۳</sup> باید به فکر باشیم و دغدغه نوع کتاب هایی که تولید می شود نیز در ما باشد. باید کتاب خوب تولید شود. کتاب یک غذاست؛ یک غذای روح، یک نوشیدنی روح است و چنانچه مقوی باشد، روح را تقویت می کند.



## یه گنجانده شود

بزرگانی که در رأس  
شورای عالی حوزه علمیه  
هستند، باید به صحنه‌های  
دنیا و داخل کشور نگاه  
کنند و ببینند چه نیازهایی  
وجود دارد و چگونه  
می‌توان این نیازها را  
تأمین کرد و افرادی که  
رفع این نیازها را می‌کنند،  
تربیت نمود. اگر ما کتاب  
لازم داریم، پس مؤلف  
می‌خواهد. یک مؤلف  
چگونه تربیت می‌شود؟

بشود و کار بکند و هیچ دل‌مردگی و افسردگی نداشته باشد، من خیال می‌کنم که بخشی از این مشکلات مربوط به کتاب در این کشور حل خواهد شد؛ این اعتقاد بنده است. به عبارت دیگر، کسانی که اهل تولید کتاب هستند و می‌توانند این خلاف را تا حدود زیادی برکنند، وارد این میدان بشوند.

البته الان کارهای متعددی با نام‌های گوناگون انجام می‌شود - دایره المعارف بزرگ اسلامی، دایره المعارف تشیع، دایره المعارف فارسی، دانش‌نامه بزرگ جهان، دانش‌نامه مصاحب - عیبی هم ندارد. من از موازات این کارها واقعا ناراحت نیستم و احساس خسارت نمی‌کنم؛ برای خاطر این که مادر این زمینه‌ها خیلی عقب هستیم؛ اما این را فکر می‌کنم که بالاخره اگر بناست به این مسئله به صورت یک فکر غیر بازاری و غیر مادی و به عنوان واقعا انجام یک کار لازم ببندیم، باید به کیفیت خیلی بپردازیم. هر چه المقدور جامع آن چیزی باشد که از آن انتظار هست؛ صدرصد هم با آن خط صحیح و حرکت درست منطبق باشد؛ چون این مهم است.<sup>۸</sup>

### پی‌نوشت

۱. پیام به مناسبت آغاز هفته کتاب، ۱۳۷۲، ۱۰، ۴.
۲. مصاحبه پس از بازدید از یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، ۱۳۷۷، ۰۳، ۵.
۳. سخنرانی پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۰۲، ۲۸.
۴. مصاحبه در بازدید از ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، ۱۳۷۲، ۰۲، ۲۱.
۵. کتاب و کتاب‌خوانی، ص ۵۴.
۶. همان.
۷. برگرفته از کتاب و نویسندگان فصل پنجم.
۸. همان.

به پاستور، به خاطر کشف میکروب پول بدهد. به نظر تان چه قدر باید بدهد؟ آیا اصلا می‌شود برای او پولی معین کرد؟ آیا قابل مقایسه است؟ بنابراین، امثال پاستور هم هیچ وقت برای پول تحقیق نکردند. اگر برای پول تحقیق می‌کردند، حقیقتا به این جانمی‌رسیدند. اروپایی‌ها این حسن را داشتند؛ کما این که دانشمندان قدیمی ما هم همین‌طور بودند. شما ببینید امثال محمد بن زکریای رازی - آن عالم آن چنانی - در فقر و تنگدستی می‌میرند؛ ولی ماها تا یک کار می‌کنیم، فوراً می‌گوییم پولش چه قدر شود؟! البته در بعضی از بخش‌ها مشکلات مادی هم هست، لیکن مشکلات مادی نباید مانع از این گونه کارها بشود. بیشتر این کتاب‌های خوبی که ماسراغ داریم در دنیا نوشته شده است، نویسندگان آنها در مشکلات مادی غوطه می‌خوردند و این آثار جاودانه و مهم را خلق کردند. ما نمی‌خواهیم بگوییم که افرادی برون‌داز گرسنگی بمیرند و کتاب بنویسند؛ نه، این حرف مقبولی نیست، اما نباید این‌طور باشد که ارائه یک اثر و تولید یک کار خوب، متوقف به مسائل مادی باشد. مجموعه دولت و عناصر فرهنگی، باید زمینه‌های ایجاد انگیزه و شوق را در نویسندگان پدید آورند، تا آنان بتوانند با فراغ بال به آفرینش هنری و فکری خود بپردازند، اگر بتوانند کاری بکنند که آن کسی که اهل تألیف و اهل تحقیق و اهل کار فرهنگی است، آن چنان شوق و نشاطی پیدا کند که برای او کتاب‌نویسی خیلی مانعی نداشته باشند و وارد این میدان

محققان باید تحقیق و کار کنند و سطح دانش جامعه را بالا ببرند و زبان استوار، قوی و غنی فارسی را به بهترین وجه به کار بگیرند و محصول آن را برای نسل‌های آینده بگذارند، تا بدین وسیله ان شاء الله پیشرفت ملت ما روزافزون باشد و بتوانیم عقب‌ماندگی‌های گذشته را جبران کنیم.

از لحاظ تمدن و فرهنگ اسلامی، ما بزرگ‌ترین پرچمدار فرهنگ اسلامی هستیم. در خود دنیای اسلام، هیچ ملتی به قدر ملت ما برای فرهنگ اسلامی کار نکرده است. ما حتی در لغت عرب - که لغت عرب و زبان عرب بوده - از خود عرب‌ها بیشتر کار کرده‌ایم و بیشتر کتاب نوشته‌ایم. ایرانی‌ها به دنیای عرب و به زبان عرب، بیشتر از خود عرب‌ها خدمت کرده‌اند.

بزرگانی که در رأس شورای عالی حوزه علمیه هستند، باید به صحنه‌های دنیا و داخل کشور نگاه کنند و ببینند چه نیازهایی وجود دارد و چگونه می‌توان این نیازها را تأمین کرد و افرادی که رفع این نیازها را می‌کنند، تربیت نمود. اگر ما کتاب لازم داریم، پس مؤلف می‌خواهد. یک مؤلف چگونه تربیت می‌شود؟ باید روش تربیتش در برنامه‌های حوزه گنجانده شود.<sup>۷</sup>

رهبری در خصوص شیوه نگارش و اصول کار در حوزه نگارش و نویسندگی فرموده‌اند: باید روح تحقیق پارسایانه بی‌عوض را تزریق کنیم. تا برای تحقیق، دنبال پاداش نباشند؛ چون اصلاً تحقیق، پاداش واقعی ندارد، مثلاً اگر آدم بخواهد



# درنگی در دعای ماه رجب

حسین هرمز

## ایجاد انگیزه به روش داستانی همراه با ابهام

محمد بن ذکوان معروف به سجاد به قدری سجده کرد در سجود گریست که نایبنا شد. روزی به محضر امام صادق (ع) شرفیاب شد و به حضرت عرض کرد: ماه رجب فرا رسیده است، دعایی به من یاد دهید که خداوند به واسطه آن به من خیر و برکت دهد. چقدر زیبا است که ما نیز از فرصت ماه رجب استفاده کنیم و خود را برای ماه مبارک آماده سازیم. برخی از اصحاب ائمه (ع) به دنبال ذکر و دعا بودند و با اعمال عبادی و مناسکی نفس را تربیت می کردند. نکنند این ماه های پر فضیلت بگذرد و ما بدون توجه و آمادگی وارد ماه مبارک شویم؟! این مرد باتقوا خدمت حضرت رسید و از ایشان توشه ای برای ماه رجب طلب کرد.

حضرت فرمودند: این دعا را بنویس و هر روز ماه رجب، صبح و شب و بعد از هر نماز آن را بخوان!  
«يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحْتَنَانُهُ وَرَحْمَةٌ أَعْطَيْتَنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَأَصْرَفْتَنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ»<sup>۱</sup>  
ابن ذکوان می گوید: امام که به اینجای دعا رسید، با دست چپ خود محاسن خویش را گرفت و انگشت سیبانه دست راست را به راست و چپ حرکت می داد و می فرمود: «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا النِّعْمَاءِ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّلُولِ حَرِّمْ شَيْبَتِي عَلَى النَّارِ».  
با توجه به این روایت، این دعا، دعایی عمومی است که می توان آن را برای طلب تمام حوائج دنیا و آخرت در هر زمان و مکانی به جا آورد.

مرحوم آیت الله بهجت (ره) می فرماید:

دعاهای وارده در امکانه و از منته خاص - مانند دعاهای وارده در مقام های مسجد کوفه و دعاهای رجب و شب قدر و... - اختصاصی نیست، به گونه ای که نتوان در وقت و یا جای دیگر خواند؛ بلکه می شود دعا را در غیر آن زمان و مکان خواند.<sup>۲</sup>

## اقتناع اندیشه به روش توضیح و تبیین و تنظیم و دسته بندی

### نکاتی از دعا

«يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ؛ اى كسى كه براى هر خيبرى به او اميد دارم».  
امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ مَنْ رَجَا شَيْئاً طَلَبَهُ؛<sup>۲</sup> هر كس به چيزى اميدوار باشد، آن را طلب مى كند».

علامه سيد محمد حسين حسيني طهراني به نقل از سيد هاشم حداد می فرماید: منظور حديث قدسى «أنا فى ظنِّ عبدى؛ من در ظن و گمان بنده ام هستم»، اين است كه اگر خير بخواهى، خدا خير برايت مى خواهد و اگر شر بخواهى، ولو براى ديگران، خدا هم برايت شر مى خواهد.  
«وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ؛ و در امان هستم از هر نوع شر و بدى ناشى از خشم و غضب او».  
اگر خداوند ايمنى بخش از هر شرى است، پس جهنم براى چيست؟

اگر جهنم و عقوبتى در دناك براى ما ترسيم شده، انعكاس اعمال بد ما است. از سوى ديگر، خداوند متعال، خالق ما است و خالق نيازى ندارد كه به مخلوق خود شر و بدى برساند؛ از اين رواز ما است كه بر ما است.

«يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ؛ اى آن كه در مقابل اعمال اندك و ناچيز ما، پاداش بسيار عطا مى نمايى».

قرآن كريم مى فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ»؛<sup>۳</sup> هر كس كار نيكي بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد و هر كس كار بدى انجام دهد جز به مانند آن، كيفر نخواهدديد؛ و ستمى بر آنها نخواهد شد».

## تحریک احساس با اسلوب دعایی و مناجاتی

خداوند از خزانه فضل و کرم خویش با بندگانش معامله می‌کند، نه بر اساس نفع شخصی. پس در مقابل کم‌ما، زیادت عطا می‌کند؛ چون از خزانه غیب او چیزی کم نمی‌شود و صفت رحمان، کریم و... در باره خداوند، یک جنبه‌اش این است که هر چه او خرج کند کسر نمی‌آورد.

«يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحْتَنَامُنْهُ وَرَحْمَةً: ای کسی که به هر در خواست کننده‌ای عطا می‌کنی، ای که عطا می‌کنی به کسی که تو را نمی‌خواند و تو را نمی‌شناسد که صاحب مهر و عطا و رحمت هستی». قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ: ای مردم شما (همگی) نیاز مند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است».

مقام تکدی و گدایی آستان ربوبی، مقامی بس بزرگ است چون اگر انسان، گدای در خانه حق شد دیگر گدایی بنده‌ای مثل خود را نمی‌کند.

«دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود»<sup>۶</sup>.

مطلب دیگر آنکه خدا به آنهایی هم که او را نمی‌خوانند و به فکر او نیستند، جود و کرم و عطا رزانی می‌نماید، منتها آنچه که به سائلان می‌دهد، طبعاً از شمندتر است و در مقایسه با آنچه که به تعبیری به خداشناسان می‌دهد، جلوه دیگری دارد. با این حال همه مشمول الطاف او هستند، همه بر سر سفره گسترده پر خیر و برکت او هستند.

ای که از خزانه کرم

گیر و ترسا وظیفه خور داری

«أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي يَا كَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ: عطا کن به من در مقابل خواهش و خواسته‌ام همه خیر دنیا و همه خیر آخرت را».

اینکه می‌گویند از خدا کم نخواهید در ظاهر ممکن است جمله ساده‌ای باشد، ولی واقعا کار ساز است چون خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ: و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم».

«وَاصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي يَا كَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنقُوصٍ مَا أُعْطِيتَ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ: و دور کن از من بنا بر خواسته و خواهش تمام شر دنیا و شر آخرت را، زیرا هر چقدر تو عطا کنی (از خزانه فضل و کرم) کم نمی‌شود و بر من بیافز از بخشش خود ای بزرگوار».

خیر و شر چیست؟ با پاسخ به این سؤال می‌توان خیلی از شبهات اعتقادی را که به ذهن‌ها خطور می‌کند پاسخ داد.

مرحوم میردامادی فرماید: «الشر قضایاء النفسانیة والخیر الهامات الالهیه؛ شر از قضایای نفسانی انسان است و خیر از الهامات ذوالجلال و الاکرام است». اگر کسی توانست این نفس دون را مهار کند، صدر صدر خیر قرار می‌گیرد و عمده، همین است.

«يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا النِّعْمَاءِ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ حَرِّمْ شَيْئَتِي عَلَى النَّارِ:

ای صاحب جاه و جلال و اکرام، ای صاحب نعمت‌ها و جود و بخشش، ای کسی که بر ما منت می‌گذاری و (حاجات ما را بر آورده می‌سازی) و ای بلند مرتبه سخاوتمند، آتش جهنم را بر موی سفید من حرام گردان».

چرا می‌خوانیم آتش را بر موها حرام کن و نگفته مثلا آتش را بر دست و پا و زبان و یا... حرام کن؟

حساس‌ترین عضو بدن در مقابل آتش همین - مو - است لذا اگر آتش بر موها حرام شود طبیعتاً تمام اعضا از سرتا پا در امان خواهد بود و دیگر خبری از سوختن نیست؛

ممکن است برای خیلی‌ها این سؤال پیش بیاید که فلسفه حرکت دادن انگشت سبابه در هنگام قرائت این قسمت دعای شریف چیست؟

ابو بصیر گوید: از امام صادق (علیه السلام) از دعا کردن و بلند کردن دست‌ها پرسیدم فرمود: بر چهار گونه است: اما برای پناه بردن به خدا (از شر دشمنان) درون دست‌های خود را به طرف قبله کنی و اما در دعای برای روزی دست‌های خود را باز کنی و درون آن دو را به سوی آسمان بدار و اما تبتل پس آن اشاره کردن با انگشت سبابه است و اما ابتهال: بلند کردن دست‌ها است، به طوری که از سرت بگذرد و دعای تضرع این است که انگشت سبابه را در برابر رویت بجنبانی و آن دعای خیفه (وهراس) است.<sup>۸</sup>

### پی‌نوشت

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۹۰.
۲. محمد حسین رخشاد، در محضر آیت الله بهجت، ج ۱.
۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۸.
۴. انعام: ۱۶۰.
۵. فاطر: ۱۵.
۶. سعدی.
۷. بقره: ۱۸۶.
۸. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۰.



# رمز و راز خوب گوش کردن

حسین هرمز

## ایجاد انگیزه به روش ابهامی و همراه با تعریف مطلب

در این بحث از رمز و رازی صحبت خواهد شد که با استفاده از آن صمیمیت بین افراد افزایش می‌یابد؛ صمیمیت بین افراد خانواده، بین همکاران، بین همکلاسی‌ها، بین اقوام و بین همسایه‌ها در گرو رعایت این مهم است و از طرفی بی‌اعتنایی به این مهم، نشان بی‌ادبی است. بر عکس، حسن توجه به این مهارت، علامت تربیت اجتماعی و بهادادن به موقعیت انسانی است.

اما آن مهارتی که در ارتقاء روابط مؤثر است، هنر خوب گوش کردن است. گوش دادن یک ضرورت است و «خوب گوش کردن» یک هنر است؛ زیرا بیشتر بهره‌ها را از این رهگذر می‌توان به دست آورد و اغلب خسارت‌ها هم به خاطر خوب گوش نکردن و بهره نبردن از شنیده‌ها و گوش کردن‌های غافلانه و سهل‌انگارانه است.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) درباره اهمیت خوب گوش کردن می‌فرماید: «مَنْ أَحْسَنَ الْإِسْتِمَاعَ تَعَجَّلَ الْإِنْتِفَاعَ؛ کسی که خوب گوش دهد، زودتر سود می‌برد».

گوش تو دو دادند و زبان تو یکی یعنی که دو بشنو و یکی بیش مگو

## به روش تنظیم و دسته‌بندی اقناع اندیشه

اما برخی از رسم و رسوم گوش دادن عبارت اند از:

۱. **علاقه نشان دادن به سخنان گوینده**  
جان مورگان، نویسنده کتاب روان‌شناسی اجتماعی می‌نویسد:

«بهترین قدردانی و اهمیتی که می‌توان برای یک شخص قائل شد، این است که به دقت گوش و هوش خود را به او بسپارید؛ زیرا به دقت گوش کردن نه تنها راه آسانی برای جلب دوستی دیگران است؛ بلکه آنها را وادار می‌کند که برای ماصحبت کنند و اطلاعاتی به دست آوریم. فقط با گوش دادن به صحبت دیگران و با میدان دادن به طرف است که ما می‌توانیم او را راضی و خوشحال کنیم و هم خاطرهای خوش از خود در ذهن او باقی گذاریم».<sup>۲</sup>

اگر کسی خبر، داستانی یا مطلبی را بازگو می‌کند، باید چنان با علاقه به آن گوش فرا داد که تصور شود شنونده نمی‌داند و برای نخستین بار است که می‌شنود، نه اینکه با بی‌اعتنایی به گوینده بفهمانیم که آن را شنیده و خوانده‌ایم و از آن آگاهییم.

## رفتار سازی

همچنین شنونده نباید خود را دانایتر از گوینده فرض کند و به گفته‌های او گوش ندهد یا بی‌اعتنایی کند و گمان برد هر چیزی را می‌فهمد و نیازی به شنیدن ندارد. چقدر زیباست که زوجین موقع شنیدن صحبت طرف مقابل، کمی به سوی او متمایل شده و نشان داده که به صحبت‌های او علاقه دارند و با تکرار کلماتی از گفته‌های طرف مقابل، او را به ادامه صحبت تشویق کنند.

## ۲. اجازه گرفتن برای شنیدن

یکی از آداب اجتماعی گوش دادن، اجازه گرفتن است. اگر کسانی با هم سخن می‌گویند و مایل نیستند دیگران، سخنانشان را بشنوند، نباید میانشان نشست و به حرف‌هایشان گوش داد. یا باید از محل سخن گفتن آنان بیرون رفت یا از آنان اجازه گرفت یا به نوعی خود را به کاری مشغول ساخت که سخنان آنان به گوش نرسد. دست کم آنکه باید بی‌توجه بود، نه حساس برای گوش دادن و پی بردن به محتوای سخن آنان. در این باره فرق نمی‌کند که سخن گفتنشان، حضوری باشد یا تلفنی. در همین زمینه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «إِذَا كَانَ اثْنَانِ يَتَنَاوَيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا؛ وقتی دو تن آهسته سخن می‌گویند، میان آنها داخل مشو».

امام صادق (علیه السلام)

## تحریک احساس به روش داستانی

در زمان عبدالملک یا یکی دیگر از خلفای بنی امیه که لاهو و موسیقی خیلی رایج بود، به خلیفه خبر دادند که فلان شخص، خواننده است و کنیزی دارد که او هم خواننده است و تمام جوان های مدینه را فاسد کرده و اگر به کار او نرسید، تمام مدینه را فاسد می کند. خلیفه دستور داد که غل به گردن آن مرد وزن انداختند و آنها را به شام بردند، وقتی در حضور خلیفه نشستند، آن مرد گفت: «معلوم نیست آنچه که او می خواند غنا باشد» و از خلیفه خواست که خودش امتحان کند. خلیفه دستور داد، کنیز بخواند، او شروع به خواندن کرد، کمی که خواند دید سر خلیفه دارد تکان می خورد، کم کم کار به جایی رسید که خود خلیفه شروع کرد به چهار دست و پا راه رفتن و می گفت: «بر این مر کب خودت سوار شو!».

گوش دادن به موسیقی، اراده را تضعیف و به تدریج بنده شیطان می کند.

روزی شخصی نزد امام صادق (ع) آمد و از ایشان پرسید: «پدر و مادرم به فدایت، گاهی اوقات که من داخل مستراح می شوم از خانه کناری صدای آواز می آید و من صدای آنها را می شنوم و چه بسا نشستن در مستراح را طول می دهم و زیاد می نشینم».

حضرت به او فرمودند: «این کار را انجام نده». مرد گفت: «به خدا قسم از روی عمد و قصد آنجامی روم؛ بلکه آوازی است که به گوشم می رسد».

امام فرمودند: «مر حبابه تو (خوب توجیح می کنی!) مگر نشنیده ای که خدای عز و جل می فرماید: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»<sup>۱۱</sup> قطعاً گوش و چشم و دل، همه مسئولند».

آن مرد گفت: «گو یا من این آیه قرآن را از هیچ عرب و عجمی نشنیده بودم، من استغفار می کنم و دیگر به این کار بر نمی گردم».<sup>۱۲</sup> همچنین امام صادق (ع) درباره اهمیت و اثر گوش دادن به احادیث اهل بیت (ع) می فرماید: «إِنَّ حَدِيثَنَا يَحْيِي الْقُلُوبَ؛ همانا احادیث ما موجب زنده شدن قلبها است».

خداوند متعال نیز درباره این اثر می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»<sup>۱۳</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد».

که سخن کسی را قطع کند، مگر آنکه آن شخص از سخن خویش فارغ شود».

رسول خدا (ص) می فرماید: «هر کس وارد گفتار دیگران شود و سخن برادر مسلمانش را قطع کند، همانند این است که صورت او را مجروح ساخته است».<sup>۱۴</sup>

### ۵. گوش نسپردن به هر سخنی

آداب اسلامی به انسان مؤمن مسلمان اجازه نمی دهد که به هر سخنی گوش بسپارد. امیر المؤمنین علی (ع) می فرماید: «عَوِّذُ أَذُنَكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ؛ گوش خود را به «خوب شنیدن» عادت بده!»

امام جواد (ع) در رهنمودی می فرماید: «مَنْ أَصْعَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنَّ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ»<sup>۱۵</sup> کسی که به سخن گویی گوش فرا دهد او را پرستش کرده است. بنابراین اگر از خدا می گوید، خدا را پرستش کرده و اگر از زبان شیطان می گوید، شیطان را پرستیده است».

این روایت بیانگر این نکته مهم است که سخن هر چه باشد و از هر کس باشد، اثر دارد و گوش فرادادن به سخنان این و آن معمولاً با تأثیر آن در دل آدمی همراه است.

می فرماید: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أذُنَيْهِ الْأَنْكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۱۶</sup> کسی که به سخن گروهی گوش دهد، در حالی که آنان، آن را خوش نداشته باشند (و تمایلی به شنیدن او نداشته باشند) روز قیامت، در گوش هایش سرب گداخته ریخته می شود».

### ۳. قطع نکردن گفتار گوینده

شنونده باید با تحمل و صبوری به سخنان گوینده گوش دهد تا گفتار او به پایان برسد و این نشان بزرگواری فرداست. امیر المؤمنین علی (ع) می فرماید:

«مَنْ الشُّؤْدُدِ الصَّبْرُ لِاسْتِمَاعِ شَكْوَى الْمَلْهُوفِ»<sup>۱۷</sup> از بزرگواری و آقایی است که انسان برای گوش سپردن به شکوی و ناله دردمند، تحمل و صبر داشته باشد».

بریدن سخنان گوینده با هر لحنی که باشد، نشانه بی ادبی است و ارزش شنونده را پیش گوینده کم خواهد کرد. در سیره اخلاقی حضرت رسول (ص) آمده است: «مَنْ تَكَلَّمَ، أَنْصَتُوا لَهُ حَتَّى يَفْرَغَ»<sup>۱۸</sup> کسی که سخن می گفت، به او گوش می دادند، تا سخنش به پایان برسد».

درباره امام رضا (ع) نیز، از ابراهیم بن عباس روایت است که:

«وَمَا رَأَيْتُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْهُ»<sup>۱۹</sup> آن حضرت را هرگز ندیدم

### پی نوشت

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۷.
۲. آیین آداب معاشرت (روان شناسی اجتماعی)، صص ۵۱ و ۵۲.
۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۹۸.
۴. الخصال، ج ۱، ص ۱۰۹.
۵. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۸۱.
۶. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۵۳.
۷. همان، ج ۴۹، ص ۹۰.
۸. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، روایت ۱۳.
۹. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۷.
۱۰. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۲۴.
۱۱. اسرا، ۳۶.
۱۲. فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۳۴.
۱۳. انفال، ۲۴.



# فیش روضه حضرت امام کاظم علیه السلام

هادی الیاسی

## حلقه وصل

شیخ مفید رحمته می نویسد:

حضرت ابو الحسن از همه مردم معاصرش پارساتر و داناتر و باسخت‌تر و گرمی‌تر بود. روایت شده آن حضرت نماز شب را می‌خواند و آن را به نماز صبح، متصل می‌کرد و پس از آن به تعقیب نماز مشغول می‌شد تا خورشید طلوع می‌کرد و تا زوال شمس سر به سجده می‌گذازد و به دعا و حمد خدا مشغول بود و همواره می‌گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ؛ پروردگارا از تو در خواست می‌کنم، مرا هنگام مرگ آسایش داده و به آسانی روح مرا قبض کنی و از کرده‌های من در وقت حساب من درگذری».

و از جمله دعاهای آن جناب این بود:

«عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ؛ گناه بنده تو بزرگ است و بخشش از جناب کبریائی تو نیکوست».

از خوف چنان می‌گریست که محاسن شریفش تر می‌شد و از همه مردم بیشتر به صلح رحم و دیدار نزدیکانش توجه داشت<sup>۱</sup>.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ده سال و اندی بود که هر روز از طلوع خورشید تا هنگام زوال را با یک سجده به سر می‌برد. گاهی هارون بر بامی که مشرف به زندان بود می‌آمد و به ربیع می‌گفت: این چه پارچه‌ای است که هر روز می‌بینم که روی زمین است؟ ربیع پاسخ می‌داد، این پارچه نیست! موسی بن جعفر است که هر روز از طلوع آفتاب تا زوال به سجده می‌رود.

هارون گفت: این شخص از رهبان بنی هاشم است و از دنیا بریده است. گفتیم: پس چرا او را زندان نموده و بر او سخت گرفته‌ای؟ گفت: هیبهات، چاره‌ای جز این ندارم<sup>۲</sup>.

## شعر مرثیه

احوال من از این تن تبار روشن است  
زندان من به چشم گهر بار روشن است  
از صبح تا غروب که حبسم به زیر خاک

تا صبح حالم از دم افطار روشن است  
این سال‌ها که سخت گذشته برای من  
دم به دمش ز آه شربار روشن است  
یک جابلائی شیعه به جانم خریده‌ام  
آثار آن به جسم من زار روشن است  
معلوم تا شود به سر من چه آمده  
از صورت تم که خورده به دیوار روشن است  
حرفی ز استخوان صبورم نمی‌زنم  
از ساق پام شدت آزار روشن است  
جسمم کبود هست ولی غیر عادی است  
حتی به زیر سایه دیوار روشن است  
زنجیر را که عضو جدید تنم شده  
پنهان نکرده‌ام، همه اسرار روشن است  
من دیده بستم‌ام به همه، غیر فاطمه  
چشمم فقط به دیدن دل دار روشن است<sup>۳</sup>

## متن مرثیه

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيَّ الْأَبْرَارِ وَإِمَامِ الْأَخْيَارِ وَعَيْبَةِ الْأَنْوَارِ... وَالْمُضْطَّهِدِ بِالظُّلْمِ وَالْمَقْبُورِ بِالْحَجْرِ وَالْمُعَذِّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ وَظَلَمِ الْمَطَامِيرِ ذِي السَّاقِ الْمَرْضُوضِ بِخَلْقِ الْقِيُودِ...»<sup>۴</sup>

امام در یک زندان بسر نبرد، در زندان‌های متعدد بسر برد. او را از این زندان به آن زندان منتقل می‌کردند و راز مطلب این بود که در هر زندانی که امام را می‌بردند، بعد از اندک مدتی زندانبان مرید او می‌شد.

امادر آخرین زندان به امام خیلی سخت گذشت: یحیی بر مکی امام را تحویل گرفت و تحویل زندانبان دیگری به نام سندی بن شاهک داد، که می‌گویند اساساً مسلمان نبوده و در زندان او خیلی بر امام سخت گذشت، امام در زندان او هیچ روی آسایش نندید. نجوای امام کاظم علیه السلام در این زندان چنین بود:

«يَا سَيِّدِي نَجِّنِي مِنْ حَبْسِ هَارُونَ وَخَلِّصْنِي مِنْ يَدِهِ يَا مُخْلِصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمْلِ وَطِينِ وَمَاءِ وَبَيَا مُخْلِصَ اللَّبَنِ مِنْ بَيْنِ فَرْثِ وَدَمٍ وَيَا مُخْلِصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمَةٍ وَرَجِيمٍ وَيَا مُخْلِصَ النَّارِ مِنْ بَيْنِ الْحَدِيدِ وَالْحَجَرِ وَيَا مُخْلِصَ الرُّوحِ مِنْ بَيْنِ

الْأَخْشَاءِ وَالْأَمْعَاءِ خَلِّصْنِي مِنْ يَدَيْ هَارُونَ؛ ای آقای من، سرور من، مرا از زندان هارون نجات بده و از دست او رهاییم کن. ای که درخت را از بین گل و شن بیرون می‌آوری! ای که شبر را از بین مجرای خون و سرگین خارج می‌کنی. ای که جنین را از میان رحم و مشیمه خارج می‌کنی! ای که آتش را از آهن و سنگ بیرون می‌آوری! ای که روح را از بین امعاء و احشاء خارج می‌کنی! مرا از دست هارون نجات بده».

سندی بن شاهک امام را مسموم کرد و به شهادت رساند.

شیخ صدوق رحمته از حسن بن عبدالله صیرفی نقل کرده است که: پدرم گفت: حضرت موسی بن جعفر به دست سندی بن شاهک از دنیا رفت و پس از شهادت او را بر تابوتی نهاده و می‌گفتند: «هَذَا إِمَامُ الرَّافِضَةِ فَأَعْرِفُوهُ؛ این امام رافضیان است»، او را بشناسید... غلامان سلیمان بن ابی جعفر آمدند و در کنار پل بغداد بدن امام را از غلامان سندی بن شاهک گرفتند. تابوت را بر سر چهارراهی گذاشته و ندادند: «الْأَمِنْ أَرَادَ الطَّيِّبُ بْنُ الطَّيِّبِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ فَلْيَحْزُجْ؛ هر که می‌خواهد انسان پاک‌نهاد، موسی بن جعفر را زیارت کند بیاید».

برای حضرت موسی بن جعفر کفنی آوردند که تمام قرآن را بر آن نوشته بودند. آن حضرت را کفن کردند و سپس تشییع باشکوهی بر گزار شد و جنازه مبارک حضرت را به سوی منابر قریش برده و در همان جادفن کردند<sup>۵</sup>.

## پی‌نوشت

۱. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۳۱.
۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۲۱.
۳. شاعر: رضارسول زاده.
۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۷.
۵. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۳۰۵.
۶. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۸.
۷. همان.

### حلقه وصل

«و علم آدم الاسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة فقال انبئوني باسماء هؤلاء ان كنتم صادقين. قالوا سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم الحكيم»<sup>۱</sup>

برترین علم‌ها، علمی است که مستقیماً از ذات الهی به شخصی افاضه شود، یعنی دارای علم «لدنی» باشد. زینب علیها السلام به شهادت امام سجاد علیه السلام دارای چنین علمی بود، آن‌جا که به عمه‌اش فرمود: «انت عالمه غیر معلمه و فهمه غیر مفهمه»<sup>۲</sup> تویی آنکه آموزگاری داشته باشی، عالم و دانشمند هستی».

آنچه خوبان همگی داشتند، او به تنهایی داشت. شب‌ها در حال عبادت بود و روزها را روزه و به تقوا و پرهیزکاری معروف بود. تا جایی که امام حسین علیه السلام که خود معصوم و واسطه فیض الهی است، هنگام وداع به خواهرش می‌فرماید: «یا اخته لا تنسینی فی نافله اللیل»<sup>۳</sup> خواهر جان! مرا در نماز شب فراموش مکن!

زینب علیها السلام به حدی عاشق شب‌زنده‌داری بود که هیچ مصیبتی وی را از عبادت باز نداشت. اما گذر ایام این دنیای پست، کاری کرد که این بانوی جلیل‌القدر گاهی توان ایستادن برای نماز نداشتند. امام سجاد علیه السلام فرمود: «ان عمته زینب کانت تؤدی صلواتها، من قیام الفرائض والنوافل عند مسیرنا من الکوفه الی الشام و فی بعض منازل کانت تصلی من جلوس لشده الجوع والضعف»<sup>۴</sup> عمه‌ام زینب در مسیر کوفه تا شام همه نمازهای واجب و مستحب را اقامه می‌نمود و در بعضی منازل از شدت گرسنگی و ضعف، نشسته نماز می‌گزارد».

زینب علیها السلام که حضور هفت معصوم را در ک کرده و به خوبی درس ولایت‌مداری را از مادر شهیده‌اش فرا گرفته بود؛ به زیبایی آن را در کربلا به عرصه ظهور رساند. از جمله در مجلس ابن زیاد، شهر شام، مجلس یزید و خطبه غراء و تاریخی کوفه که فرمود: «وانی ترخصون قتل سلیل خاتم النبوه و معدن الرساله و سید شباب اهل الجنه»<sup>۵</sup> لکه ننگ کشتن فرزند آخرین پیامبر و سرچشمه رسالت و آقای جوانان بهشت را چگونه خواهید شست؟ زنان به قدری تحت تأثیر قرار گرفته بودند که به پای‌ایستاده (بر کشته‌شدگان کربلا) زاری و شیون می‌نمودند، در حالی که گریبان‌ها (شان را) می‌دریدند. او به قدری تسلیم امامت بود که حتی در لحظه آتش زدن خیمه‌گاه، یعنی

در آغاز امامت امام سجاد نزد ایشان عرض کرد: ای یادگار گذشتگان خیمه‌ها را آتش زدند ما چه کنیم؟ فرمودند: «علیکن بالفرار»<sup>۶</sup>

تورفتی و غرور حریمت شکسته شد هنگام غارت حرم، آن هم چه غارتی آتش زدند خیمه ما را و بعد از آن دزدیده شد تمامی اشیاء قیمتی این بچه‌ها تمامی شان لطمه خورده‌اند با من ولی به شکوه نکرند صحبتی شرمنده‌ام رقیه تو در خرابه ماند لطفی کن و سراغ نگیر از امانتی<sup>۷</sup>

### شعر مرثیه

السلام ای دختر شاه نجف  
السلام ای صابر صحرای طف  
السلام ای چادر زهرا به سر  
السلام ای نور خورشید و قمر  
السلام ای مقتدای عالمین  
السلام ای خواهر خوب حسین  
السلام ای بانوی ماتم زده  
صبر تو صبر جهان بر هم زده  
السلام ای تار و پود فاطمه  
دختر صورت کبود فاطمه  
السلام ای مظهر شور و شعور  
پای تاسر عشق سر تا پا حضور  
السلام ای کربلادر کربلا  
ای به ایمان برادر مبتلا  
السلام ای خطبه خوان شهر شام خواب را  
کردی به بدخواهان حرام  
السلام ای چشم زیبا بین عشق زینب کبری و  
زهرای دمشق<sup>۸</sup>

### متن مرثیه

و اما دل‌ها بسوزد برای دختری که تمامی آن چه را بر مادر گذشت به ارث برد، ولی سهم اضافه‌ای هم برداشت و آن اینکه از خانه‌اش به بدترین خانه حرکت کرد (به اسارت رفت).

صورت را [در اسارت] با دست راست می‌پوشاند و اگر نیاز می‌شد، از دست چپ هم بهره می‌برد. یزید ملعون کاری کرد که حضرت بر سرش فریاد بر آورد: «امن العدل یا ابن الطلقاء تحذیرک حرائرک و اماتک و سوقک بنات رسول الله سبايا؟ قد هتکت ستورهن و ابیدیت وجوههن»<sup>۹</sup> ای پسر آزاد شده‌های [جدمان پیامبر اسلام] آیا این از عدالت است که زنان و کنیزکان خویش

را پشت پرده نشانی و دختران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ نقاب آنان را دریدی و صورت‌های آنان را آشکار ساختی».

ولی آنقدر صبر به خرج داد که در زیارتنامه حضرتش می‌خوانیم: «لقد عجبت من صبرک ملائکه السماء؛ ملائکه آسمان از صبر تو به شگفت آمدند».

این بانوی مصیبت‌دیده و داغ‌دار در چند مورد جان امام سجاد علیه السلام را نجات دادند از جمله:

بعد از عاشورا در لحظه هجوم دشمنان به خیمه‌ها شمر تصمیم گرفت، امام سجاد را به شهادت برساند، ولی زینب فریاد زد: تا من زنده هستم نمی‌گذارم جان زین العابدین در خطر افتد. اگر می‌خواهید او را بکشید، اول مرا بکشید، دشمن با دیدن این وضع، از قتل امام صرف نظر کرد.<sup>۱۱</sup> وزمانی که ابن زیاد فرمان قتل امام سجاد را صادر کرد، زینب علیها السلام آن حضرت را در آغوش کشید و با خشم فریاد زد: ای پسر زیاد! خون ریزی بس است. دست از کشتن خاندان ما بردار «والله لا افارقه فان قتلته فاقتلنی معه؛ به خدا قسم هرگز او را رها نخواهم کرد، اگر می‌خواهی او را بکشی مرا نیز با او بکش».

تازه فهمیدم دلم از خاک پای زینب است  
اشک‌های دیده‌ام از اشک‌های زینب است  
تازه فهمیدم دلم عصیان نمی‌گیرد چرا  
این دل شوریده‌ام مست و ولای زینب است<sup>۱۲</sup>  
و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

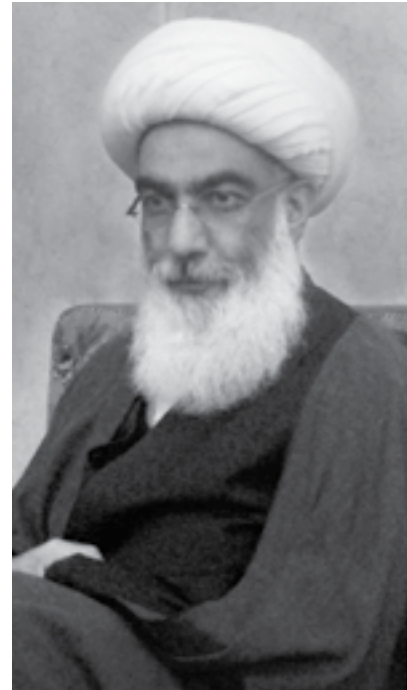
### پی‌نوشت

۱. بقره: ۳۱ و ۳۲.
۲. شیخ عباس قمی، منتهی‌الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۸، تهران، علمیه اسلامی، چاپ قدیم، ۱۳۳۱ ه. ش.
۳. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۱ و ۶۲.
۴. همان، ص ۶۲.
۵. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۳.
۶. همان، ج ۴۵، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.
۷. همان، ج ۴۵، ص ۵۸، محمد مهدی حائری، معالی‌السیطین، ج ۲، ص ۸۸.
۸. مصطفی متولی
۹. سید جمال‌الدین شهرزاد
۱۰. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. همان، ج ۴۵، ص ۶۱.
۱۲. محمود ژولیده

# هنر آیت الله ضیاء آبادی در ساده گویی است

به کوشش سید محمد مهدی هاشمی

در مورد شخصیت افراد بزرگوار هم چون آیت الله سید محمد ضیاء آبادی نوشتن و صحبت کردن سخت است، چرا که این بزرگواران بی ادعاسی در مخفی نگه داشتن فضایل و خدمات خود دارند. برای همین منظور خدمت آیت الله عبدالامیر پشت کوهی آمدیم. وی اصالتاً اهل شمیرانات است و در حوزه علمیه قائم طلیعی را آغاز کرد. وی شاگرد حضرات آیات سید علی اصغر هاشمی علیا، سید فتح هاشمی حکم آبادی و فلسفی (تنکابنی) بود و در مشهد از سید عبدالله موسویان در فلسفه بهره برد. ایشان سال هادر این منطقه تهران با علما مانوس هستند و در سنگر و عطا و خطابه و تدریس موفق هستند و با آغوش باز پذیرای ما بودند. تا بتوانیم در مورد گوشه‌ای از زندگی این عالم بزرگوار صحبت کنیم.



وافری داشت. آقای مجتهدی عصبانی مزاج بود و وقتی که می خواست تنبیهی بکند، طلبه‌ها آقای ضیاء آبادی را واسطه می کردند. مرحوم آقای مجتهدی وصیت کرده بود آقای ضیاء آبادی بر ایشان نماز بخواند. دو نماز بر آقای مجتهدی خوانده شد، یک نماز را آقای ضیاء آبادی شب خواندند و یک نماز هم که مرحوم آقای مهدوی کنی برای عموم مردم خواندند. آقای ضیاء آبادی مدت هادر مدرسه مرحوم مجتهدی استاد رسائل و مکاسب بود و شاگردهای بسیار زیادی را هم تربیت کرد. سپس همزمان امامت جماعت مسجد علی بن موسی الرضا علیه السلام در خیابان سقاباشی را عهده داشت. برای آقای ضیاء آبادی هیچ چیزی مهم تر از انجام تکالیف و وظیفه نیست و در زمانی که همسرشان دچار کسالت شدند، منزلشان را به شمیرانات منتقل کردند. ایشان به خاطر این که از همسرشان مواظبت و مراقبت کند، درس را در مدرسه آقای مجتهدی تعطیل کردند.

قرآن بود، که الحمدلله بیشتر آن هم چاپ شده، البته یک دوران تقریباً طولانی هم شرح زیارت جامعه کبیره و یک بحث اخلاقی داشتند. ایشان از نزدیکان مرحوم آقای شاهچراغی بود که در تربیت شاگرد بسیار موفق بود.

## تکته خاصی که منبر ایشان را از دیگر منابر متمایز می کرد چه بود؟

شیوه منبر آقای ضیاء آبادی و هنر ایشان در بسیار ساده گویی است. یعنی ایشان هنرش در این است که مسائل خیلی عمیق، حتی مسائل خیلی غامض قرآن را به سادگی بیان می کند. چند آیه در قرآن هست که تبیین و تفسیرش مشکل است. من خیلی دقت کردم حضرت آیت الله وقتی که به این آیات می رسد، خیلی روان می تواند تحویل بدهد. همان طوری که شما می دانید هنر بزرگ این است که کسی بتواند مسائل بزرگ عرفانی را ساده بیان کند و اوج هنر مولانا در این است که مسائل خیلی سنگین را خیلی ساده در قالب داستان بیان می کرد. شهید مطهری هم در داستان راستان توانسته با زبان ساده صحبت کند. آقای ضیاء آبادی گرچه ساده سخن می گوید، ولی این ساده گویی عمق خیلی زیادی دارد.

## لطفاً درباره جلسات سخنرانی ایشان نکاتی بفرمایید.

ایشان یک جلسه‌ای در جمعه اول هر ماه در منزلشان داشتند که من اولین بار ایشان را در آن مجلس زیارت کردم. آیت الله ضیاء آبادی دوشنبه‌ها در مسجد، درس اخلاق داشتند، که این درس اخلاق بسیار درس اخلاق عالی‌ای بود، ولی چون مطالب یک مطالب خاصی بود، در ابتدا ایشان اصلاً اجازه ضبط هیچ بحثی را نمی دادند. آقای علی لاریجانی، که آن موقع رئیس سازمان صدا و سیما بود، ما را واسطه کرد برای این که جلسات صبح‌های جمعه‌شان ضبط شود که خود ایشان مخالفت کرد و اجازه نداد. بحث‌های صبح‌های جمعه‌شان تفسیر قرآن بود که چاپ هم شده است. آقا دستور دادند که

## آیت الله ضیاء آبادی چه فعالیت‌هایی بعد از مراجعت به تهران داشتند.

آقای ضیاء آبادی همیشه با منبر و تدریس در حوزه علمیه مجتهدی توأم بوده‌اند. مرحوم آقای مجتهدی که بسیار حساس و نکته‌سنج و وسواسی بود به آقای ضیاء آبادی علاقه

## لطفاً در مورد منش و رفتار آیت الله ضیاء آبادی از وقتی با ایشان آشنا شد بفرمایید.

یقیناً یکی از بزرگان تهران و مفاخر روحانیت شیعه، آیت الله سید محمد ضیاء آبادی است. ایشان شاگرد اشخاصی مانند مرحوم رفیعی قزوینی، مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و امام بودند. آقای ضیاء آبادی جزو بهترین و عطا تهران هستند. البته منبر و عطا ایشان خاص بود. در تهران شخصیت‌هایی مانند مرحوم آقایان فلسفی، راشد، مناقبی، خندق آبادی و غیره داشتیم که عطا معروفی بودند، ولی آقای ضیاء آبادی از ابتدا منش و سلوک و شیوه منبرش با این افراد خیلی فرق می کند. آقای ضیاء آبادی تسلط کاملی به قرآن داشتند، هنوز هم این بحثی که دوشنبه‌ها در مسجد دارند، بر مبنای آیات قرآن است و مدت‌ها، صبح‌های جمعه جلسه‌ای را اداره می کردند که آن هم مبنایش تفسیر

شیوه منبر آقای ضیاء آبادی و هنر ایشان در بسیار ساده گویی است. یعنی ایشان هنرش در این است که مسائل خیلی عمیق، حتی مسائل خیلی غامض قرآن را به سادگی بیان می کند.





صبحانه این جلسه بسیار ساده باشد و با این که جلسات در خانه‌های بعضی از افراد برگزار می‌شد که دارای تمکن مالی بالایی بودند، اما ایشان دستور دادند که تمام صبحانه‌ها باید ساده باشد.

دوشنبه‌ها در مسجد یک بحث اخلاق داشتند. در ابتدای بحث‌های اخلاقی یک مسئله شرعی می‌گفتند و احکام را از یک دید و نگاه نو بیان می‌کردند که در هیچ رساله‌ای نمی‌توانید پیدا کنید. حیف که آن درس‌ها هیچ وقت ضبط نشد و فقط در سینه‌ها محفوظ ماند.

### - حتی این مباحث مکتوب هم نشد؟

در همین اواخر «سفیر هدایت» مباحث صبح‌های جمعه را مکتوب کرد و بعدها به خاطر عارضه سکتته ایشان، جلسات صبح‌های جمعه‌شان تعطیل شد و تمام بحث ایشان همین دوشنبه‌ها بود. بعد مدت‌ها این دوشنبه‌ها ضبط شد که شما در ماه رمضان شاهد پخشش بودید.

### آیت الله ضیاء آبادی چه آثاری تألیف کردند؟

ایشان تسلط زیادی بر ادبیات داشتند که در تفسیرشان به کار گرفتند. ایشان غیر از تفسیر کتاب‌های دیگری هم دارند که از جمله آنها یک کتاب خیلی مختصر، ولی زیبایی در باب خمس است. یک آقای خیر و متدینی بود که قائل به خمس نبود. ما خیلی نصیحتش می‌کردیم که آقا شما باید خمس هم بدهی یا مثلاً یک سری از این خیراتی که می‌کنی به نیت خمس بده. چون در خمس نیت واجب است، ولی ایشان قبول نمی‌کرد، تا این که من به ایشان پیشنهاد کردم کتاب خمس آقای ضیاء آبادی را بخوان و ایشان مطالعه کردند و الان ایشان یکی از بزرگترین ادا کنندگان خمس هستند.

### منش و روش سلوک ایشان در کسوت امام جماعت چگونه بود؟

مرحوم استاد شهریار یک شعری دارد که من در معاصرین از این شعر حکیمانه‌تر ندیدم. شعری که گفتگوی دار با منبر است که خیلی زیبا بیان شده است. منبر به دار می‌گوید که من از چوب هستم و تو هم از چوب. مردم من منبر را می‌بینند، خوشحال می‌شوند و بوسه می‌زنند. توی دار را می‌بینند، ناراحت می‌شوند و به تو سنگ می‌زنند. دار یک جواب دندان‌شکن به منبر می‌دهد، می‌گوید منبر تو اگر کارت را درست انجام بدهی، اصلاً احتیاجی به من دار نیست. این حرف بسیار بزرگ و حکیمانه‌ای است. یعنی اگر امام

قرآن کاری سختی نیست، یک روحانی وظیفه‌اش را باید انجام بدهد. اگر بخواهم یک آخوندی را بسنجیم، باید ببینیم که چقدر استغناء از مردم دارد و چقدر به دنیا بی‌اعتناء است. آقای ضیاء آبادی ثابت کرد که انسان می‌تواند از دواج کند، صاحب فرزند باشد، صاحب زندگی باشد، ولی به دنیا بی‌علاقه باشد و مردم و بچه‌ها و جوان‌های مردم را مثل بچه‌های خودش دوست داشته باشد و به آنها خدمت کند. حضرت آیت الله ضیاء آبادی به هیچ وجه من الوجوه وابستگی مالی به کسی ندارد. با گونی برای او پول می‌آوردند، ولی من شاهد که ایشان مسائل مالی را به آقای مرندی یا مرحوم آقای مجتهدی ارجاع می‌دادند. ایشان حتی این چند ساله سفر عمره و سایر سفرها را هم تعطیل کردند و فقط نشستند به شرع و مکتب حقه جعفری خدمت کنند.

درس اخلاق و شرکت در نماز جماعت مغرب و عشاء را مستمراً ملتزم هستند. بنده چندین بار تماس گرفتم ایشان خودش شخصاً تلفن را جواب می‌دهد و با حوصله سؤال مردم را گوش می‌کند، جواب می‌دهد، راهکار می‌دهد همین که مردم بدانند با یک شخصیتی مثل آقای ضیاء آبادی می‌توانند راحت صحبت کنند، موجب دلگرمی آنان است.

همه زندگی‌اش وقف برای مردم است. یعنی خدمت ایشان منبر رفتن، کتاب نوشتن، مسئله جواب دادن، احکام به مردم یاد دادن و امام جماعت است. آن چه خوبان همه دارند تو تنها داری. ما عالمی داریم که فقط امام جماعت است. عالمی داریم فقط نویسنده است. عالم داریم که فقط منبری است ولی ایشان همه این‌ها را با هم دارد.

جماعت، واعظ، نویسنده مذهبی، کار خودش را درست انجام بدهد، اصلاً چیزی به اسم خطا و خطا کار و دار مجازاتی وجود ندارد. مسجد یک جایگاه بسیار عظیمی است، اولین پایگاهی هست که پیغمبر آن را وضع کرده است. مسجد یقیناً قوامش به امام جماعت است. مسجد نه احتیاج به فرش گران قیمت دارد، نه احتیاج به گنبد طلا دارد، نه به گلدسته کاشی کاری. یکی از کسانی که توانست این حقیقت را واقعاً به ما ثابت کند حضرت آیت الله ضیاء آبادی بود. با آمدن آقای ضیاء آبادی به مسجد علی بن الحسین (علیه السلام) خیلی از متدینین ریشه‌دار از پایین تهران به اینجا کوچ کردند. همیشه در ذهن مردم این است که خانه‌های اطراف مسجد ارزان تر است و ولی با آمدن ایشان به مسجد شاهد بودیم که خانه‌های اطراف مسجد گران تر شد و این خیلی مهم است. مسجد می‌تواند بهترین جا و ملجائی بزرگی باشد، به شرط این که امام جماعت، امام جماعت باشد.

### لطفاً کمی در باب سیره اخلاقی و ویژگی بارز اخلاقی ایشان بفرمایید.

یکی از ویژگی‌های برجسته اخلاقی ایشان، استغناء و مناعت طبع است. خیلی از دوست‌داران ایشان بودند که ماشین‌های خیلی خوبی داشتند، ولی ایشان سوار این ماشین‌ها نمی‌شدند و

ماشین‌های ساده‌ای، ایاب و ذهاب آقا را عهده‌دار بودند. آقای ضیاء آبادی عین خود مردم شد. با مردم شد، در مجالس عقدشان شرکت می‌کرد و شد یک امام جماعت واقعی. اما چطور آقای ضیاء آبادی به این جارسید و این قداستی که بین مردم دارد از کجاست. نماز شب خواندن و تلاوت

همیشه در ذهن مردم این است که خانه‌های اطراف مسجد ارزان تر است و ولی با آمدن ایشان به مسجد شاهد بودیم که خانه‌های اطراف مسجد گران تر شد و این خیلی مهم است.



# ضیاء پایتخت

نگاهی به سیره علمی و عملی آیت الله ضیاء آبادی

به کوشش: سعید واعظیان



ماهنامه  
آموزشی  
فرهنگی  
ترویجی

۱۸

## تولد و دوران کودکی

آیت الله سید محمد ضیاء آبادی در سال ۱۳۴۷ هـ ق (۱۳۰۷ هـ ش) در قریه ضیاء آباد واقع در ۴۵ کیلومتری شهرستان قزوین و در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. سادات ضیاء آباد از سادات جلیل القدر حسینی منطقه قزوین هستند و به شغل کشاورزی مشغول می باشند. پدرش سید محمود ضیاء آبادی از روحانیان متقی، مورد اعتماد، محل پناه مردم و خوش نام بود که در کنار تبلیغ، اقامه نماز و مطالعه روزانه کتب مذهبی، مخارج خانواده نه نفری خود را با کشاورزی تأمین می کرد.

نسب شریف سید محمد و همه سادات ضیاء آباد به امام حضرت زین العابدین (علیه السلام) می رسد. سادات ضیاء آباد - به نقل از ایشان - در گذشته هنگام هجوم امراض فراگیری مانند طاعون و وبا، پناهگاه اهالی بودند.

## تحصیل در قزوین

سید محمد با تشویق والدین بعد از شهر یور سال ۱۳۲۰ برای تحصیل علوم اسلامی به شهرستان قزوین رفت و در مدرسه التفاتیه که از مدارس کهن قزوین به شمار می رود، سکونت گزید. مشغول فراگیری علوم اسلامی

شخصیت‌ها در درس پربرکت فقه این استاد شرکت می کرد. او خود می گوید:

آیت الله العظمی بروجردی موقعیت علمی و معنوی بسیار ممتازی میان فقهای شیعه داشت و با اینکه به علت اشتغالات سنگین علمی و مسؤولیت زعامت و رهبری دینی، یک درس فقه می فرمود، ولی همان یک درس بسیار پر محتوا و عمیق بود و به گونه‌ای تدریس می فرمود که مسائل برای همگان قابل درک و فهم بود. به قدری روان تدریس می کرد که جای هیچ گونه ابهامی باقی نمی گذاشت.

۲- امام خمینی (م: ۱۳۶۸ هـ ش)

آیت الله ضیاء آبادی از تربیت یافتگان ویژه مکتب علمی امام خمینی به شمار می رود. وی در درس اصول و فقه، به ویژه درس خارج مکاسب حضرت امام شرکت می کرد و از محضر آن بزرگوار بهره‌مند می شد. خود می گوید:

زمانی که به درس حضرت امام رفتم و از نزدیک با محتوای درسی معظم له آشنا شدم، احساس کردم که با وجود چنین درس پرفایده‌ای نیازی به شرکت در درس سایر اساتید ندارم، لذا در ایام اقامت در قم سه استاد داشتم، آقای بروجردی، امام و آقای طباطبایی. درباره امام و ویژگی‌های درس معظم له سخنان فراوانی از سوی شاگردان برجسته آن بزرگوار در منابع، کتب و مجلات آمده است که بنده هم تأیید می کنم.

۳- علامه سید محمد حسین طباطبایی (م:

گردید. سید مقدمات (صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع و منطق) را نزد استاد برجسته آقا شیخ یحیی مفیدی فرا گرفت. از دیگر اساتید سید، آقا میرزا عبدالرحیم سامت قزوینی است که معلم و قوانین را نزد وی، فرا گرفت. ضیاء آبادی شرح لمعه، رسایل، مکاسب و منظومه سبزواری را در نزد میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی فرا گرفت.

## حوزه علمیه قم

آیت الله سید محمد ضیاء آبادی بعد از مدتی اقامت در حوزه قزوین، در سال ۱۳۲۸ هـ ش راهی حوزه علمیه قم شد و به مدت ۱۲ سال از محضر اساتید این شهر استفاده کرد، از جمله:

۱- آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی (م: ۱۴۱۶ هـ ق)

۲- آیت الله شیخ عبدالجواد سدهی اصفهانی (م: ۱۳۲۳ هـ ق)

## اساتید درس خارج

۱- آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی (م: ۱۳۸۰ هـ ق)

آیت الله ضیاء آبادی همانند بسیاری از



مبشر  
امام طراز مسجد

هم اکنون بیش از ۱۰ سال است که در مسجد علی بن الحسین علیه السلام خیابان دربند تجریش ضمن اقامه جماعت و ارشاد و موعظه، جلسات تفسیری را به صورت هفتگی در منزل خویش منعقد می‌سازد و مشتاقان فراوانی در آن شرکت می‌نمایند.

### ۳- سخنرانی:

آیت الله ضیاء آبادی از سخنرانان دانشمند ساکن تهران است که به علت قدرت والای علمی و معنوی، آشنایی با مبانی اسلامی و قرآنی، شناخت مسائل روز و دارا بودن قدرت بیان و خطابه و شیوایی سخن در بخش خاصی در مجالس عمومی و خصوصی دارد به گونه‌ای که یکی از منابر وی در جلد اول مجموعه گفتار و عاظ آمده و معظم له نیز در ردیف و عاظ و خطباء ممتاز و طراز اول کشور قرار داده شده است. وی یکی از روحانیان و مبلغان موفق در امر وعظ و تبلیغ در تهران است و چون سخنانش با چاشنی قرآن، روایت و مطالب آموزنده اخلاقی همراه است، مشتاقان زیادی دارد. اخلاص، تواضع، عمل به گفتار، متانت و شیوایی سخن، و بهره‌گیری از ظرافت‌های اخلاقی و قرآنی از ویژگی‌های ایشان به شمار می‌رود.

آیت الله ضیاء آبادی از چهره‌های برجسته علمی و فرهنگی و دینی ایران است و یکی از سخنرانی‌های عمیق ایشان تحت عنوان لقاء الله در جلد اول گفتار و عاظ و دانشمندان شهیر آمده است. وی با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات و اخبار اهل بیت علیهم السلام و بالدلیل منطقی و عقلی مراحل سیر ملکوتی انسان از خاک تا افلاک را تشریح کرده است. استاد در این خطابه با طرح این پرسش که: این بشر کی بیدار می‌شود؟ به تفسیر مراحل سیر و سلوک انسان به درجات عالی و هم چنین عوامل سقوط و دور شدن او از اخلاقیات و معنویات پرداخته و در پایان همه مردم را به سوی قوانین سعادت آفرین الهی دعوت کرده است. سخنرانی دیگر ایشان با عنوان تلازم بین قرآن و عترت پیرامون تفسیر حدیث شریف ثقلین و حقانیت باور داشت‌های شیعه با توجه به منابع عامه، در این کتاب به تفصیل آمده است. [۲۸]

### خدمات عمرانی

معظم له تا کنون با کمک افراد خیر و نیکو کار توانسته است خدمات عمرانی و خدمات دینی ارزشمندی به هموعان ارائه نمایند، خصوصاً در بخش تأمین جهیزیه دختران بی‌بضاعت و تأمین مسکن افراد نیازمند فعال بوده است.

زمینه کار در تهران مساعدتر است، لذا به تهران آمدن و ضمن تدریس در مدرسه آقای مجتهدی تهرانی، به کار وعظ و تبلیغ پرداختیم. بعد از مدتی چون علاقه‌مند به مطالعه بودم، تشخیص دادم که منابر خودم را هدف‌مند کنم تا وقت بیشتری برای مطالعه داشته باشم که الحمدلله توفیقاتی نیز در این باره داشته‌ام.

### خدمات علمی و فرهنگی

معظم له در طول بیش از ۴۰ سال اقامت در تهران منشاء خدمات علمی و فرهنگی و عمرانی زیادی شد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- تدریس: بعد از اقامت در تهران آیت الله حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از وی دعوت کرد برای طلاب مدرسه علمیه تحت مدیریتش تدریس کند. او هم اکنون بیش از ۴۰ سال است که در این حوزه به تدریس علوم اسلامی شامل مطول، معالم، لمعتین، رسایل و مکاسب و کفایه الاصول اشتغال دارد و از مدرسان کارآمد و موفق آن حوزه است.

### ۲- تفسیر قرآن کریم:

آیت الله ضیاء آبادی از چهره‌های ارزشمند و مفسران بزرگ شیعه است. ایشان درباره تفسیر قرآن می‌فرماید:

از دوران طلبگی و زمانی که پای منبر مرحوم آیت الله رفیعی می‌رفتم، به تفسیر قرآن علاقه پیدا کردم و چون در قم پای درس تفسیر علامه طباطبایی نشستیم، شدت علاقه‌ام زیادتر گردید، به گونه‌ای که اکتفاء به درس معظم له نمی‌کردم و بلکه تفسیر المیزان را که در آن ایام چاپ شده بود، مطالعه می‌کردم. تفسیر قرآن و اخلاق و اعتقادات شیعه که همگی بر اساس قرآن استوار است، می‌تواند بخش‌های زیادی از نیازهای جامعه دینی به خصوص نسل جوان را تأمین کند، خصوصاً قشر تحصیل کرده و جوانان نیازمند به قرآن و آگاهی از مسائل آن می‌باشند و قرآن می‌تواند غذای روح آنان را تأمین سازد. بنده حتی اخلاق را از قرآن جدانمی‌دانم، چنانکه در روایات هم اخلاق از تفسیر قرآن جدانست. آیت الله ضیاء آبادی تا کنون سوره‌های حمد، بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، یونس، هود، یوسف، یاسین، قیامت و جزء آخر قرآن را تفسیر نموده است و جزوات آن در ۲۵ هزار نسخه توسط بنیاد خیریه الزهرا چاپ و منتشر شده است.

معظم له بعد از ۲۳ سال اقامه جماعت و اقامت در خیابان سقاباشی، به دنبال بیماری همسرش و توصیه پزشکان به تجریش نقل مکان کرد و

(۱۴۰۲ هـ.ق)

آیت الله ضیاء آبادی از محضر علمی ابن حکیم نامدار و مفسر الهی بهره برد، به خصوص اینکه درس اسفار از به ملاصدرا را طی ۵ سال در محضر وی فراگرفت و آن را با یار باوفای خویش آیت الله محمدی گیلانی مباحثه کرد. مدتی هم به درس تفسیر آن بزرگوار حاضر شد و روش‌های نوین برداشت تفسیری آن بزرگوار را آموخت. وی مانند بسیاری از فضلاء فاضل و برجسته حوزه، در درس خصوصی علامه که فقط در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه به صورت سیار و در منازل اعضا برگزار می‌گردید، شرکت می‌کرد. وی ضمن تجلیل از مقام علمی و معنوی استاد، درباره چگونگی آشنایی خود با تفسیر المیزان می‌گوید:

برای اولین بار در یک کتاب‌فروشی با تفسیر المیزان آشنا شدم و یک جلد آن را خریدم و خواندم. مطالب آن بسیار مورد پسندم واقع شد، به گونه‌ای که علاوه بر شرکت در درس تفسیر وی، از مطالعه کنندگان سرسخت المیزان شدم. من ذوق تفسیری خودم را مدیون علامه طباطبایی و کتاب شریف المیزان می‌دانم.

### تدریس در قم

آیت الله ضیاء آبادی وقتی در حوزه قزوین بود، هر کتابی را که تحصیل می‌کرد، مراحل پایین تر آن را برای طلاب تدریس می‌کرد. وقتی هم که به قم آمد ضمن تحصیل، بارها کتب معالم، قوانین و لمعه را برای جمعی از طلاب و فضلاء در یکی از اتاق‌های صحن نو و یاد مدرس زیر کتابخانه مدرسه فیضیه تدریس کرد.

### هجرت به تهران

آیت الله ضیاء آبادی در سال ۱۳۴۰ هـ.ش و بعد از رحلت آیت الله بروجردی به تهران مهاجرت کرد و بیش از ۴۰ سال است که در این شهر مشغول خدمات علمی و فرهنگی است. خود در این باره می‌گوید:

در دوران اقامت در قم فقط در درس خارج حضرت امام و آیت الله بروجردی شرکت کردم و تمام این درس‌ها و نیز کفایه و اسفار ملاصدرا را با حضرت آیت الله شیخ محمد محمدی گیلانی و مرحوم شیخ حسن لاهوتی بحث می‌کردم. بعد از فوت آیت الله بروجردی احساس کردم اقامت من در قم ضروری نیست، لذا به تهران مهاجرت کردم. آشنایی ام با دوستان شمالی که اغلب اهل وعظ و خطابه و به اصطلاح منبری بودند، مرا به منبری شدن علاقه‌مند کرد و تشخیص دادم که



## جرعه‌های جان بخش

گلچین سخنان آیت الله ضیاء آبادی

گزیده‌هایی از سخنان آیت الله ضیاء آبادی را که در خلال تفسیر آیات و شرح زیارت جامعه آمده است، می‌خوانیم:

### ۱- ذیل آیات ۶-۱۰ سوره رعد:

...آری در میان مردمی که حبّ مال و جاه از حدّ عادی گذشت و طوفان دنیا طلبی در فضای جان‌ها پیچید، طبیعی است که چراغ عقل رو به خاموشی می‌گذارد و زشتی‌ها به صورت زیبایی‌ها جلوه می‌کند و بی‌حیایی یک امر عادی می‌شود و قهرادین نیز رنگ خود را می‌بازد و بی‌دینی در قیافه دین‌داری و روشن فکر مابانه رواج می‌یابد و سرانجام پیشگویی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به وقوع می‌پیوندد...

### ۲- او در باره رابطه‌های عقلانی در عقاید اسلامی می‌گوید:

مقتضای حکم این است که باید خالق حکیم در ماورای این دنیا عالم دیگری داشته باشد که مطیعان و متخلفان از قانون حکیمانه خود را آنجا به کیفر و پاداش برساند و گرنه جعل قانون از قبل او لغو خواهد بود و حکمت خودش زیر سؤال خواهد رفت...

### ۳- ذیل آیات ۱۵ و ۱۶ سوره رعد:

یاللاسف! که ذائقه ما با طعم قیّمه و قورمه و شربت به لیمو آشناست، اما غالباً خبر از طعام حبّ خدا و شربت قرب خدا نداریم! ولی چه خوب است که حداقل باورمان بشود که هستند در میان بندگان خدا او ج گرفتگانی در آسمان معرفه الله که (قد كشف الغطاء عن ابصارهم) پرده از مقابل چشمشان برداشته شده است.

### ۴- وی در باره حجت بودن اهل بیت در دنیا و آخرت می‌نویسد:

حجت بودن اهل بیت بر مردم دنیا روشن است و در آخرت نیز حجت بودنشان آشکار است و به اذن خدا فرمانروای در محشرند... آن دری از درهای بهشت که پیش از سایر درها به روی اهل محشر باز و پر جمعیت‌ترین است، باب الحسین است.

### ۵- در باره حضرت زهرا (ع):

چرا باید تنها یادگار رسول خدا مخفیانه دفن گردد و قبرش ناشناخته بماند؟ چرا؟! مگر گمنام تر از زهرا کسی در عالم اسلام نبود؟ آیا او چرا وصیت به تجهیز شبانه و پنهان نگه داشتن قبرش نمود؟...

### ۶- در باره حدیث ثقلین می‌گوید:

این حدیث شریف (ثقلین) از مسلمات بین فریقین از شیعه و سنی است و نشان می‌دهد که برای همیشه باید اهل بیت رسول (صلی الله علیه و آله) کنار قرآن باشند تا حقایق آن به وسیله‌ی آنها برای امت تبیین شود، جز آنها کسی نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

### ۷- تبعیت از هوی

حال ای امت محمد و شیعه‌ی علی! گوش به فریادهای دلسوزانه این دو پدر مهربان خود فرادیدید، که می‌گویند: اتباع الهوی و پیروی از خواهش دل، ترسناک‌ترین و خطرناک‌ترین بیماری است که ما از مبتلا شدن شما به آن بیمناکیم.

### ۸- فهم مردم در آخر الزمان

مردم در زمان غیبت، به مرتب‌های از عقل و فهم و درایت می‌رسند که «صارت الغیبة عندهم بمنزلة المشاهدة» غیبت در نزد آنها به منزله مشاهده می‌شود، یعنی ظهور و غیبت امام (علیه السلام) برای آنها یکسان می‌گردد و آنها امام (علیه السلام) را پیوسته حاضر و ناظر افکار و اعمال خود می‌بینند و در محضر امام (علیه السلام) مرتکب کار ناپسند امام نمی‌شوند و معتقدند که امام اگر چه ظهور ندارد و از چشم سر پنهان است، اما حضور دارد و در چشم دل عیان است.

برگرفته از صفیر هدایت و صفیر ولایت

## ضیاء درآینه

آیت الله ضیاء آبادی در آینه کلام علما

به کوشش سعید واعظیان



آیت الله ضیاء آبادی از مدرسان باتقوا و برجسته مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی به شمار می‌آید، به گونه‌ای که آیت الله مجتهدی در باره مقام علمی و معنوی او می‌گوید:

عالم ربانی در روایات و اخباری که از ائمه معصومین (علیهم السلام) به ما رسیده است، دارای مقام ویژه و شأن خاصی می‌باشد. به آن کس عالم ربانی می‌گویند که دنبال دنیا و مقام و ریاست و شهرت نیست و بلکه برای رضای خدا و خدمت به دین و یاری امام زمان (علیه السلام) کار می‌کند و یا منبر می‌رود و یا هر گونه خدمت دیگری که از دست‌اش برمی‌آید، هر چند در ظاهر کوچک و ناچیز باشد، انجام دهد. برای اثبات عالم ربانی می‌توانیم از مدرسه خودمان و در میان اساتید بزرگوار حضرت آیت الله جناب آقای ضیاء آبادی (حفظه الله) که وجودی ارزشمند و با برکتی هستند، را مثال بزنیم. این مرد بزرگوار و شخصیت ربانی از عالمان بزرگ و صاحب تألیفات عدیده‌ای هستند و سالیان متمادی در این مدرسه تدریس می‌نمایند. بدون دریافت حق التدریس نه تنها برای تدریس مبلغ دریافت نمی‌کند، بلکه برای نماز و منبر و سایر امور دینی پول نمی‌گیرد. یاد دارم یک زمانی شخصی یک ساعت تلفنی با ایشان صحبت کرده بود و تلاش می‌کرد که آیت الله ضیاء آبادی را برای تدریس به حوزه علمیه دیگری ببرند و طلاب محترم آنجا از وجود ارز شومند ایشان بهره‌مند شوند. آخر ایشان به آن شخص فرمودند: اگر این تدریس برای رضای خداست که ما همین‌جا مشغول هستیم و قبول نکردند. حالا وقتی این عالم بزرگوار وارد مدرسه ما می‌شوند، تمام حوزه را نور فرامی‌گیرد و خداوند متعال هم در عوض، علاوه بر تأمین آخرت، دنیای این گونه افراد را هم تأمین می‌کند. من در وصیت‌نامه خود نوشته‌ام که وقتی از دنیا رفتم ایشان باید بر جنازه‌ام نماز بخوانند.»

حضرت آیت الله محفوظی هم به نگارنده گفت:

از خصایص بارز ایشان بی‌اعتنایی به دنیا و زخارف آن و تقوای بالا است. سال‌های طولانی در تهران سکونت دارند و به وظایف روحانی خویش مشغول است. صفای باطن، اخلاص، تلاش و مجاهدت علمی و اعراض از امور دنیا از بارزترین ویژگی ایشان است. به رغم اینکه از توان والایی در علم و خطابه برخوردار است، از شهرت به شدت پرهیز دارد.

پی‌نوشت:

۱. آیین داران حقیقت، مصاحبه‌های مجله حوزه با عالمان حوزوی، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.



## شمیم شیدایی در شمیرانات می پیچد

نگاهی به جلسات اخلاق آیت‌الله ضیاء آبادی  
برگرفته از خبرگزاری فارس

خیابان شهید زمانی بعد از پیچ اول خیابان دربند، منتظر قدم‌های پیر مرد با صفایی است که عینک رنگ و رو رفته کائوچویی اش به این نقطه شهر نمی‌خورد. او آیت‌الله محمد ضیاء آبادی از شاگردان برجسته امام (رحمه الله) و آیت‌الله بروجردی است.

همه ما تجریش و خیابان دربند را به پنجشنبه‌شب‌ها و چای و کباب می‌شناسیم. کمتر کسی هست که در طول زندگی اش در شهر تهران، دل از این دود و دم و ترافیک نبریده و راهی دربند نشده باشد. اما اینها تمام دربند و کوچه‌های باصفای آن نیست.

دوشنبه‌شب‌ها صفای دیگری به آب و هوای بالای شهر اضافه می‌شود. دیگر بحث کورس گذاشتن ماشین‌ها نیست و اصلاً پای چشم و هم‌چشمی هم به میان نمی‌آید. خیابان شهید زمانی بعد از پیچ اول خیابان دربند منتظر قدم‌های پیر مرد با صفایی است که اطرافیان آقا صدایش می‌کنند. عینک رنگ و رو رفته کائوچویی اش به این نقطه شهر نمی‌آید. او آیت‌الله محمد ضیاء آبادی از شاگردان برجسته امام رحمه الله و آیت‌الله بروجردی است. آرام آرام وارد مسجد می‌شود. آدم‌های مشتاق از هر گوشه شهر اینجا جمع شده‌اند تا دل‌هایشان را با صحبت‌های حاج آقا جلا بدهند.

ماه‌نامه آیه در شماره ۱۱ می‌نویسد: صدای مناجات‌خوان فضای بعد از نماز را نرم‌تر می‌کند. تا حاج آقا پشت به کتابخانه سفیدرنگ مسجدروی صندلی کوچکش بنشیند، مدعوین هم با یک چای پذیرایی شده‌اند. کسانی که اینجا آمده‌اند، دعوت نشده‌اند. انگار جلسه عمومی است. اما کار آسانی نیست که چشم از رستوران‌های پر زرق و برق بالای شهر بیوشانی و به جای چای و قلیان و چای‌خانه‌های منطقه دربند، تنها چای مسجد علی بن حسین علیه السلام را انتخاب کنی تا دلت رنگ و بوی دیگری بگیرد. صحبت‌های حاج آقا شروع



## گذرینه ماندگار

معرفی مجموعه آثار آیت‌الله ضیاء آبادی

آیت‌الله سید محمد ضیاء آبادی، تألیفات متعددی در زمینه‌های مختلف تفسیری، فقهی، اخلاقی و معرفتی دارد که عبارتند از:

- ۱- امامت
  - ۲- بیان قرآن: این کتاب شامل بخشی از تفسیر سوره قیامت است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که: آیا اهل بیت علیهم السلام و قرآن مبین همدیگرند؟
  - ۳- تفسیر سوره انفال
  - ۴- تفسیر سوره یونس
  - ۵- تفسیر سوره توبه (۲ جلد)
  - ۶- تفسیر سوره یوسف
  - ۷- توسل: نویسنده درباره توسل و معنا و مفهوم واقعی آن سخن گفته و این کتاب به پاسخ شبهات و هابیت که توسل را شرک می‌دانند، اختصاص دارد. وی درباره توسل تکوینی و ارتباط توحید و توسل و شرک، به تفصیل سخن می‌گوید.
  - ۸- شب مردان خدا: آداب و فضیلت نماز شب.
  - ۹- موعظه یاراه پیشگیری از نفوذ شیطان در دل انسان.
  - ۱۰- شرح و تفسیر دعای توبه از صحیفه سجادیه.
  - ۱۱- در جستجوی دین
  - ۱۲- حج برنامه تکامل: این کتاب در ۵۱۶ صفحه برای اولین بار در سال ۱۳۹۴ هـ.ق و نیز با اضافات و ملحقات و برای دومین بار در سال ۱۴۰۱ هـ.ق در دارالکتب الاسلامیه به چاپ رسید.
- ایشان می‌فرمایند:
- در منابر برخی از خطباء دیدم، وقتی سخن به حج کشیده می‌شود، مطالب مفیدی توجه‌شنوندگان را جلب می‌کند. در صدد برآمدم با تحقیق همه مباحث آن را جمع‌آوری و چاپ نمایم و الحمدلله این کار به سرانجام رسید.
- این کتاب شامل یک مقدمه و هفت بخش است: بخش اول: گوشه‌ای از اسرار تشریح عبادت بخش دوم: آثار اجتماعی حج

بخش سوم: اسرار وحی حج  
بخش چهارم: مراحل آغاز سفر  
بخش پنجم: مواقف حج  
بخش ششم: نتیجه‌گیری از اعمال حج  
بخش هفتم: زیارت مرقد پاک حضرت رسول و ائمه هدی علیهم السلام

۱۳- قرآن و قیامت: این کتاب در ۸۰۶ صفحه تدوین یافته، در سال ۱۳۹۸ هـ.ق (۱۳۵۷ شمسی) در مکتبه صدوق به چاپ رسیده و شامل ۱۴ بخش است. کتاب شامل تفسیر سوره قیامت است و به مناسبت، به گوشه‌هایی از اوضاع جاری زمان و ماجرای دل‌دادگان و عاشقان مکتب قرآن و پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) به شکل بسیار جالب اشاره می‌کند.

۱۴- قساوت، بیماری مهلک: یکی از بلاهای اجتماعی بشر در طول تاریخ قساوت است که اکثر سردمداران و ظالمان و ستمگران تاریخ به واسطه ابتلا به این بیماری، جنایات دهشت‌انگیزی را مرتکب شده‌اند. حرمله‌ها، شمرها، حجاج بن یوسف‌ها، حمید بن قحطبه‌ها و... تجسم قساوت و سنگ‌دلی ظالمان هستند. آیت‌الله ضیاء آبادی پیرامون این بیماری خطرناک اخلاقی و اجتماعی کتابی را در ۱۱۲ صفحه تألیف نمود، که در سال ۱۳۹۱ هـ.ق (۱۳۵۱ هـ.ش) در تهران به چاپ رسید. وی با استناد به آیات و روایات و نظرات دانشمندان و حکما خصوصاً دانشمندان غربی، به بررسی عوامل قساوت پرداخته است، به‌ویژه در مورد برخی از عوامل پیدایش و بروز این بیماری، مانند موسیقی، لهو الحدیث (صدای شهوت‌آلود زنان خواننده) مطبوعات منحرف و بی‌حجابی و... مطالب ابتکاری دارد. ایشان در پایان قصد و نیت خود از تدوین چنین کتابی را، بیدار کردن حس دینی جوانان و زنان مسلمان در برابر انحرافات خطرناک اخلاقی معرفی می‌کند.



احساس کند از جوان گرفته تا پیر، نسبت به سطح سواد خودش مطلب را درک کرده است.

### توسل: نقطه پایان نشست

حال و هوای جلسه نشان می‌دهد که انتهای وصل به معارف اسلامی جلسه دوشنبه شب فرارسیده است. حاج آقا تجلی دوم حضرت زهرا (ع) را به آرامی توضیح می‌دهد و می‌گوید: مرحله دوم با آمدن پیامبر (ص) روی زمین صورت گرفت. ایشان وقتی به دنیا آمدند، نوری به تمام عالم ساطع شد و عالم از این نور روشن شد. ان شاء الله این نور به دست فرزند خلف‌شان امام زمان (ع) دوباره فراگیر شود. البته حضرت فاطمه (ع) آنچنان حجابی در این دنیا داشتند که همه نتوانستند ایشان را بشناسند. ایشان در آخرت هم حجاب خاصی دارند که ما از درک آن عاجز خواهیم بود. مطالب آخر پیش در آمد دعای توسل است. آیت‌الله ضیاء‌آبادی یک پارچه التماس و خواهش می‌شود و توسل عجیبی به امام زمان (ع) و مادرشان می‌کند و تمامی حضار یک‌پارچه با صدای او آمین می‌گویند.

### اطلاع‌رسانی درباره جلسات

جلسات حاج آقا ضیاء‌آبادی معمولاً ظهر جمعه از شبکه ۳ پخش می‌شود. رادیو معارف جلسات این استاد اخلاق را در فواصل معین به صورت هفتگی در برنامه‌های خود گنجانده است. از طرفی سایت اینترنتی صفیر هدایت هم فایل صوتی تمام جلسات ایشان را با لینک دانلود برای علاقه‌مندان قرار داده است. برای اطلاع دقیق زمان جلسات مناسبی می‌توانید به آدرس [www.safirehedayat.com](http://www.safirehedayat.com) سر بزنید.

ایشان گرفته شده است. دقت کنید حضرت، مادر جسمی تمامی ائمه نیستند. مادر جسمی حضرت مهدی (ع) نرس خاتون است، ولی او نمی‌تواند مادر امامت امام زمان (ع) هم باشد. مادر روحی حضرت مهدی (ع)، حضرت فاطمه (ع) است. مقام حضرت زهرا اورای اندیشه است. ایشان پشت پرده نبوت هستند. تا کسی به مقام نبوت نرسیده باشد، نمی‌تواند حضرت فاطمه (ع) را بشناسد. شخصیت ایشان بسیار بزرگ است و متأسفانه ما آن را درک نمی‌کنیم و نمی‌فهمیم.

### نفس پیر عارف، جان‌هار اسیر اب می‌کند

حاج آقا روی صندلی اش درنگی می‌کند. بحث جدی‌تر از قبل شده است. گویا می‌خواهد خبری را به سمع حضار برساند. جوانان با نگاهی پر از عشق به حاج آقا چشم دوخته‌اند و منتظرند تا بحث از سر گرفته شود. حاج آقا سر را بالا می‌گیرد و می‌گوید: حضرت فاطمه (ع) جایگاه بسیار والایی نزد پروردگار دارند. ایشان بیت‌الذکر و مادر قرآن هستند. وقتی خدا می‌خواست نورش را از آسمان به زمین منتقل کند، پیامبر (ص) را به معراج برد. پیامبر (ص) به میهمانی خدا می‌روند و پروردگار سببی را به ایشان می‌دهد. حضرت از آن سبب میل می‌فرمایند. از شکافتن آن سبب نوری در زمین و آسمان پخش می‌شود که در آسمان‌ها به تجلی آن نور منصوره گفته می‌شود و در زمین فاطمه نام گرفته است.

همه سراپا گوش شده‌اند. حاج آقا آنچنان که باید آسان صحبت نمی‌کند. به همین دلیل است که بالحن شیرین قزوینی اش مطلب را تکه‌تکه می‌کند و توضیح مسوطی می‌دهد تا اینکه

که می‌شود، تازه می‌فهمی این آمدن‌ها آنچنان که همه فکر می‌کنند دست خود آدم نیست. اتفاقاً حاج آقا بحث حرکت روح را پیش کشیده است. هدف از برگزاری این جلسات چیست؟ آیا فقط برای ثواب بردن است؟ اصلاً ثواب یعنی چه؟ ثواب آخرت در اصل همان تجلی و نمود ملکات فاضله روح انسان در دنیاست.

### قلق همه دستشان است

دور تا دور مجلس را افراد مسن و جوانان پر کرده‌اند. با توجه به دوری مسیر، باز هم مسجد بزرگ علی بن حسین (ع) در بند مملو از عاشقان معارف اهل بیت (ع) است. آیت‌الله ضیاء‌آبادی از هم‌دوره‌های آیت‌الله مجتهدی تهرانی بوده و همان تأثیر کلام و شیرینی بیان ایشان را هم در او می‌توان سراغ گرفت. حاج آقا با چشمان مهربان برخی اوقات نگاه بانفوذی را نثار وجود جوانان می‌کند و در میانه بحث به ریش سفیدان مجلس لبخند می‌زند. کودکان هم در گوشه و کنار مسجد دیده می‌شوند. ایشان اصلاً قلق کار همه دستشان است. بحث امام زمان (ع) و مادرشان فاطمه زهرا (ع) مطرح است. حاج آقا فضایل خانم را می‌شمارد و در فواصل صحبت‌هایش به امام زمان (ع) هم اشاره می‌کند. آیت‌الله ضیاء‌آبادی در باب مادری این بانوی مکرم اسلام توضیح می‌دهد: حضرت، مادر روحی تمام ائمه هستند. نه تنها تمام ائمه بلکه هر کسی که در طول تاریخ به مقام نبوت رسیده، قبل از آن به محور محبت حضرت زهرا (ع) وصل شده است. زیرا ایشان کبری هستند. تمامی امت‌های پیشین حول محور محبت حضرت می‌چرخند. این بانوی بزرگوار مادر نبوت و مادر امامتند و انوار ائمه از

# رواق

مسجد / شماره ۱۸۴ / اردیبهشت ماه ۱۳۹۴



۲۴

جامعه کبیره  
وزمینه های  
صددور

۲۵



۲۹



۳۱



۳۳



۳۳

بررسی و  
تحلیل غلو  
در زیارت  
جامعه کبیره

۳۴

سید  
بخوان  
آنچه  
می دانی



یکی از شمار از زیارت کنیم، از آن طریق باشد. آنگاه امام هادی علیه السلام این زیارت را بیان فرمودند.<sup>۲</sup>

اما شاید بتوان یکی از حکمت‌های اصلی صدور این زیارت‌نامه از امام هادی علیه السلام را این گونه بیان نمود که این زیارت در زمانی صادر شد که در مفهوم امامت و جایگاه و نقش آن تشکیک‌ها و تردیدهایی به وجود آمده بود. این تردیدها به سبب ادعاهای برخی از ناهلان و مدعیان امامت دروغین بود که از عصر امام زین العابدین علیه السلام آغاز شده بود و کسانی در زمان امام و به ویژه پس از رحلت آن بزرگوار، اقدام به معرفی خود یا کسانی به عنوان امام کرده بودند که هیچ گونه ظرفیت و توانی در این باره نداشتند و از هر گونه لیاقت امامت ظاهری و خلافت باطنی بی بهره بودند.

امام هادی علیه السلام به پیروی از دیگر ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام زین العابدین علیه السلام که از طریق دعا به آموزش شیعیان و دیگر مسلمانان پرداخت، علاوه بر دعا، فرهنگ زیارت و زیارت‌نامه را وسیله تعلیم معارف والای مکتب اهل بیت علیهم السلام قرار داد.<sup>۳</sup> از این رو امام هادی علیه السلام کوشید تا مفاهیم امامت در اندیشه و باور اسلامی شیعی را به نسل‌های آینده انتقال دهد.<sup>۴</sup>

بر این اساس باید اذعان کرد که زیارت جامعه کبیره، یک دوره کامل امام‌شناسی است و متن آن به گونه‌ای است که صدور آن از غیر معصوم محال است.<sup>۵</sup> امام علی النقی علیه السلام نه تنها به شیوه دعا و نیایش، جایگاه تشریحی و تکوینی امام معصوم را نشان می‌دهد و تشریح می‌کند، بلکه در مقام معرفی علمی و عملی خود به عنوان مصداق عینی و خارجی امام است.

امام هادی علیه السلام با اشاره به بیش از دو بیست فضیلت و منقبت اهل بیت علیهم السلام شیعیان را با آداب سخن گفتن با امام آشنا می‌سازد که نخست با سلام و درود بر آن امام شروع می‌شود و پس از برشمردن برخی مناقب و اوصاف او، با جمله «و رحمت الله و

از آنجا که امامت در دیدگاه شیعه از اهمیت خاص و بلندی برخوردار است، شناخت امام و جایگاه وی ضرورت خاصی دارد. راه شناخت مفهوم «امام و امامت» آن است که به منابع دست اول، از جمله کتاب و سنت معتبر مراجعه شود. دعاهای امامان معصوم علیهم السلام به این سبب که مخاطب آن خداست و دور از شرایط تحمیلی و مقتضیات دیگر بیان شده، یکی از بهترین و کامل‌ترین منابع برای شناخت واقعی امام است. امامان علیهم السلام در نیایش‌های خود، امامت را چنان که هست معنا می‌کنند و امام، چنان که موقعیت و منزلت دارد، معرفی می‌شود. در این نیایش‌ها امام معصوم کسی است که نه تنها در مقام تشریح در ادامه مسیر نبوت و رسالت عمل می‌کند، بلکه در مقام انسان کامل و خلافت الهی است.

از جمله این دعاها می‌توان از «زیارت جامعه کبیره» نام برد که از زیارات معتبری است که بسیاری از علمای بزرگ شیعه از جمله شیخ طوسی در تهذیب و شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه و علامه مجلسی در بحار الانوار آن را نقل کرده‌اند. این زیارت‌نامه مهم‌ترین و مفصل‌ترین زیارت به یادگار مانده از امام هادی علیه السلام است.<sup>۱</sup> زیارت‌نامه‌هایی که تحت عنوان زیارت جامعه یاد شده‌اند، مضامینی اند که به وسیله آنها می‌توان همه ائمه علیهم السلام را زیارت کرد. شاید علت دیگر این وجه نام‌گذاری، تصویر نسبتاً جامعی باشد که در این زیارت‌ها از ائمه علیهم السلام ارائه شده است.<sup>۲</sup>

#### علت صدور زیارت جامعه کبیره

در خصوص علت اولیه صدور این زیارت، در روایت و گزارش‌های تاریخی نقل شده که شخصی به نام «موسی بن عبدالله نخعی» از حضرت امام هادی علیه السلام زیارتی جامع و بلیغ برای زیارت یکایک ائمه درخواست نمود و به حضرت عرض کرد: یا بن رسول الله! مرا به زیارتی با بلاغت کامل آموزش ده که هر گاه در صدد بودم

## جامعه کبیره وزمین‌های صدور

محسن گلپایگانی





# آیین نامه جامع ولایت



بر کاتمه» به پایان می‌رسد. در این زیارت، به رابطه امامان با خداوند و عملکرد امامان در اجرای دین اسلام اشاره می‌شود. حق، همراه امامان است و هرگز از آنان جداشدنی نیست و هر که از آنان دور شود، گمراه خواهد شد. امام علی النقی (علیه السلام) با اشاره به جایگاه امامان در اسلام و بین مسلمانان، تصریح می‌کند که آنان شاهراه و راه راست و گواهان در دین و آن امانتی هستند که حفظش بر مردم واجب است. بر اساس مضمون این زیارت، تمام اعمال به پیروی از امامان مقبول می‌افتد.<sup>۷</sup> معرفی این چنینی از امام و جایگاه وی خط بطلانی است بر ادعاهای دروغین امامت و هدایت مسلمانان؛ ادعاهایی که از گوشه و کنار جامعه اسلامی توسط خلفای جور و علمای وابسته به آنان یا گمراهان و دنیاپرستان سر برآورده بود. امام هادی (علیه السلام) در این زیارت نامه با تبیین منزلت و جایگاه ویژه امامت و خصوصیات منحصر به فرد امام، علاوه بر تدریس یک دوره کامل امام شناسی به شیعیان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) به مبارزه‌های فرهنگی با این گونه هجمه‌های فرهنگی نسبت به امام و جایگاه امامت پرداخته است.

## پی‌نوشت

۱. غروی نائینی، تاریخ حدیث شیعه تا قرن پنجم، ص ۲۸۸؛ به عنوان نمونه رک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۴۴.
۲. حامد خانی، «جامعه، زیارت»، در: دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۷، ص ۲۵۸؛ علی نظامی، سیمای ائمه (علیهم السلام) در شرح زیارت جامعه کبیره، ج ۱، ص ۲۱۲.
۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت دوم از زیارت‌های جامعه.
۴. رسول جعفریان، حیات فکری، سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام) ص ۶۴، ۶۴.
۵. غروی نائینی، تاریخ حدیث شیعه تا قرن پنجم، ص ۲۸۸.
۶. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مهربان، تحقیق و تنظیم محمد صفایی، ج ۱، ص ۸۸، ۸۷؛ مجلسی، ملاذ الاخیر فی فهم تهذیب الاخبار، به کوشش سید مهدی رجائی، ج ۹، ص ۲۴۷؛ سید عبدالله شیر، با اختران تابناک ولایت، ترجمه عباس علی سلطانی گلشخی، ص ۴۰.
۷. برگرفته از بخش‌هایی از زیارت جامعه کبیره

زیارت جامعه کبیره که در یابی از معارف الهی و مضامینی کم‌نظیر مشتمل بر معرفی مقام اهل بیت (علیهم السلام) است، از سوی امام هادی (علیه السلام) به یادگار مانده است. این زیارت به نقل از نصوص مختلف و علامه مجلسی (ره) از نظر سند و روایت از صحیح‌ترین و قوی‌ترین زیارات ائمه (علیهم السلام) است و توصیه به خواندن آن در مشاهد مشرفه، اکیداً به چشم می‌خورد؛ توجه به مضامین مهم آن نیز باید مورد توجه قرار بگیرد.

در شماره پیش‌رو به مناسبت میلاد امام هادی (علیه السلام) در مورد برخی از مضامین «زیارت جامعه کبیره» خدمت جناب حجت الاسلام والمسلمین الهی منش رسیده و با ایشان گفتگویی داشته‌ایم. حجت الاسلام والمسلمین الهی منش، مدیر گروه دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه بین‌المللی ادیان دارای تحصیلات عالی و حوزوی و دکتری فلسفه دین هستند؛ ایشان بیش از ۲۰ سال سابقه تحصیل در مقطع درس خارج فقه و اصول بوده و اکنون در مقطع دکتری فلسفه دین مشغول تدریس می‌باشند و اکنون شمار ادعوت به خواندن این گفتگوی شنیدنی می‌کنیم.

**۱. در ابتدا در مورد کلیت زیارت جامعه کبیره و سپس با توجه به این فراز از زیارت «بمَوالاتکم عَلِمْنَا الله دیننا وَاصلح ما کان فسد من دنیانا» در رابطه با این مطلب که اهل بیت باعث رشد فکری و جبران خسارات دنیایی می‌شوند توضیحاتی بفرمایید.**

زیارت جامعه کبیره عنوان مشروح و آیین نامه ولایت است. در واقع برای درک و فهم مقام امامت و خلافت و انسان کامل و نقش آن در هستی زیارت جامعه بیانگر نقشی است که انسان کامل در هستی دارد. انسان کامل که جلوه کامل آن در رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و آل پاکش ظهور یافته است، مبداء و واسطه پیدایش عالم و شروع بیان فیض و هستی هستند و در طول زمان تأقیامت وجود آنها مایه بقای عالم، رشد و ترقی موجودات و در واقع هدایت تکوینی و تشریحی موجودات هستند. اگر خداوند متعال در قرآن مجید سلمین انسان رادر عالی‌ترین جایگاه قرار داده است و آن را به عنوان خلیفه خودش در زمین و آسمان و بر همه موجودات مقرر کرده است، به جهت این است که انسان کامل دارای چنین ظرفیتی بوده است که بتواند تمام اسماء و صفات الهی در وجود او با اطلاق کامل و بدون محدودیتی ظهور پیدا کند و علاوه بر آن این اسماء به صورت متعادل در وجود انسان کامل و خلیفه الله جلوه‌گر است. این مطلب به این معناست که تمام اسماء جلال و جمال که کمالات خداوندی هستند از طریق حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و آل پاکش در هستی ظهور یافته است. هیچ فرشته‌ای، حتی فرشتگان عظیم





پروردگار مانند جبرئیل و میکائیل و هیچ موجودی حتی جن و دیگر موجودات مادی از حیوانات گرفته تا نباتات و جمادات هیچ کدام چنین ظرفیتی را ندارند که تمام اسماء الهی به صورت بی حد و متعادل از طریق آنها ظهور پیدا کند. در واقع اسماء الهی عنوان کلید شروع آفرینش هستند و زمینه ساز برای بقای هستی و رشد ترقی موجودات هستند و همین اسماء الهی باعث می شوند، موجودات دوباره به سوی حق تعالی بازگشت کنند. از این رو انسان کامل که مظهر تمام اسماء و صفات خداوندی است به عنوان کلید افتتاح و شروع فیض آفرینش از آن صحبت شده است. در بخشی از زیارت جامعه کبیره با عبارت: «زُرْقُ الْوَرَى وَ بُوْجُودِکُمْ تَبَيَّنَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ» به همین مطلب پرداخته است.

اگر رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام مظهر علم الهی هستند، طبیعتاً وقتی بخواهیم از علم بهره‌مندی داشته باشیم باید از طریق آنها به علم و حقیقت دست پیدا کنیم و برای این که ما به آن آگاهی دست پیدا کنیم، طبیعتاً باید یک نوع سنخیت و تناسب با چهارده معصوم پیدا کنیم. اگر در زیارت جامعه می‌فرماید با دوستی شما خداوند متعال معالم دین را به ما یاد داده است و جهل و عوامل فساد را از درون ما بیرون کرده است، برای دست یافتن به این علم و معرفت باید با اهل بیت هم‌سنخ شویم. سنخیت و تناسب با اهل بیت در واقع همان دوستی است که شیعیان با اهل بیت دارند و این حب، خضوع و کرنشی که نسبت به اولیاء الهی دارند، به آنها اجازه می‌دهد که بتوانند از علم و معارف الهی بهره‌مند شوند.

خداوند متعال از ازل بارقه رحمتش بر هستی ریزان است. علم یکی از آن بارقه‌های رحمت است، منتها باید زمینه‌ای باشد که این بارقه رحمت را پذیرا باشد. انسان باید خودش را آماده کند تا از علم الهی استفاده کند. اگر در مقابل حق و اولیاء او خضوع و کرنش داشته باشد، این دوستی به وی این امکان را می‌دهد که بتواند از علم و معارف الهی بهره‌مند شود و حتی دریچه‌های علم غیب از این طریق بر روی انسان باز می‌شود. در حدیثی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که شیعه و سنی آن را نقل کردند، می‌فرماید: اگر کسی چهل روز اخلاص بوزد خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش به زبانش جاری می‌کند، در واقع اخلاص عبارت از این است که انسان در مقابل خدا و در مقابل کسانی که دستور به اطاعت از آنها داده است، خضوع و اظهار لطف داشته و مطیع دستورات آنها باشد تا از این طریق خداوند متعال چشمه حکمت را از قلب به زبان جاری کند. مشکلی که شیطان داشت و دارد و به خاطر همان مشکل، از رحمت الهی دور شد، این بود که در مقابل دستورات خداوند کرنش نکرد. خدا از شیطان خواست که در مقابل آدم کرنش کند، کبر ورزید و به خاطر این کبرش از رحمت خدا دور شد. اگر انسان بخواهد از علومی که خدای متعال به اولیائش عطا کرده است، بهره‌مند شود از راه خضوع، کرنش، تبعیت و پاکی و در واقع هم‌گون شدن با آنها می‌تواند به این مقام دست پیدا کند.

۲. در این بخش از زیارت جامعه «الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِه النَّاسُ مِنْ آتِيكُمْ نَجِي وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكٌ» ائمه به عنوان میزان ایمان و محک و در این بخش از زیارت «وَبِكُمْ آخَرُ جَنَّا اللهُ مِنَ الْاَذْلِ وَفَرَجٌ عَنَّا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَانْقِذْنَا مِنْ شَفَا جَرَفِ الْهَلَكَاتِ» ائمه به عنوان راه نجات از گمراهی معرفی شده‌اند؛ در مورد این ادبیات در زیارت جامعه چه فرمایشاتی دارید؟

آنچه که در متن روایات راجع به انبیاء و اولیاء، خاصه چهارده معصوم موجود است را ابتدا باید به قرآن عرضه کرد. اهل بیت این دستور را دادند که صحبت‌های ما را به قرآن عرضه کنید و هر چه با قرآن سازگار نبود را به دیوار بزنید، از ما نیست. این بخش از زیارت جامعه که می‌فرماید: اهل بیت به عنوان میزان و محک ایمان هستند و مردم باید زندگی‌شان بر اساس رأی، نظر، زندگی، افکار و عمل اهل بیت تنظیم کنند نیز باید در قرآن سندی بر آن یافت. در آیه اولی الامر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» خداوند متعال از مؤمنین اطاعت کامل نسبت به خودش، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نسبت به اولی الامر (اهل بیت) خواستار است. این اطاعت کامل در صورتی درست است که



زیارت جامعه کبیره عنوان مشروح و آیین نامه ولایت است. در واقع برای درک و فهم مقام امامت و خلافت و انسان کامل و نقش آن در هستی زیارت جامعه بیانگر نقشی است که انسان کامل در هستی دارد



اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام جلوه‌گاه اسماء الهی هستند، طبیعتاً اگر کسی مقامی که خدا در نظام آفرینش برای اهل بیت قرار داده است را انکار کند و یا نسبت به این حق شک داشته باشد، یا اگر حتی شک ندارد، اما در کمک به حق کوتاهی کند، همه آنها کم و بیش به عنوان دشمنان الهی و دشمنان اولیاء به حساب می‌آیند





آن کسی که باید اطاعت شود، معصوم باشد. اگر پیغمبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام معصوم نباشند، خلاف حکمت الهی است که خداوند دستور اطاعت مطلق نسبت به آنها را به ما بدهد. اگر این را بپذیرفتیم که پیغمبر و اولی الامر معصوم هستند، به این معنی است که گفتار، رفتار، کردار و از همه بالاتر اندیشه و فکر آنها، متناسب به حق، میزان و تراز و راست و مؤمن باید اندیشه، اعمال و رفتار خود را بر اساس آنها تنظیم کنند.

این بخش از زیارت جامعه که می فرماید: «الباب المبتلاء به الناس» یعنی اهل بیت دروازه ای هستند که مردم از این طریق امتحان می شوند، همه مردم از طریق اطاعت اهل بیت و محبت نسبت به اهل بیت امتحان می شوند.

خداوند متعال اگر بخواهد از بنده هایش امتحان بگیرد، امتحانش با نماز و روزه نیست، اگر خداوند بخواهد مردم را امتحان کند، از طریق خضوع و خشوع بندگان نسبت به ولی خدا و خلیفه الله (انسان کامل) امتحان می کند. امتحان شیطان به این نبود که خدا ببیند او چقدر نماز می خواند، زیرا اگر از او می خواستند تا روز قیامت سجده و عبادت خدا را بکنند، ابایی نداشت بلکه امتحان شیطان این بود که در مقابل آدم کرنش و خضوع کند. خداوند متعال از مردم خواسته است اگر می خواهید ایمان تان مشخص شود، در مقابل پیغمبر و آل پاکش خاضع و خاشع باشید که در واقع زمینه ای برای امتحان مردم است؛ در نتیجه نجات و هلاکت هم بر همین اساس سنجیده می شود.

۳. یا توجه به این فراز از زیارت «وَبَرَأْتِ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَاتِكُمْ وَمِنْ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لِيَكُنَّ لِحَقِّكَمُ وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَالغَاصِبِينَ لِأَرْبَابِكُمْ وَالشَّاكِرِينَ فَيَكْفُرُ بِكُمْ وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَبِيحَةٍ دُونَكُمْ»، بفرمایید در باب دشمن شناسی به این معنی که چه مقوله هایی به عنوان دشمن شناسی در فرازهای زیارت جامعه کبیره وارد شده است و برای کشف کدهای کلانی اهل بیت در مقوله شناخت دشمن مثل جبت و طاغوت چه راهکارها و نشانه هایی وجود دارد؟

خداوند متعال چهارده معصوم را به عنوان مظهر تام انسان کامل و به عنوان میزان و جلوه گاه تمام اسماء و صفات حق قرار داده است. در واقع اگر بخواهیم رضایت الهی را سنجیده و همچنین دشمن شناسی را ارزیابی کنیم، باید ببینیم افراد تا چه اندازه از ولی الله اطاعت و نسبت به آنها محبت و هم گونی دارند؛ اما اگر کسی از انوار الهی و اسماء الهی فاصله بگیرد، در واقع این دوری از خدا عبارت از علامت دشمنی نسبت به حق و علامت سقوط است. چون اهل بیت علیهم السلام جلوه گاه اسماء الهی هستند، طبیعتاً اگر کسی مقامی که خدا در نظام آفرینش برای اهل بیت قرار داده است را انکار کند و یا نسبت به این حق شک داشته باشد، یا اگر حتی شک ندارد، اما در کمک به حق کوتاهی کند، همه آنها کم و بیش به عنوان دشمنان الهی و دشمنان اولیاء به حساب می آیند. اگر ما می گوییم دوستی اهل بیت و دشمنی نسبت به اهل بیت، در واقع چون اهل بیت جلوه گاه خداوندی هستند، دوستی نسبت به آنها دوستی خدا است و دوستی خدا دوستی اینها است و دشمنی نسبت به اینها به عنوان دشمنی با خدا به حساب می آید.

من از این فقره زیارت جامعه که اشاره به جبت و طاغوت می کند، استنباط می کنم که در مقابل حق و در مقابل اهل بیت عصمت و طهارت دو گروه شیاطین انسی و شیاطین جنی صف بندی کردند و ضربه ای که شیاطین انسی وارد کردند شدیدتر از ضرباتی است که شیاطین جنی وارد می کنند. زیرا جن یک موجود ضعیفی است که آن توان مندی که در انسان است در وی نیست. وقتی آن توان و استعداد در جن نیست، طبیعتاً نه زمینه ترقی اش مثل ترقی آدم است، نه در کات سقوطش به اندازه آدم است. در طول تاریخ که نگاه می کنیم وقتی شیطان جنی اراده می کند تا اهداف پلید خود را پیاده کند از طریق انسان اهداف شان را پیاده کردند. در واقع جبت و طاغوت شیاطینی در لباس انسان هستند که اهدافشان از این طریق ظهور پیدا می کند.





فرق جبت و طاغوت نیز در شیاطین است، زیرا شیاطین انسی خود دو گونه هستند. یک عده با ظاهر فریبی که توأم با جلوه‌های فریب کارانه انسانی است، کسانی که در واقع نفاق در درون شان شعله‌ور است اما ظاهر ایمانی و مقدس دارند و طاغوت عده‌ای هستند که از طریق تهدید، ترساندن، هیمنه و اخلاق بدی که در ظاهر دارد، مردم را گمراه می‌کند و در واقع با بستن زبان مردم، اعتراض مردم را خاموش کرده است و باعث می‌شود مردم از حق و حق‌گویی فاصله بگیرند.

#### ۴. در رابطه با مسئله عدم جدایی دین از سیاست با توجه به این فراز از زیارت که می‌فرماید «وَسَاسَةُ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ» و به دنبال آن معرفی ائمه علیهم‌السلام به عنوان سیاست‌مدارترین افراد روزگار و به عنوان رهبر جامعه چه توضیحاتی می‌فرماید؟

این موضوع نیز برمی‌گردد به بحث اصلی که عرض شد؛ انسان کامل و خلیفه‌الله، مظهر تمام اسماء و صفات خداوند است. یکی از ظهورات اسم الهی این بخشی است که مسائل اجتماعی و نیازهای اجتماعی بشر را مدیریت و مراقبت می‌کند. انسان کامل اگر نسبت به مسائل اجتماعی، آزادی، ایمان و دیگر مسائل اجتماعی فرهنگی دینی بی‌توجه باشد، در واقع انسان کامل نیست، انسان کامل که به عنوان نماینده خداوند و خلیفه‌الله است، باید مظهر اسماء الهی باشد، لذا نسبت به درد و رنج مردم، نسبت به موانعی که برای رشد و ترقی مردم و حتی موانعی که برای زندگی ظاهری مردم پیدای می‌شود، باید حساسیت داشته باشد. انسان کامل باید دشمن شناس باشد و این دشمن را به مردم معرفی کند و خودش جرأت مقابله با دشمن داشته باشد و این جرئت را به مردم هم منتقل کند. سیاست این است که ما به نیازمندی‌های اجتماعی بشر و نیازمندی‌هایی که در ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ظهور پیدا می‌کند، توجه داشته باشد.



ب. این بخش از زیارت جامعه که می‌فرماید:

اهل بیت به عنوان میزان و محک ایمان هستند و مردم باید زندگی شان بر اساس رأی، نظر، زندگی، افکار و عمل اهل بیت تنظیم کنند نیز باید در قرآن سندی بر آن یافت. در آیه اولی الامر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» خداوند متعال از مؤمنین اطاعت کامل نسبت به خودش، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و نسبت به اولی الامر (اهل بیت) خواستار است



#### ۵. پس جایگاه قدرت در جامعه و محدود کردن قدرت در راستای منافع ملی در تعریف علم سیاست وجود دارد چیست؟

انسان کامل به عنوان خلیفه‌الله مظهر اسماء «جلال» الهی هم هست. اگر خلیفه‌الله مظهر اسماء جمال است، مظهر اسماء جلال هم هست. همان گونه که خود خداوند در ارتباط با هستی، در ابتدا از اسماء جمالش، یعنی با رحمت، عطوفت، بخشش، کرم، جود و غفران خلقتش بر خورد می‌کند، به این معنی نیست که خدا اسماء جلال ندارد. قدرت جلالش با جمالش یکسان است، منتها در مرحله اول خدا جمال را ظاهر می‌کند و به موقع نیاز به قدر ضرورت خدا جلال را هم به کار می‌گیرد. جلال خدا قهر خدا، خیرالماکرین بودن خدا و جباریت است. خداوند متعال این ظهورات جلالی و جمالی را نیز به خلیفه‌الله داده است. پیغمبر و اهل بیت ابتدا با تسامح، علم، عفو، گذشت، سرپوشی و صبر و با صفات جمالی برخورد می‌کنند، اما آن جایی که برخی بخواهند از این ظهورات جمالی سوء استفاده کنند، راه کمال را بر بنده‌ها ببندند، امنیت ظاهری و امنیت معنوی انسان‌ها را تهدید کنند، خداوند از طریق انسان کامل شمشیر جلالش را هم بیرون می‌کشد. این شمشیر جلال در واقع آن دست انتقام خداوند است. خداوند در سوره مبارکه حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ» ما پیامبران را با بینات همراه کردیم، بینات یعنی دلیل‌های محکم عقلی. بعد می‌فرماید: برای آنها کتاب و میزان فرستادیم یعنی الگوهایی که بر اساس آن الگوها مردم زندگی خودشان را تنظیم کنند؛ الگوهای رفتاری، کرداری و اخلاقی که بر اساس آن مردم رشد و کمال پیدا کنند، اما در آخر می‌گوید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» ما آهن را هم فرستادیم. کنار آن سه لطف یعنی انزال بینات، کتاب و میزان می‌فرماید ما آهن را هم فرستادیم. آهن (حدید) در واقع ظهورات جلالی خداوند است. ولی انسان کامل به عنوان رهبر اجتماع، تضمین کننده امنیت مالی، جانی و ایمانی مردم، باید گاهی از این قهر و غضب استفاده کند، زیرا کمال انسان به این است. اگر کسی فقط جمال نشان بدهد، فقط خنده و گذشت و حلم نشان دهد، اثر تربیتی ناگوار دارد. خداوند در قرآن آیات فراوانی در رابطه با ریشه کن کردن ظلم و فساد فرموده است. اهل بیت و چهارده معصوم و کسانی که بعد از آنها بخواهند به گونه‌ای مقام امامت و خلافت را مدیریت کنند، باید جلال و جمال را کنار هم داشته باشند، البته در برخورد با مردم باید عبارت: «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ» معیار باشد. ای خدایی که رحمت بر غضبت، سبقت دارد.



## بررسی شبهات سندی و صدور زیارت جامعه کبیره

احسان جندقی

اگر متن روایت به گونه‌ای بود که صدور آن از غیر معصوم علیه السلام ممکن نبود، اطمینان مورد اشاره حاصل می‌شود و می‌توان به صدور آن از حجت بالغه الهی مطمئن شد.<sup>۷</sup> مرحوم شبر نیز این زیارت‌نامه را با آثار سترگی دیگر در معارف شیعه امامیه از جمله نهج البلاغه و صحیفه سجاده مقایسه نموده و فصاحت و بلاغت متن را به عنوان شاهد بر صحت زیارت دانسته‌اند.<sup>۸</sup> همچنین شیخ احمد احسایی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ هـ.ق) یکی دیگر از شارحان زیارت جامعه کبیره، پس از طرح مباحثی در زمینه صحت سند، معتقد است این زیارت از حیث لفظ و معنی در مرتبه‌ای است که انسان آگاه پی می‌برد که کلام معصوم است؛ لذا به بررسی سند نیازی ندارد.<sup>۹</sup>

در کنار این مباحث، باید توجه داشته باشیم که اصطلاح «صحیح» در بین علمای شیعه، در گذشته با معنی آن در دوره‌های متأخر متفاوت است، روایت صحیح در گذشته به معنی روایتی بوده است که وثوق صدور آن وجود داشته باشد و راه علم به این وثوق فقط در وثوق سندی منحصر نبوده است، لکن در زمان سید بن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ هـ.ق) و علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ هـ.ق) به بعد، اصطلاح صحیح فقط به روایت و حدیثی اطلاق می‌گردید که سلسله راویان آن مورد وثوق بوده باشند. حجیت صحت صدور زیارت جامعه کبیره خود می‌تواند استدلالی باشد بر ضد شبهات وارده بر این

رسیده‌اند می‌نویسد: تردید ندارم که این زیارت با تأیید حضرت صاحب الزمان علیه السلام از ابی الحسن امام هادی علیه السلام است و اینکه کامل‌ترین و بهترین زیارت‌ها است؛ بلکه پس از آن رؤیا، اکثر اوقات، ائمه علیهم السلام را با آن زیارت می‌کنم و در عتبات عالیات جز با این زیارت، آنها را زیارت نکردم.<sup>۴</sup> مرحوم شبر نیز به استناد مکاشفه علامه محمدتقی مجلسی چنین نتیجه می‌گیرد که تردیدی در صحت نقل زیارت جامعه کبیره از امام هادی علیه السلام نیست و این زیارت مورد تأیید امام زمان است. شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان به نقل از علامه محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ هـ.ق) فرزند مجلسی اول این زیارت را از حیث متن و سند بهترین زیارات و فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین آنها دانسته است.<sup>۵</sup>

### صحت صدور زیارت‌نامه

برخی معتقدند در بررسی متون ادعیه، بررسی صحت سند در تأیید حدیث موضوعیت نداشته، بلکه طریقت دارد و چنانچه راهی برای اطمینان در صحت صدور روایتی وجود داشته باشد، می‌توان بنا بر وثوق و تأیید صدور، بدون نیاز به تأیید وثوق سندی حکم به صحت حدیث داد.<sup>۶</sup> آیت‌الله جوادی آملی پس از بیان این مطلب که اصل این است که اطمینان به صدور حدیث از معصوم علیه السلام وجود داشته باشد و تفاوتی بین اینکه اطمینان از عدالت راوی، وثاقت وی یا علو متن روایت حاصل شده باشد نیست، می‌فرماید:

زیارت جامعه کبیره متنی است به یادگار مانده از امام هادی علیه السلام که همانند سایر ائمه معصوم علیهم السلام به ویژه امام سجاد علیه السلام به منظور ارتقای معارف شیعه از طریق دعا و توسل، وارد گردیده است. در مورد معارف بلند این دعا، سخنان گوناگونی مطرح شده و در عین حال، در طول تاریخ و به ویژه در دوره معاصر، شبهات مختلفی نیز در مورد محتوا و صحت صدور و سند آن مطرح گردیده است. ما در پژوهش پیش‌رو به بررسی صحت سندی آن خواهیم پرداخت.

این زیارت‌نامه در آثار دو شخصیت برجسته عالم تشیع، یعنی شیخ صدوق (۳۱۱-۳۸۱ هـ.ق) و شیخ الطائفه طوسی (۳۸۵-۴۶۰ هـ.ق) آمده است. برخی به استناد ذکر این دعا در آثار این دو شخصیت برجسته آن را بی‌نیاز از بررسی سندی دانسته‌اند؛ از جمله دوتن از شارحان این زیارت‌نامه، یعنی همدانی درودآبادی (۱۲۸۰-۱۳۴۳ هـ.ق)<sup>۱</sup> و جوادی آملی (۱۳۱۲ هـ.ق)<sup>۲</sup> می‌نویسند که ذکر زیارت جامعه کبیره در من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام، آن را از بررسی صحت سند بی‌نیاز کرده است. میرزا جواد ملکی تبریزی (متوفی ۱۳۴۳ هـ.ق)<sup>۳</sup> نیز تصریح کرده که صحت این زیارت مورد قبول همه علمای شیعه است. برخی دیگر صحت آن را مبتنی بر کشف و مشاهده خود دانسته‌اند. مجلسی اول (۱۰۰۳-۱۰۷۰ هـ.ق) پس از ذکر مکاشفه خاصی که برای ایشان در حرم علوی علیه السلام رخ داده است و خدمت صاحب العصر (عج)

ذکر بیش از سه نفر در یک طبقه از رجال حدیث، خود یکی از نشانه‌های توثیق حدیث محسوب می‌شود.

زیارت‌نامه.

### بررسی سند روایت

این زیارت‌نامه در دو کتاب من لایحضر الفقیه و عیون اخبار الرضا (ع) ذکر گردیده و شیخ طوسی نیز در کتاب تهذیب الاحکام به نقل از جناب شیخ صدوق، آن را ذکر نموده است. وجود این زیارت‌نامه در دو اثر از مجموعه چهار کتاب اصلی شیعه، می‌تواند یکی از مهم‌ترین نشانه‌های صحت سند آن باشد. شیخ صدوق در مقدمه من لایحضر الفقیه می‌نویسد: تمام روایاتی که در این کتاب آورده‌ام و براساس آن فتوا صادر کرده‌ام، حکم به صحت آن داده‌ام و معتقدم بین خود و خدای خویش که مقدس باد نام او، حجت است و این روایات را از کتاب‌های مرجع و قابل اعتماد استخراج نموده‌ام.<sup>۱۰</sup>

کفعمی در البلد الامین زیارت جامعه را بدون ذکر سلسله روایان و ظاهر از غیر طریق شیخ صدوق و شیخ طوسی نقل نموده است؛ زیرا متن ایشان تفاوت‌هایی با متن شیخ صدوق دارد. حاکم نیشابوری نیز این زیارت را نقل نموده است که ظاهر باید از همان طریق شیخ صدوق باشد.<sup>۱۱</sup> از روایت کفعمی و حاکم نیشابوری که بگذریم، قدیمی‌ترین و معتبرترین سند زیارت جامعه کبیره، من لایحضر الفقیه است. شیخ صدوق در این کتاب با ذکر یک واسطه، این روایت را از موسی بن عبدالله نخعی نقل می‌کند. همچنین ایشان در عیون اخبار الرضا (ع) به صورت گسترده‌تر سند روایت خویش را ذکر می‌نماید. باید توجه داشت که بین شیخ صدوق و امام هادی (ع) که روایت از ایشان صادر شده است، چهار طبقه از روایان قرار دارد.<sup>۱۲</sup>

در طبقه نخست از سلسله روایان این حدیث در عیون اخبار الرضا (ع) چهار شخصیت هستند که عبارتند از: ۱. علی بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق؛ ۲. محمد بن احمد السنائی؛ ۳. علی بن عبدالله الوراق؛ ۴. حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام المکتب که همگی از مشایخ صدوق اند. طبقه نخست که همان مشایخ و اساتید صدوق هستند، در آغاز سند حدیث واقع‌اند. این افراد در رجال و فهرست شیخ طوسی و نجاشی و...

توثیق ندارند، بلکه غیر از محمد بن احمد السنائی نامی از ایشان برده نشده است. ولی غیر از سنائی که مورد جرح غضائری است، سایر شخصیت‌ها جرحی ندارند.<sup>۱۳</sup>

در مورد محمد بن احمد سنائی باید گفت در رجال شیخ طوسی در باب «فیمن لم یرو عنهم علیهم السلام» در ذیل رقم ۱۰۲ ذکر می‌شود که او به میان آمده است و آیت‌الله خوبی نیز ضمن اشاره به تعابیر شیخ طوسی و همچنین جرح ذکر شده در رجال ابی داود به نقل از غضائری در مورد اضطراب در نسب و حدیث او، مطلبی در توثیق او ندارد.<sup>۱۴</sup> ولی در برخی آثار رجالی متاخر به استناد اعتماد شیخ صدوق به ایشان، او را توثیق نموده‌اند.

گذشته از موارد قابل بحث در مورد محمد بن احمد سنائی به عنوان یکی از استادان شیخ صدوق، در مورد سایر استادان همان گونه که علامه مجلسی نیز به آن اشاره نموده‌اند، چون آنها کتاب و تألیفاتی نداشته‌اند، در کتاب‌های رجالی عنوان نشده‌اند؛ چون کتب رجالی مثل نجاشی در حقیقت فهرست مصنفین است. همچنین با نگاهی به احادیث منقول از طریق این دسته از استادان شیخ صدوق، متوجه می‌شویم بیشتر روایات نقل شده توسط ایشان حاوی مباحث کلامی و اعتقادی بوده و توجه کتاب‌های رجالی بیشتر در زمینه رجال فقهی است. ولی اجتماع این مشایخ از وثاقت کمتر نیست؛ یعنی مجموعاً از یک ثقّه عادی کمتر نیستند؛ زیرا ذکر بیش از سه نفر در یک طبقه از رجال حدیث، خود یکی از نشانه‌های توثیق حدیث محسوب می‌شود. همچنین تمام این مشایخ چهار گانه شیخ صدوق مورد اعتماد او هستند و در آثار شیخ صدوق فراوان از همین مشایخ نقل روایت شده است.<sup>۱۵</sup> و رجال نویسان بعدی براساس طلب رحمت شیخ صدوق برای مشایخ خویش، ایشان را تأیید نموده‌اند. لذا از مجموع مباحث طرح شده می‌توان ادعای توثیق این قسمت سند حدیث داشت.

دومین طبقه روایان زیارت جامعه کبیره، شخصیتی است به نام ابوالحسن محمد بن ابی عبدالله الاسدی الکوفی که مشایخ صدوق

از او نقل می‌کنند. این شخصیت مورد وثوق همه رجال نویسان است و به ویژه نجاشی و شیخ طوسی ایشان را توثیق نموده‌اند.<sup>۱۶</sup> در طبقه سوم از محمد بن اسماعیل البرمکی نام برده شده که این شخصیت نیز مورد تأیید رجال نویسان است.<sup>۱۷</sup>

در طبقه چهارم موسی بن عمران نخعی قرار دارد که حلقه اتصال بین امام هادی (ع) و طبقات بعدی است. مهم‌ترین اعتراض‌ها به سلسله سند زیارت جامعه کبیره به وجود این شخصیت در سلسله روایان برمی‌گردد. در زمینه رد این اعتراضات مقاله بسیار ارزشمندی از آیت‌الله محمدسنده چاپ رسیده است. ماضمن مراجعه به منابع این مقاله و بررسی سایر آثار نزدیک به این موضوع، به طور خلاصه مطالبی را مطرح می‌نمایم.

نخستین مطلب قابل ذکر این است که شیخ صدوق در کتاب من لایحضر الفقیه از این شخصیت با نام موسی بن عبدالله نام برده است و در کتاب عیون اخبار الرضا (ع) با نام موسی بن عمران. ظاهر این دو نام متعلق به یک نفر است؛ زیرا نام کامل او این گونه که در کتاب‌های رجالی به ثبت رسیده است: موسی بن عمران بن عبدالله نخعی، و عبدالله نام جد او بوده است که احتمال اشتباه در ثبت عنوان وجود دارد.

با نگاه به آثار شیخ صدوق، از جمله امالی و علل شرایع که در گذشته نیز به برخی احادیث نقل شده از این سلسله روایان اشاره نمودیم، مشخص می‌شود که این شخصیت، مورد اعتماد شیخ صدوق بوده است. همچنین مضامین روایاتی که او از ائمه اطهار (ع) نقل می‌کند به خوبی نشان‌گر جایگاه والای او نزد ایشان است.<sup>۱۸</sup> او شاگرد و راوی روایات حسین بن یزید نوفلی است که رجال نویسان این شخصیت را تأیید کرده‌اند. نجاشی از حسین بن یزید نوفلی با لقب نوفل النخعی یاد می‌کند که به معنی وجه و وجه قبیله نخع است.<sup>۱۹</sup> مراجعه به فهرست کسانی که از موسی بن عمران نخعی حدیث نقل نموده‌اند نیز نشانگر توثیق این شخصیت است؛ چرا که بیشتر روایان اخبار او از شخصیت‌های ثقّه امامیه هستند.<sup>۲۰</sup>



## زیارتی جامع

محمد علی مطلبی

در نوشته مختصر پیش رونخت به تبیین جایگاه دعا و زیارت اهل بیت (علیهم السلام) در منظومه فکری مسلمانان و شیعیان و سپس به تبیین زیارت جامع کبیره خواهیم پرداخت.

### جایگاه دعا و زیارت در میان مسلمانان

ادعیه و زیارات نقش مهمی در زندگی مسلمانان و به طور خاص شیعیان دارند و در تمامی اعمال عبادی ایشان حضور پررنگی دارند. سفارش هایی که از ائمه معصومین (علیهم السلام) برای پیشروی و پیشگیری در عرصه های هستی برای نوع بشر صادر شده است، حاکی از توجه ویژه به ادعیه و زیارات دارد. حضرت امیر (علیه السلام) در دعائی که از حضرت خضر (علیه السلام) رسیده و به دعای کمیل معروف است، در ضمن بیان معارف بلند، بیان می دارند که بنده خدا چیزی جز دعا را مالک نیست و به وسیله دعا است که می تواند به تنظیم روابط خویش با خدا و خلق بپردازد. زیارت اهل بیت (علیهم السلام) نیز در میان شیعیان و اهل سنت از دیرباز مورد توجه بوده و تمسک به سنت توسل به این ذوات مقدسه راهگشا و حلال مشکلات قاطبه مسلمانان است؛ چنان که در دوران پس از حیات رسول اکرم (ص) بنا بر نقل کتب شیعه و سنی، بزرگان از هر دو مذهب برای حل مشکلات خویش به مضجع شریف ایشان رفته و عرض حاجت می نمودند. پس از رسول اعظم (ص) نیز سنت توسل و توجه به این ذوات مقدسه در میان شیعیان و اهل سنت رواج داشت؛ چنان که درباره زیارت امام رضا (ع)، از زبان پیامبر اکرم (ص)

روایاتی در کتب اهل سنت نقل شده است. علاوه بر این بسیاری از بزرگان ایشان برای گرامی داشت شان و مقام آن امام همام و نیز برای حل مشکلات خویش، به ایشان پناهنده می شدند. این موضوع را در سخن و سیره بزرگان اهل سنت، مانند ابن بطوطه، میر محمد بن سید برهان الدین خداوند شاه، عطاء الله بن فضل الله شیرازی، غیاث الدین بن همام الدین شافعی، فضل الله بن روزبهان خنجی حنفی و ابن عماد دمشقی حنبلی می توان مشاهده کرد. برای مثال ابن بطوطه در سفرنامه خود می نویسد: «به شهر مشهد الرضا مسافرت کردیم و او علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین شهید فرزند امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است. مشهد الرضا شهر بسیار بزرگی بود و بر بارگاه مکرم حضرتش، گنبد بزرگی بنا شده و بنای آن از زیبایی خاصی برخوردار بود و دیوارهای آن مزین به کاشی، و بر روی قبر شریف، چهار چوبی از تخته و روکش آن از نقره، و بر فراز ضریح ایشان، لوسترهایی از نقره و آویزان و چهار چوب درب گنبد نقره و پرده درب نیز از پارچه حریر طلا بافت و تمامی محوطه زیارتگاه مفروش به فرش های متنوع بود و در کنار آن، قبر هارون الرشید بود که زائرین هنگام ورود به زیارتگاه (به

### پی نوشت

۱. سید حسین همدانی آبادی، شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه)، ترجمه محمد حسین نائینی، ص ۳۱.
۲. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، با تحقیق و تنظیم محمد صفایی، ج ۱، ص ۸۷.
۳. میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، به کوشش سید عبدالکریم محمد موسوی، ص ۳۷۹.
۴. محمد تقی مجلسی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۵، ص ۴۵۲.
۵. عباس قمی، مفاتیح الجنان. مرحوم شیخ عباس پس از ذکر زیارت نامه مطالبی را در زمینه این زیارت نامه از قول مجلسی دوم و اول نقل می کند و همچنین کرامتی را از کتاب نجم الثاقب در اهمیت این زیارت نامه ذکر می کند. عبارت علامه مجلسی در بحار چنین است: «قول... اصح الزیارات سنداً و اعمها مورد افضحها لفظاً و ابلغها معنی و اعلاها شاناً». رک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۶۶.
۶. سعید طاوسی مسرور، [www.Pishine.ir](http://www.Pishine.ir) (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۱۲/۲۳).
۷. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، با تحقیق و تنظیم محمد صفایی، ج ۱، ص ۸۷.
۸. سید عبدالله شبر، الانوار الاعمه فی شرح الزیارة جامعه، ص ۳۱.
۹. احمد بن زین العابدین احسایی، شرح الزیارة جامعه الکبیره، ج ۱، ص ۳۱.
۱۰. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.
۱۱. ناصرالدین انصاری قمی، «کتاب شناسی زیارت جامعه کبیره»، قم: علوم حدیث، ۱۳۸۲ هـ. ش، سال هشتم، شماره ۴.
۱۲. جهت بررسی استاد حاکم نیشابوری رک: ابراهیم ابن محمد جوینی خراسانی، فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الاثمه من ذریتهم علیهم السلام، تصحیح محمد باقر محمودی.
۱۳. زین العابدین آقاچانلو، [www.intizar.ir](http://www.intizar.ir) (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۳/۱۲/۲۳).
۱۴. همان.
۱۵. سید ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، ج ۱۲، ص ۶۸۶۷.
۱۶. به عنوان نمونه رک: الامالی، ص ۶۵ و ۷۲؛ الخصال، ص ۵۴۳؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۶۸.
۱۷. به عنوان نمونه رک: نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۴۱.
۱۸. رک: محمد سند، بررسی سندی زیارت جامعه کبیره، ترجمه مهناز فرهمند، ص ۱۱۱ به بعد که فهرستی از برخی روایات موسی بن عمران نخعی را ذکر نموده است.
۱۹. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۷۷.
۲۰. محمد سند، بررسی سندی زیارت جامعه کبیره، ترجمه مهناز فرهمند، ص ۱۰۱.

پس از حیات رسول اکرم (ص) بنا بر نقل کتب شیعه و سنی، بزرگان از هر دو مذهب برای حل مشکلات خویش به مضجع شریف ایشان رفته و عرض حاجت می نمودند. پس از رسول اعظم (ص) نیز سنت توسل و توجه به این ذوات مقدسه در میان شیعیان و اهل سنت رواج داشت





عنوان بیزاری از جنایات هارون) با پای خود محکم به قبر هارون می‌زدند و به قبر شریف امام رضا (ع) سلام می‌کردند و به آن احترام می‌گذاشتند»<sup>۱۰</sup>. توجه به این مسئله مهم ضروری است که با وجود اختلاف دیدگاه برادران اهل سنت با شیعیان، تمسک به کلام اهل بیت برای حل مشکلات منشأ اثر است و تمسک به گفتار ایشان بر مبنای ذوی القربی بودن ایشان و دعوت پیامبر به مودت آنان،<sup>۲</sup> برای ایشان نیز ثابت شده است.<sup>۳</sup>

### زیارت جامعه کبیره

یکی ادعیه و زیارات بلندی که از طرق معتبر رسیده است و بزرگان اسلام آن را تأیید نموده‌اند، زیارت جامعه کبیره است. مضامین این زیارت به حدی است که صرف نظر از سند وارده، آن را از اعتبار بالایی برخوردار می‌کند. به مضامین این زیارت از وجوه مختلفی می‌توان نگریست. می‌توان به طبقه‌بندی ادعیه وارده در این زیارت پرداخت، توحید و امام‌شناسی، جایگاه اهل بیت، رابطه شیعیان و اهل بیت و... همگی در این زیارت رفیع مستمسکی برای پردازش نظری و نیز نیل به معارف بلند الهی است. در اینجا زیارت جامعه کبیره را به لحاظ شکلی به پنج بخش تقسیم نموده و درباره هر بخش به اجمال توضیحاتی خواهیم داد.

۱. سلام: فرازهای نخست این زیارت پس از اذکار توحیدی به سلام‌های جامعی نسبت به اهل بیت اختصاص دارد. این مجموعه سلام‌ها با انتساب

می‌توان به طبقه‌بندی ادعیه وارده در این زیارت پرداخت، توحید و امام‌شناسی، جایگاه اهل بیت، رابطه شیعیان و اهل بیت و... همگی در این زیارت رفیع مستمسکی برای پردازش نظری و نیز نیل به معارف بلند الهی است.



اهل بیت به رسول اکرم (ص) و بیت وحی آغاز شده و با خبر دادن از عظمت شأن و جایگاه رفیع ایشان نزد خدا خاتمه می‌یابد. در این سلام‌ها به ابعاد گوناگون شخصیتی اهل بیت توجه شده است و خواننده این زیارت باید به میزان معینی از معرفت اهل بیت دست یافته باشد تا توفیق درک چنین زیارتی را به دست آورد.

۲. شهادت: در ادامه به ترتیب شهاداتی در رابطه با وحدانیت خداوند متعال، رسالت پیامبر اعظم (ص) و امامت اهل بیت عصمت و طهارت داده می‌شود. ترتیب طولی این شهادت‌ها نشانگر توجه به مسئله غلو و مبارزه با فرهنگ غالیانه و صوفیانه عصر اهل بیت (ع) است؛ چرا که برخی در مواجهه با کمالات ایشان راه افراط پیموده و برای ایشان شأنی بیش از جایگاه انسانی‌شان قائل بودند. این شکل و رعایت ترتیب در این شهادت‌ها بیانگر توجه امام علی (ع) در ارائه اسلام ناب محمدی به شیعیان است. برای پیشگیری از برداشت‌های غلط، امام (ع) پیش از ورود به اصل زیارت نیز دستور به شهادت به وحدانیت خداوند و اذکار توحیدی داده‌اند.

۳. ابراز علاقه به ائمه: فراز بعدی زیارت جامعه کبیره به رابطه شخصی شیعیان و ائمه (ع) می‌پردازد. در این بخش شیعیان خاص با عرض ارادت و ذکر اینکه پدر و مادر و نفس را خود که عزیزترین مطاع دنیایی نزد آنان است، فدای امام و خواست او می‌کنند، عمق معرفتی خود را جلوه‌گر می‌سازند.<sup>۴</sup>

۴. علل ارادت: برای تبیین چرایی لزوم توجه به اهل بیت و تمسک به دامان ایشان و نیز روشن شدن علل ارادت شیعیان به اهل بیت (ع)، در قسمت بعدی زیارت، جنبه هدایتگری ایشان تبیین شده است. اینکه خدا، دین اصیل و اسلام ناب محمدی را به سبب وجود ایشان به ما اعطا نموده است و دنیایی را که بدون وجود ایشان به سوی فساد پیش می‌رفت، به واسطه این حضرات برای ما اصلاح نمود و فرازهایی از این دست، حکایت‌گر چرایی و لزوم ارادت شیعیان به اهل بیت (ع) است.<sup>۵</sup>

۵. ادعیه و توسل: از مهم‌ترین قسمت‌های این زیارت که در بخش پایانی بیش از همه به چشم می‌خورد، دعا و توسل به اهل بیت (ع) است که در قسمت نخست این نوشته به اهمیت آن اشاره شد. دعاهای فرازهای پایانی، در سه دسته عمده قرار دارند:

۱. ۵.۱. توسل به خداوند و توجه به توحید: دسته نخست دعاهایی است که در آن مضامین بلند توحیدی با معرفت اهل بیت (ع) گره خورده و شیعه مستقیماً خداوند متعال را واسطه برخوردار از نعمی می‌داند که خود خداوند برای اهل بیت (ع) مقدر فرموده است.<sup>۶</sup>

۲. ۵.۲. توسل به خداوند به حق امام: دسته دوم دعاهایی است که در آن شیعه، خداوند را خطاب قرار داده و او را از عمق معرفتی خود آگاه ساخته و می‌گوید که امام و هادی و راهنمایی را که تو برایم مقرر فرمودی، شناختم ام و با توجه به معرفت این نفوس مرا به خواسته‌ام برسان.<sup>۷</sup>

۳. ۵.۳. توسل به امام: در قسمت پایانی شیعه سر از آسمان و سخن گفتن با خداوند پایین آورده و با این کار نشان می‌دهد که از توحید و مسبب الاسباب بودن خداوند آگاه است. او سپس رو به امام نموده و با واسطه قرار دادن او عرض حاجت می‌کند.<sup>۸</sup>

زیارت جامعه - با اوصافی که ذکرش رفت - جامع صفات اهل بیت (ع) و بیانیه شیعه و اسلام ناب است که پاسخ‌دهنده تمامی شبهات و پرسش‌های درون دینی و نیز خواننده هر دل و فطرت هشجاری به سوی توحید است.

### پی‌نوشت

۱. محمد محسن طبسی، «امام رضا (ع) به روایت اهل سنت»، فرهنگ کوثر، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۷۲.  
۲. شوری: ۲۳.  
۳. علی اکبر مشکینی، مفتاح الجنان، ص ۱۱-۱۰.  
۴. «بأبی ائمتهم و آبی و نفسی».  
۵. «بِغَوْلَاكُم عَلِمْنَا اللهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِعَوَالِيكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظَمَتِ الْبَعْثَةُ، وَأَتَمَّتْ الْفَرَقَةُ».  
۶. «أَسْتَلِكُ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهَمِّمْ وَبِحَقِّهِمْ».  
۷. «اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ».  
۸. «يَا وَلِيَّ اللهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ عَرْوَةٌ حُلٌّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكَ».





# استنادات به زیارت جامعه کبیره در سیره علماء

سید اکبر موسوی اعظم

زیارت جامعه کبیره بیش از آنکه زیارت نامه باشد، یک معرفی نامه امامت است. زائر در این زیارت، بیش از دویست ویژگی از خصوصیات ائمه هدی (علیهم السلام) را می خواند و با آن کلمات امام را زیارت می کند. از آن جایی که این زیارت از امام هادی (علیه السلام) صادر شده است و کلام معصوم حجت است، می تواند در هر دانشی که از «سنت» استفاده می شود، به آن استناد شود. تفسیر، کلام، فقه از علومی است که دانشمندان شیعه به این زیارت استناد کرده اند.

## استنادات فقهی:

در ذیل بحث کفر و نجاست کفار، به استناد فرازهایی از زیارت جامعه به کفر دشمنان اهل بیت حکم داده شده است. آیت الله گلپایگانی در بحث کفر خوارج و نواصب می گوید: کفر اینان نه به خاطر انکار ضروری دین است، بلکه عنوانی خاص است. روایات فراوانی بر کفر اینان دلالت دارد. یکی از روایاتی که مستند ایشان برای کفر نواصب است، فراز «و من حاربکم مشرک» در زیارت جامعه است.<sup>۱</sup>

آیت الله خوئی در مبحث حرمت غیبت، ذیل مسئله «اختصاص حرمة الغیبة بالمؤمن» غیبت دشمنان اهل بیت را جایز می داند. وی مراد از مؤمن را «آنکه به خدا، پیامبر، معاد و امامان ایمان داشته باشد» می داند. هر کس یکی از این امور را انکار کند، غیبتش جایز است. جواز لعن مخالفین و وجوب برائت از آنان یکی از دلایل جواز غیبت آنان است. وی سپس به

روایتی که آنان را «اهل بدعت» می شمارد و سب و وقیعه - یعنی غیبت - درباره آنان را روا می دارد، اشاره می کند و آنگاه آنان را نه تنها اهل بدعت، بلکه کافر به شمار می آورد. یکی از مستندات کفر مخالفین را دو فراز از زیارت جامعه می داند. یکی «و من جحدکم کافر» که صراحت در کفر آنان دارد و دیگری «و من و حده قبل عنکم» که از مفهوم مخالف این فراز برای اثبات کفر استفاده می کند.<sup>۲</sup>

همچنین در باب غسل های مستحبی به مقدمه زیارت جامعه استناد شده است. از مستندات آقازاده همدانی در مصباح الفقیه و میرزای قمی در غنائیم الایام در استحباب غسل زیارت، روایت زیارت جامعه است.

## استنادات تفسیری:

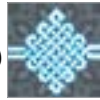
در زیارت جامعه عبارات فراوانی ذکر شده است که تفسیر آیاتی از قرآن است و امامان را مصداق آن آیات خوانده است. در تفاسیر شیعه به این فرازها در تفسیر آیات اشاره شده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیات پایانی سوره غاشیه «ان الینا ایاهم ثم ان علینا حسابهم»، به روایت امام صادق (علیه السلام) اشاره می کند: «کل أمة یحاسبها إمام زمانها، و یعرف الأئمة أولیاءهم و أعداءهم»

بسیما هم» و سپس می گوید همین معنا در زیارت جامعه آمده است.<sup>۳</sup> در تفسیر نور الثقلین در تفسیر آیه ۲۶ و ۲۷ سوره انبیاء: «بل عباد مکرمون لا یسبقونه بالقول و هم بامرهم یعملون» به فرازهای نخستین زیارت جامعه استناد شده است. در تفسیر آیه ۳۶ نور: «فی بیوت اذن اللہ ان ترفع و یذکر فیها اسمہ» و نیز آیه ۲۷ سوره روم: «وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» به زیارت جامعه اشاره شده است و در تفسیر آیه تطهیر از فراز: «عصمکم اللہ من الزلزل و أمنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و اذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیرا» و به عبارت «و فصل الخطاب عندکم» در تفسیر آیه ۲۰ سوره ص استفاده شده است. فیض کاشانی نیز در تفسیر صافی به فراز: «السلام علی ائمة الهدی ... و المثل الاعلی» در تفسیر آیه ۲۷ روم اشاره می کند.<sup>۴</sup>

فرازهای بسیار دیگری در این زیارت است که تفسیر آیات قرآن است. به عنوان نمونه می توان به فرازهای «مختلف الملائکة» در تفسیر آیه «تنزل الملائکة و الروح فیها»، «و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض» در تفسیر آیه ۶۵ سوره حج، «و اشرققت الارض بنورکم» در تفسیر «و اشرققت الارض بنور ربها» و «و من رد

**کفر اینان نه به خاطر انکار ضروری دین است، بلکه عنوانی خاص است. روایات فراوانی بر کفر اینان دلالت دارد. یکی از روایاتی که مستند ایشان برای کفر نواصب است، فراز «و من حاربکم مشرک» در زیارت جامعه است.**





# بررسی و تحلیل غلو

مریم ابوطالبی

## استنادات کلامی:

علیکم فی اسفل درک من الجحیم» در تفسیر آیه «إن المنافقین فی الدرک الأسفل من النار» اشاره کرد.

در باب جایگاه امام چه از جهت اجتماعی و هدایت و چه مقام معنوی و تکوینی «قادة الأمم و اولیاء النعم و عناصر الابرار و دعائم الأخیار و ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الأیمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین، ... فبلغ الله بکم اشرف محل المکرمین و اعلی منازل المقربین و ارفع درجات المرسلین»، علم امام «محال معرفة الله، خزنة علمه»، رجعت «مصدق بر جعتکم»، شفاعت «شفعاء دار البقاء» و ..... می توان به فرازهای گوناگونی از زیارت جامعه استناد کرد.

به عنوان نمونه شیخ حر عاملی ذیل زیارتی که عبارت «مقر بر جعتکم» دارد، با اشاره به زیارت جامعه می گوید: این عبارت دلالت بر رجعت دارد و در زیارت جامعه روشن تر آمده است. ۶ در این زیارت عباراتی که درباره رجعت و دولت پایانی اهل بیت و ویژگی های آن است، فراوان به چشم می خورد و زائر از آرزوها و دعا های خویش، همراهی امامان در این دولت را خواستار است. «... و جعلنی من خیار موالیکم التابعین لما دعوتهم الیه و جعلنی ممن یقتض اثارکم و یسلک سبیلکم و یهتدی بهدایکم و یحشر فی زمرتکم و یکفر فی رجعتکم و یملک فی دولتکم و یشرف فی عاقبتکم و یمکن فی ایامکم و تفرعینه غدا برؤیتکم».

## پی نوشت

۱. محمد رضا گلپایگانی، نتایج الافکار فی نجاسة الکفار، تقریر علی کریمی چهرمی، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (عج)، صص ۱۸۹-۱۹۰، سید علی میلانی، مع الأئمة الهداة فی شرح زیارة الجامعة الکبیرة، قم، نشر حقایق (ادریبی استیهادات علماء به این زیارت بحث شده است و در تدوین این نوشتار از آن استفاده شده است).
۲. ابوالقاسم خوئی، مصباح الفقاهة، تقریر محمد علی توحیدی، قم، انصاریان، ج ۱، ص ۵۰۴.
۳. محمد حسین طباطبایی، المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲۰، ص ۲۷۷.
۴. الحویزی، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ج ۳، صص ۴۲۱، ۴۰۸؛ صص ۲۷۱، ۲۷۱، ۴۴۴.
۵. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۴، ص ۱۲۰.
۶. حر عاملی، وسائل الشیعة، بیروت، مؤسسة آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث، ج ۱۴، ص ۵۷۹.

بزرگان و به ویژه خود ائمه (ع) به مخالفت با غلو در حق ائمه پرداخته اند.

مادر مقاله پیش رو در دو محور به رد اتهام غلو در زیارت جامعه کبیره می پردازیم. بخش نخست ادله درونی بر نفی غلو در زیارت جامعه و بخش دوم، ادله بیرونی بر نفی غلو در زیارت جامعه کبیره.

## بخش اول:

برخی عبارات زیارت شریف جامعه کبیره نه تنها آشکارا هر گونه غلو در جایگاه و منزلت ائمه را رد می کند، بلکه از تأمل و دقت نظر در آن ها درمی یابیم که مضمون آنها چیزی فراتر از کلام وحی و سنت اهل بیت (ع) نیست. الف) اقرار به وحدانیت خدا (توحید): شهادت به وحدانیت خدا، در لابلای برخی فرازها این زیارت به صورت عینی و کاملاً آشکار مشاهده می شود. در این دعا، اوصاف و افعال بسیار وزینی که به ائمه (ع) داده شده، هیچ یک وارد حوزه ممنوع ربوبی و قلمرو ممتنع توحیدی نشده است. بخشی از متن زیارت به توحید محض اختصاص می یابد، تا آشکار شود که فرد معصوم و مخاطب این زیارت نامه خلیفه و آینه دار اوصاف و افعال الهی است و نه خود مستقل و خود کفا.

«اشهدان لا اله الا الله وحده لا شریک له کما شهد الله لنفسه و شهدت له ملائکته و اولو العلم من خلقه لا اله الا هو العزیز الحکیم...».

ب) اقرار به بندگی و عبودیت خدا: «اشهدان محمدا عبده المنتخب و رسوله المر تضى...». تأکید بر عبودیت و بندگی پیامبر (ص) کاملاً ملهم از قرآن کریم است. در چندین آیه خداوند تأکید بر انسان بودن پیامبر، همانند سایر انسان ها دارد و تنها امتیاز او دریافت وحی است.<sup>۴</sup>

ج) رعایت اعتدال در ثنا گوئی: برای گرفتار نشدن در دام مهلک غلو و تقصیر، رعایت حد اعتدال و میانه روی در ثنا گوئی لازم و ضروری به نظر می رسد که ائمه (ع) نیز همواره بر آن تأکید داشته اند.<sup>۵</sup> در زیارت

زیارت جامعه کبیره یکی از مفصل ترین و طولانی ترین متون روایی رسیده از اهل بیت (ع) است و از زبان مبارک امام دهم، حضرت علی بن محمد الهادی (ع) نقل و روایت شده است. امام هادی (ع) در این زیارت نامه به بهترین شکل ممکن اوصاف و ویژگی های امام معصوم و واجب الطاعة را بیان کرده است. این زیارت نامه در طول تاریخ شیعه توسط بزرگان بسیاری شرح گردیده، که تعدد شروح نشانگر اهمیت و جایگاه بالای این زیارت نامه در معارف شیعه است.<sup>۱</sup> همچنین برخی از عالمان و دانشمندان شیعه ضمن معتبر دانستن محتوای این زیارت نامه به عبارات و فرازهای از این دعا در کتاب ها و آثار خویش و در ذیل مباحثی گوناگون استدلال و استناد نموده اند.<sup>۲</sup> اما متأسفانه این زیارت نامه توسط برخی مدعیان در طول تاریخ و به ویژه در دوره معاصر مورد خدشه و تشکیک قرار گرفته است و شبهات چندی را مطرح نموده اند. برخی از این شبهات در مورد سلسله سندی و روایان این حدیث است و برخی نیز ناظر به محتوای این زیارت نامه است. مهم ترین شبهات مطرح شده در محتوای این زیارت نامه طرح ادعای غلو است.

غلو در لغت به معنی زیاده روی و تجاوز، مبالغه و بالا بردن هر چیز از اندازه خود، معرفی شده است. به طور خلاصه باید گفت: واژه غلو در زبان عربی در مورد مختلف به کار می رود و در مجموعه یک مفهوم مشترک، به معنی زیاده روی و مبالغه بیش از حد و اندازه در هر چیز. عرب در مورد پرتاب تیر می گوید:

«یغلو بالسهم؛ ارتفع به فی الهواء، و السهم نفسه یغلو» به معنی این که در هوا پرتاب کرد و بالا فرستاد.<sup>۳</sup> در اصطلاح علم کلام نیز غلو در دو محور غلو در ذات و غلو در صفات مطرح است و در طول تاریخ شیعه از همان زمان حضور ائمه (ع) تا دوره غیبت کبری عالمان و

**بخشی از متن زیارت به توحید محض اختصاص می یابد، تا آشکار شود که فرد معصوم و مخاطب این زیارت نامه خلیفه و آینه دار اوصاف و افعال الهی است و نه خود مستقل و خود کفا**



# ودر زیارت جامع کبیره

جامعه کبیره نیز آنچه در بیان امام هادی (ع) آمده، شمارش بخشی از کمالات انوار پاک معصومین است و گر نه فضایل آن ذوات مقدسه بیش از اینهاست. به همین دلیل در فراز پایانی این زیارت این گونه می خوانیم که: ای سروران من، نمی توانم مدح و ثنا و وصف شمارا بر شمارم و نمی توانم به آخرین درجه مدح شما برسم و از بیان آنچه شایسته شماست عاجز و ناتوانم و چگونه از شمارش خوبی ها و رسیدن به نهایت مدح شما عاجز نباشم و حال آن که شمار و شنایی خوبان و راهنمایان نیکان و حجت های خدای توانا می باشد.

یکی از مصادیق رعایت اعتدال توجه به اختلاف جایگاه امامان (ع) و پیامبر (ص) است؛ با نگاهی به فرازهای گوناگون این دعا کاملاً آشکار است که امام هادی (ع) هر گاه سخن از مدح حضرت رسول (ص) می گویند، عبارات بسیار متفاوت از مدح حضرت امیر (ع) و سایر ائمه (ع) است.

د) وجود عبارات قرآنی: این مسئله خود در دو بخش است. در بخش نخست وجود مستقیم آیاتی چند از قرآن کریم است و بخش دوم اشاره تلویحی به برخی آیات قرآن است. «السلام علی ائمه الدعاء و... و اهل الذکر، و اولی الامر، و بقیه الله و خیرته و حزبه، و...».

به عنوان نمونه در این فراز برخی از عبارات به آیات قرآنی نظر دارد. این آیات دقیقاً همان آیاتی هستند که بنا بر تفاسیر معتبر در مورد شأن ائمه هستند. به عنوان نمونه مراد از اهل ذکر در اشاره به آیه «فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۷</sup> که بنا بر احادیث معتبر منظور از اهل ذکر کسانی هستند که به کتاب های آسمانی آشنا هستند و ایشان همان ائمه (ع) هستند<sup>۸</sup> و عبارت اولی الامر نیز اشاره است به آیه ۵۹ سوره نساء، یا عبارت بقیه الله اشاره است به آیه «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ و...»<sup>۹</sup>.

د) فرازهای توحیدی و عدم قبول غلو: در این زیارت نامه فرازها و جملات توحیدی وجود دارد که آشکارا امکان غلو را نفی می کند: در این دعای خوانیم؛ شما امامان (ع) به سوی خدا

دعوت می کنید و به او راهنمایی می کنید و به او ایمان دارید و تسلیم او هستید و مردم را به سوی راه او ارشاد می نمایید و... در این عبارات سخن از خدا و دعوت به توحید است.

در فرازی دیگر می خوانیم: «السلام علی الدعاء الی الله و الادلاء علی مرضاة الله و المستقرین فی امر الله و التامین فی محبة الله و المخلصین فی توحید الله و المظهرین لامر الله و نهیه و عباد المکرمین الذین لایسبقونه بالقول و هم بامرهم یعملون و رحمة الله و برکاته».

مفاد این جملات این است که امامان شیعه (ع) در راستای توحید و نشر خداپرستی به تبلیغ دین پرداخته اند، این تعبیرات با غلو و افراط در حق ائمه (ع) یکسان نیست.

## بخش دوم

از ادله بیرونی بر نفی غلو در زیارت جامع می توان به زمان صدور این زیارت نامه اشاره کرد. زمان امام هادی (ع) اوج اندیشه های متناقض در مورد ذات و صفات ائمه بوده است. اوضاع و شرایط جامعه مسلمانان و به ویژه جمعیت شیعه به نحوی بود که وجود غالبان سبب شد امام (ع) از یک طرف در ادامه فعالیت های امامان پیشین با غالبان و اندیشه های انحرافی ایشان درگیر شود و از سوی دیگر به بیان اهمیت و جایگاه ائمه در عالم خلقی بپردازد. فعالیت غالبان به شکلی بود که موجودیت شیعه و افکار و عقاید درست ایشان را شدیداً تهدید می کرد، لذا مبارزات امام (ع) در برخورد با غلات و سران آن ها بسیار چشمگیر بود.<sup>۱۰</sup>

دومین دلیل بیرونی بر نفی غلو در زیارت جامع کبیره را باید افراط و سخت گیری شیخ صدوق در برخورد با غلو دانست. شیخ صدوق در کتاب های کلامی به عنوان یکی از شخصیت های برجسته مکتب قم شناخته می شود. ویژگی این مکتب دیدگاه های خاص آنان

نسبت به غلو و غلات است. آنان به دنبال اندیشه سنت گرایی دوران غیبت صغرا، حساسیت خاصی نسبت به پدیده غلو داشتند<sup>۱۱</sup>، تا آنجا که دانشمندان و رویان مکتب قم در مبارزه شدید علیه بسط و رخنه افکار و آثار غلات شهرت خاصی یافتند.

حساسیت خاص شیخ صدوق در برخورد با غلو، به طور قطع نشان می دهد که نقل زیارت جامع کبیره توسط ایشان نه تنها نمی توان نسبت غلو به این زیارت نامه داد بلکه باید معتدلانه باشد.

سومین دلیل برای رد شبهه غلو را باید توصیه های امام هادی (ع) قبل از قرائت زیارت دانست. امام به راوی یعنی همان موسی بن عمران نخعی توصیه می کند که قبل از شروع به خواندن زیارت شهادتین را بگوید، صدمر تبه الله اکبر آن هم در سه نوبت و با آداب خاص. تأکید بر ذکر شهادتین و الله اکبر پیش از خواندن زیارت برای یادآوری و فهم عظمت کبریایی خدا است و آموزش این نکته که هیچ کدام از اوصاف یاد شده برای ائمه در زیارت، ایشان را به مقام خدایی نمی رساند.

## پی نوشت

۱. جهت ملاحظه شمار شرح زیارت جامع رک: ناصرالدین انصاری قمی، (۱۳۸۲ ه. ش)، «کتاب شناسی زیارت جامع کبیره»، قم، علوم حدیث، سال هشتم، شماره ۴.
۲. به عنوان نمونه رک: محمدباقر بهبهانی، الرسائل الفقهیه، ص ۱۷۹؛ ابوالقاسم خوبی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۵۰۴، همو، کتاب الطهارة، ج ۲، صص ۸۴ و ۲۸۱.
۳. محمد ابن منظور، لسان العرب، ص ۱۳۱؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۴۴۶.
۴. فصلت: ۶.
۵. به عنوان نمونه رک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۴۱، همان، ج ۲۳، ص ۳۳۴.
۶. به عنوان نمونه: سوره توبه: ۳۳؛ سوره نحل: ۱۲۵؛ سوره حج: ۶۵ و ۷۸ و...
۷. محمد بن علی ابن بابویه، من لایحضر الفقیه، ج ۳، ص ۵۴۲.
۸. نحل: ۴۳.
۹. هود: ۸۶.
۱۰. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ج ۲، ص ۱۷۲.
۱۱. همان، ج ۲، ص ۱۷۶.

به طور خلاصه باید گفت: واژه غلو در زبان عربی در موارد مختلف به کار می رود و در مجموعه یک مفهوم مشترک، به معنی زیاده روی و مبالغه بیش از حد و اندازه در هر چیز



## سیدبخوان آنچه می دانسی

مهدی دهقان

برف بود و شب هنگام. گام‌های اسب کند شده بود. باد، برف را به صورت می‌ریخت. یال اسب سفید شده بود. سکوت بود و تنها برف بود که حکم می‌راند. چشم‌هایم را چرخاندم. شرق،

غرب، شمال و جنوب سفید بود؛ حتی آسمان و زمین هم. هیچ ردی از همراهان نبود.

شب پیش حاجی جبار گفته بود: «زودتر راه بیفتیم که راه پرخطری است.» سحر نشده بود که بار بستیم و راه افتادیم؛ در دل تاریکی، به یک فرسخ

نرسیده بودیم که برف آمد. دیگران سرشان را پوشاندند. آرام آرام عقب می‌افتادم و باز می‌رسیدم و دوباره از کاروان بازمی‌ماندم. پیش از آنکه صبح شود، من بوم و برف و صحرایی سفید و هیچ ردی از کاروان؛ جایی بین ارزنه الروم و طرابوزان.

از رشت تا تبریز را تنها بودم. کاروانی نبود که به سمت مکه رود. برایم شگفتی داشت. تبریز، مهمان حاج صفر علی بودم. تاجر خوش نامی بود، چند روزی خانه‌اش بودم. حاجی جبار جلودار می‌خواست برود طرابوزان. کاروانی تجاری داشت. همراهش شدم. حاج صفر علی، سه نفر دیگر را تشویق کرد که در راه مکه همراه شوند؛ حاجی ملا باقر تبریزی حجه فروش معروف علما و حاجی سید حسین تاجر تبریزی و حاجی علی نامی که خادم بود. گاهی از کاروان اصلی عقب می‌ماندیم و شب کمی دیرتر بهشان می‌رسیدیم. زودتر راه افتاده بودیم تا در «راه پرخطر» همراه کاروان باشیم و عقب نیفتیم. پیش از سحر سوار اسب شدیم. برف آمد. توی فرمانروایی برف، تنها ماندم. همه جا پر برف بود و سکوت؛ بی هیچ ردی از دوستانم. صدایشان می‌کردم. فریادهایم گم می‌شد توی برف‌های پیش از سحر. بهشان نمی‌رسیدم. گام‌های اسب توی

برف سنگین بود. تنها بودم. ساعتی مانده بود به صبح. گوشه‌ای جستیم و از اسب پیاده شدم. اگر راه می‌رفتم، ممکن بود به بیراهه روم و از کاروان دورتر شوم و راه را گم کنم. خواستم تا صبح همانجا بمانم و آفتاب که بالا آمد، برگردم و در منزل پیشین، همراهانی بیایم و خود را به کاروان برسانم. تنها نمی‌توانستم این راه ناامن را طی کنم. همه دارایی‌ام همراهم بود؛ ششصد تومان. نشستیم. توی سفیدی برف و سرمای سحرگاه، امیدم به

آهنگ صدایش توی گوش‌هایم بود که می‌خواند: «نافله نافله، عاشورا، عاشورا، عاشورا، جامعه جامعه جامعه»

آفتاب صبح بود. نمی‌دانستم به دوستانم خواهیم رسید یا نه. «میهمانا به رفیقان خود رسان بازم». آیا از سرما و از راه ناامن و از غربت‌رهایی بودیانه؟ دانه‌های برف می‌رقصیدند و زمین را می‌پوشاندند. برف را تماشا می‌کردم و تماشا نمی‌کردم و نگاهم را از بین دانه‌های رقصانش به دور دست‌ها می‌رساندم. روبه‌رویم، باغی را دیدم که انگار نبود و الان هست. دوباره نگاه کردم، باغ بود؛ بیش از آنکه باغ باشد، امید بود. به سوی باغ رفتم. توی باغ مردی بود. برف‌های درختان را می‌تکاند. با بیل آرام به شاخه‌ها می‌زد و تن شاخه‌ها از لباس برفی عربان می‌شد. به سویم آمد. مقابلم ایستاد. لبخندی زد. کیستی؟

«قصه حج دارم و از کاروان باز مانده‌ام. فارسی سخن می‌گفت؛ در آن دیار که همه ترک بودند. به چشم‌هایم که تردید داشتند و هم امید و هم یأس، نگاه کرد. نگاهش امید داشت. چشم‌هایم می‌گفتند که راه را می‌دانم.»

«نافله بخوان، راه را خواهی جست. مسلمان بود؛ در سرزمینی که بیشترشان نصرانی بودند. او شاخه‌ها را از برف عربان کرد و من نافله خواندم. آمد و مرا دید که همانجاییم.»

«راه نیافتادی؟ ایمانم چنان نبود که با نافله خواندن راه بیابم و آن قدر باور نداشتم که چشم

ببندم و در برف و راه ناامن راه بیفتم. راه را نمی‌دانم.

کریمانه راهنمایی دیگر را نشانم داد. جامعه بخوان، راه را خواهی یافت. جامعه خواندم؛ از بر. نه پیش از آن و نه پس از آن، جامعه را حفظ نبودم. اما او که گفت، از حفظ خواندمش. راه نیفتادم. ایمانم ترک داشت. دوباره آمد و همان کلمات:

«راه نیافتادی؟ راه را نمی‌دانم. گریستم. عاشورا بخوان. عاشورا خواندم؛ مثل جامعه، بی آنکه حفظش داشته باشم، خواندمش. باز آمد. هنوز هستی؟ راه نیافتادی؟ راه نمی‌دانم. تا طلوع آفتاب خواهیم ماند.»

نافله، جامعه و عاشورا، راه را نشان می‌دادند و من نمی‌دیدم. من در پی انسانی بودم که راه را نشانم دهد؛ مثل هر انسان دیگر مؤمن یا غیر مؤمن. ایمانم مرا به حرکت و انمی داشت. خود برخواست.

«من راه را نشانت خواهم داد و به دوستانت خواهم رساند.»

سوار الاغ شد. بیل را به دوش گرفت. از من خواست سوار الاغ شوم. عنان اسبم را کشیدم. نیامد.

«عنان اسب را به من بده. اسب را کشید. اسب همراه شد. دست گذاشت روی زانوم.»

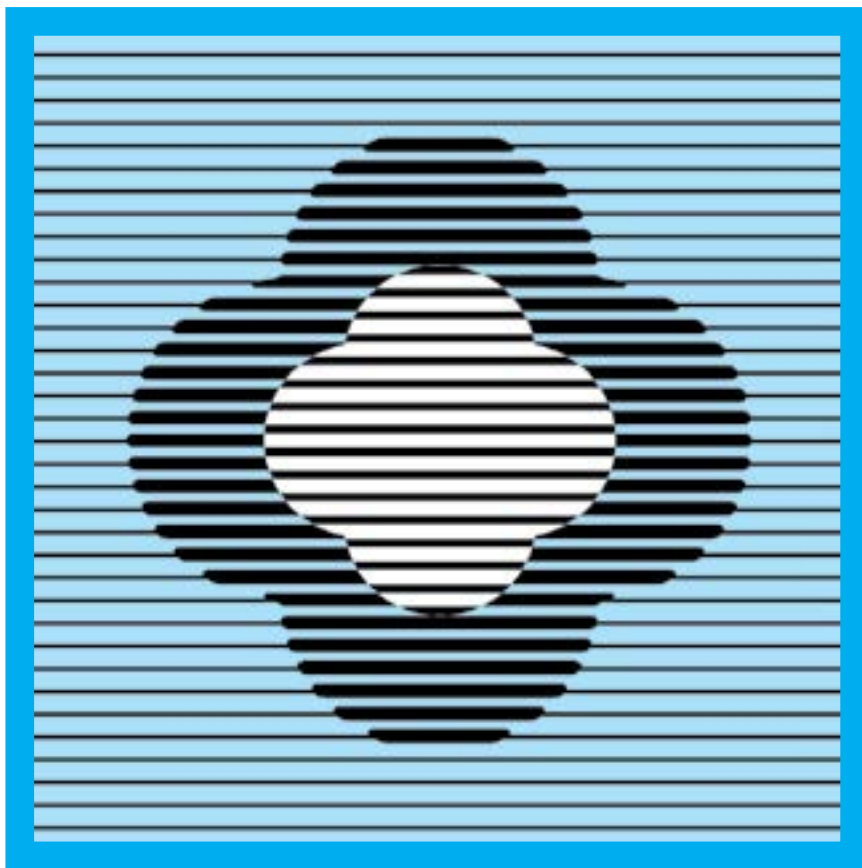
«شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله نافله. شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا عاشورا عاشورا. شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه جامعه جامعه.»

رفیقانم را نشانم داد. برای نماز صبح لب نه‌ری وضو می‌ساختند. از الاغ پیاده شدم. نتوانستم سوار اسب شوم. بیل را در برف فرو کرد. مرا سوار اسب کرد و روی اسب را به سوی رفیقانم باز گرداند. چند گام رفتم، باز گشتم، نبود. آهنگ صدایش توی گوش‌هایم بود که می‌خواند: «نافله نافله نافله، عاشورا عاشورا عاشورا، جامعه جامعه جامعه».

شیخ مادر نجم ثاقب حکایتی نقل کرده که از آن ظاهر می‌شود که باید به این زیارت مواظبت کرد و از آن غفلت نمود... در ماه جمادی الآخره این سال از نجف اشرف بر گشته بودم، در کاظمین سید احمد بن سید هاشم بن سید حسن موسوی رشتی تاجر ساکن رشت (ایده الله) را ملاقات کردم که از سامره مراجعت کرده، عازم عجم بود. پس شرح حال او را چنان که شنیده بودم پرسیدم. از آن جمله قضیه معهوده همه را نقل کرد مطابق آن و آن قضیه چنان است که گفت: در سینه هزار و دو بیست و هشتاد به اراده حج بیت الله الحرام از دار المرز رشت آمدم به تبریز... متن زیر باز نویسی این تشریف است.

# محراب

مسجد / شماره ۱۸ / اردیبهشت ماه ۱۳۹۴





# مسجدی نو با آرمان های نو

گزارشی از فعالیت های مسجد امام حسین (ع) در مصاحبه با حجت الاسلام کوثری نیا امام جماعت مسجد به کوشش: علی اصغر غلامی

کلی معماری مسجد مدرن و جدید است و بسیار متناسب با فضای شهر تازه بنیان پزند.

## امام جماعت بسیار جوان، اما کاردان

حجت الاسلام محمود کوثری نیاسی و دو سال دارد و هشت سال است که امام جماعت مسجد امام حسین (علیه السلام) است. او با همان خلوص و تواضع و خون گرمی مردم کویر ما را پذیرفت و بر ایمان تعریف کرد که از زمان آغاز به کار بنای مسجد، برای امامت جماعت این مسجد از طرف حوزه به اینجا فرستاده شده است:

«ما که اینجا آمدیم، تازه داشتند ساخت مسجد را شروع می کردند. تا کم کم ساختمان به این شکلی که حالا می بینید، ساخته شد.»

او متولد خراسان جنوبی است و تحصیلات عالی حوزوی را در تهران گذرانده و از بیست و چهار سالگی امام جماعت مسجد است. او حالا مدرس حوزه است و کار تدریس در دانشگاه پیام نور را شروع کرده است. وی عضو رسمی «انجمن تحقیقات حجات ایران» است. به علاوه ورزشکار هم هست و جوانان از مصاحبتش لذت می برند:

«ابتدای کار مسجد بود و هنوز بنا ساخته نشده بود. از نوجوانان شروع کردم و برای آنان کلاس های مختلف ورزشی، تربیتی، فرهنگی، آموزشی و... دایر کردم. آن روزها، هم خادم مسجد بودم و هم امام جماعت و هم مسئول امور فرهنگی. کم کم افراد آمدند و مسئولیت ها را تقسیم کردم.»

## چطور به این موفقیت رسیدید؟

حاج آقا با مهربانی خاص خودشان پاسخ می دهد: «بهترین روش امام جماعت برای رسیدن به موفقیت در کارها، خوش اخلاقی است. حتی اگر علم نداشته باشد، چنانچه با همه اقشار ارتباط خوب داشته باشد، می تواند موفق شود. مسجد یک کشور کوچک است. در مسجد از همه اقشار، مشاغل، سنین و سلیقه های مختلف حضور پیدا می کنند. امام جماعت باید با آداب و رسوم مختلف مردم و با خواسته ها و نیاز های مختلف قشر های گوناگون آشنا باشد و رسوم مسجدداری را بداند. ضمن اینکه برای همه سنین برنامه ریزی داشته باشد.»

## چه برنامه هایی دارید؟

حاج آقا کوثری نیا با آرامش و خوشرویی به روی ما نمی آورد که کارهای زیادی برای انجام دادن دارد. او ادامه می دهد: «برنامه های مسجد امام حسین (علیه السلام) دو بخش دارد. یک بخش برنامه های روزانه مسجد است و بخش دیگر



## مسجدی وسط آب

مسجد امام حسین (علیه السلام) شهر پزند از طرف مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران، مسجد نمونه معرفی شده است. امام جماعت مسجد، حاج آقا کوثری نیا، به عنوان یکی از هفده امام جماعت برگزیده استان تهران معرفی و در برنامه ای در برج میلاد لوح تندیس را از دست رئیس جمهور محترم، جناب آقای روحانی گرفت. همچنین از طرف آن وزارت خانه عنوان کتابدار نمونه به حاج آقا اعطا شد، به خاطر کتاب خانه جالب و خلاقانه که در مسجد درست کرده است. مسجدهای این شهر درست وسط پارک ها و فضاهای سبز ساخته شده اند. ساختمان مسجد مخصوصا گنبد آن ذهن را به سمت گنبد مسجد الاقصی می برد. اطراف مسجد را استخر بزرگی فرا گرفته است. گویا مسجد وسط آب ساخته شده و برای رسیدن به ساختمان باید از پل فلزی کوچکی عبور کنی. اینجا فروشگاه، کانون فرهنگی، تعاونی، بخش خواهران مسجد که بسیار فعال و پر کار به نظر می رسد و بخش های دیگر قرار گرفته است.

## مسجد، امام جماعت و کتاب خانه نمونه

قفسه های کتاب خانه، در گوشه سمت چپ شبستان مسجد قرار گرفته که حکم دیوار اتاق جلسات مسجد را هم دارد. حاج آقا کوثری امام جماعت جوان مسجد امام حسین (علیه السلام) می گوید: در ابتدای کار مسجد به مادو کارتن کتاب دادند؛ اما حالا کتاب خانه ما بالغ بر پنج هزار کتاب دارد. این کتاب خانه نه کتابدار دارد، نه ساعت کاری. کتاب خانه در شبستان مسجد است و همه می توانند از آن استفاده کنند. همه می توانند کتاب ها را آزادانه بردارند و ببینند و با خود ببرند. محراب مسجد بزرگ و زیبا است و هنوز تزئینات جشن میلاد حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در آن دیده می شود. به طور



در ابتدای کار مسجد به ما دو کارتن کتاب دادند؛ اما حالا

کتاب خانه ما بالغ بر پنج هزار کتاب دارد.

این کتاب خانه نه کتابدار دارد، نه ساعت کاری.

کتاب خانه در شبستان مسجد است و همه می توانند از آن

استفاده کنند. همه می توانند کتاب ها را

آزادانه بردارند و ببینند و با خود ببرند.





برنامه‌های مناسبتی است. نماز جماعت در هر سه نوبت صبح و ظهر و مغرب و عشا برگزار می‌شود.

هفته‌ای دو شب تفسیر قرآن داریم. امام جماعت یک آیه یک آیه می‌خواند و مردم تکرار می‌کنند و یک نکته تجویدی می‌گوید. سپس آیه‌هایی را که همه خوانی کردند، ترجمه و تفسیر می‌کنند. «من در تفسیر شاگرد آقای قرآنی بوده‌ام و از کتاب تفسیر نور آقای قرآنی استفاده می‌کنم. شب‌های پنج‌شنبه از تفسیر موضوعی قرآن آقای ساعدی بهره می‌بریم. ایشان از پتانسیل‌های خوب ما در مسجد هستند و هفده سال شاگرد آقای خاتمی در بحث تفسیر بوده‌اند. هیئت نوجوانان داریم که به تازگی با هیئت بزرگسالان تلفیق شده‌اند تا با هم انس بیشتری بگیرند. سرپرست هیئت نوجوانان را از میان طلبه‌های سال اول برگزیده‌ایم؛ چون هم سن و هم سنخ هستند و زبان هم را بهتر می‌فهمند. گاهی خودم برایشان صحبت می‌کنم. خودبچه‌ها مداحی می‌کنند. همه کارها را خودشان انجام می‌دهند. از جمله برنامه‌های نوجوانان، اردوهای تابستانی مثل اردوی مشهد است که با استقبال مواجه شده و سال گذشته فقط صد نوجوان پسر شرکت‌کننده داشتیم. جذابیت زیارت و سفر می‌تواند نوجوانان را مسجدی و نماز خوان کند. در برنامه‌های هیئت از مداحان مختلف استفاده می‌کنیم، مثل حاج حسن خلج و مرتضی طاهری. ضمناً یک شب تفسیر موضوعی نهج البلاغه داریم.»

یک شب بحث‌های اخلاقی داریم. گاهی از بیرون استاد دعوت می‌کنیم، مثل استاد ماندگاری. در بحث‌های اجتماعی آقای شهاب‌مردی را دعوت کردیم که در مورد ازدواج و طلاق صحبت کردند که با استقبال خوب مردم روبه‌رو شد.

#### سخنرانی یک دقیقه‌ای

ظهرها بعد از نماز ظهر و عصر یک دقیقه صحبت می‌کنیم. در این یک دقیقه به موضوعات مهم و مورد نیاز مردم در موضوعات مختلف مذهبی، اخلاقی و اجتماعی می‌پردازیم. مردم نیز از این صحبت‌ها استقبال می‌کنند. در موضوع انتخابی، اصل مطلب را به صورت موجز و مختصر بیان می‌کنم.

تلاش ما این است که مردم برای نماز اذیت نشوند و بتوانند نماز خود را به جماعت بخوانند و نکته مورد نیازشان را بشنود و بیاموزند، بدون اینکه وقت زیادی از آنها گرفته شود. برای مثال روز سیزده بدر مردم در فضای سبز اطراف مسجد جمع شده بودند. ما صدای اذان را مقداری بلند کردیم تا خانواده‌هایی که برای گذراندن روز طبیعت به پارک آمده بودند آن را بشنوند. تعدادی از آنها داخل مسجد آمدند و نماز را به جماعت خواندند. ما صحبت یک دقیقه‌ای خود را داشتیم و حدیثی از حضرت علی (علیه السلام) بیان کردیم درباره حضور در طبیعت و نگاه به سبزی و خرّمی طبیعت و در مورد عید واقعی که روزی است که در آن گناه نکنیم. مردم خوششان

آمده بود و برایشان این صحبت یک دقیقه‌ای جالب بود.

#### قانون مسجد ما این است: فقط دعا

شب چهارشنبه دعای توسل و شب جمعه دعای کمیل و صبح جمعه دعای ندبه داریم. اصرار ما این است که در برنامه‌های دعا، فقط دعا خوانده شود و دعا یک ربع طول بکشد. به شدت مراقب هستیم که دعا به درازا کشیده نشود. مداح فقط دعا را بخواند و بین دعا روضه و مداحی نباشد. بعضاً در مساجد و برنامه‌های دعا که مداح بین دعا ترجمه دعا یا روضه می‌خواند، مردم خسته می‌شوند و دعا را ورق می‌زنند ببینند چقدر از دعا باقی مانده به این ترتیب از کار و زندگی خود باز می‌مانند و از مجالس دعا زده می‌شوند.

در مسجد ما بین دعا روضه خوانده نمی‌شود. قانون ما سریع تمام کردن و اختصار و بیان اصل مطلب و خواندن دعا است. البته در آخر چند دقیقه ذکر مصیبت می‌شود تا مردم به فیض برسند.

جمعه‌ها بعد از دعای ندبه صبحانه خوبی داده می‌شود. این صبحانه خوب باعث تشویق مردم به حضور در دعا شده و جمعیت دعای ندبه ما خیلی بیشتر شده است.

#### کدام نمازها را به جماعت می‌خوانید؟

هر سه نوبت نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا به جماعت خوانده می‌شود. صبح‌ها خانم‌ها خیلی کم هستند؛ شاید یک یا دو نفر؛ اما آقایان تعدادشان بیشتر است. ظهرها خانم‌ها زیادند و آقایان کمتر. اما نماز مغرب و عشا، جمعیت آقایان قابل توجه است. کلاً حدود صد و پنجاه نفر در نماز جماعت حضور می‌یابند و در مناسبت‌ها تمام شیستان مسجد و بالکن آن پر می‌شود. مردم از برنامه‌های مسجد استقبال می‌کنند و گاهی تعداد نمازگزاران مسجد ما به پنج هزار نفر می‌رسد.

«ابتدای کار مسجد بود و هنوز بنا ساخته نشده بود. از نوجوانان شروع کردم و برای آنان کلاس‌های مختلف ورزشی، تربیتی، فرهنگی، آموزشی و... دایر کردم. آن روزها، هم خادم مسجد بودم و هم امام جماعت و هم مسئول امور فرهنگی. کم‌کم افراد آمدند و مسئولیت‌ها را تقسیم کردم.»



و معرفت این دو امر مهم، یعنی قرآن و اهل بیت، توضیح می دهد: وقتی یک فرد تحصیل کرده حتی روخوانی قرآن را خوب نمی داند، این نقص متوجه مسجد است که وظیفه خود را خوب انجام نداده است. ما سعی کردیم با نگاهی خلاقانه این مسئله مهم را بررسی کنیم.

استحکاف یعنی کسی که بالاتر ایستاده، دست فرد پایین تر را بگیرد و بالا ببرد، و آنکه پایین تر است، دست بالاتر را بگیرد و بالا برود. به این ترتیب همه افراد در تمام سنین در این طرح جادارند؛ حتی تمام افراد خانواده در این طرح ارتباط می گیرند و آموزش داده می شوند. خانمی که به مسجد می آید، آنچه را که از روخوانی و روانخوانی و تفسیر می آموزد، در منزل به همسرش می آموزد و از او آنچه را که وی در مورد قرآن می داند، یاد می گیرد.

### حذف ضدجاذبه ها

آقای جباری مسئول امور فرهنگی مسجد می گوید: «از جاذبه های مسجد امام حسین علیه السلام حذف ضدجاذبه ها است. سعی مادر حذف دافعه هایی است که در مساجد ما بعضاً مشاهده می شود. یکی از آنها رفتار مسئولان و نمازگزاران با نونهالان است که بسیار مورد توجه است. حاج آقا کوثری نیا به این امر دقت دارند و برای آن برنامه ریزی کرده اند تا نمازگزاران رفتار مناسبی با نونهالان داشته باشند. یکی از مکبران مسجد یک پسر چهارساله است که گاهی اشتباه می کند، اما کسی نمی تواند به او بگوید تو مکبر نباش؛ بلکه او در مقابل کارش جایزه هم دریافت می کند. در قفسه های باز کتابخانه مسجد ما، کتاب های قصه مخصوص کودکان گنجانده شده تا بچه هایی که در نماز شرکت نمی کنند و در شبستان بازی می کنند، آنها بخوانند و با کتاب آشنا شوند».

### برنامه ای منحصر به فرد

مسجد ما برنامه ای دارد که مخصوص مسجد ما است و در دیگر مساجد اجرایی می شود. توضیح آنکه ما دیدیم نمازگزارانی که حدود نیم ساعت در مسجد حضور دارد، ده دقیقه آن را نماز می خواند و در بقیه آن کاری انجام نمی دهد. در فاصله قبل و بعد از نماز، نوجوانان مسجد یک دسته از کتاب ها ابر می دارند و بین نمازگزاران توزیع می کنند. نمازگزاران کتاب ها را ورق می زنند. اگر حس کنند برایشان مناسب است، آن را می خوانند؛ و در غیر این صورت، آن را روی میز کتابخانه می گذارند. حداقلش این است که مطلع می شوند چنین کتابی وجود دارد و شاید زمانی به کارشان آید. نمازگزارانی به ما مراجعه کرده و گفته اند کتابی که به دستمان رسیده، برایمان خیلی جالب بود یا سوالی در ذهن داشتیم که پاسخ آن در کتابی بود که به دستمان رسید. برای همین از ما بسیار تشکر کردند.

### همیشه جماعت

من بسیار روی اقامه نماز جماعت حساس هستم. در ایامی مثل تعطیلات عید که به اجبار باید به شهرستان برای دیدار خانواده بروم، از مدت ها قبل برنامه ریزی می کنم که هر روز

در برنامه های مناسبی مسجد از سخنرانان معروف و کسانی دعوت می کنیم که عضوانجمن و عاзахستند و از نظر علمی سطح بالایی دارند. برای تبلیغ برنامه هایمان از بنر استفاده می کنیم و سامانه پیامکی فعالی داریم.

### در شهر شما اوقات خوبی داشتیم

از جمله برنامه های مناسبی مسجد امام حسین علیه السلام، مراسمی درباره حق ایران در استفاده از انرژی هسته ای بود که در سال روز شهادت شهید علی محمدی برگزار شد. همسر آن شهید بزرگوار را دعوت کردیم و برنامه ای در حضور ایشان در مسجد برگزار شد که بسیار مورد توجه ایشان قرار گرفت: «در روز برنامه به همراه مسجدی ها به استقبال ایشان به ورودی شهر رفتیم. چند اسکورت، ایشان را همراهی می کردند. ما خانم علی محمدی را از اسکورت ها تحویل گرفتیم و ایشان سوار اتومبیل یکی از خواهران مسجد شدند. ما شهر را به ایشان نشان دادیم و سپس به مسجد آمدیم. تمام مسئولان شهر پرند به برنامه دعوت شده بودند؛ شهر دار، امام جمعه، امامان جماعت سایر مساجد و... مردم نیز به این برنامه آمده بودند. از خانواده شهید تشکر شد و یاد و خاطره این شهید گرانقدر گرامی داشته شد. همسر شهید از خاطرات ایشان برای حضار گفتند و در پایان یک تخته تابلو فرش از طرف مردم پرند و مسجد امام حسین علیه السلام به ایشان تقدیم شد. همسر شهید هم یک قاب عکس بزرگ از شهید، به همراه دست نوشته خود به پایگاه بسیج مسجد تقدیم کردند. بعد از پایان برنامه ایشان را همراهی کردیم تا به همراه اسکورت خود، شهر را ترک کردند. هفته بعد از برنامه، همسر شهید با ما تماس گرفتند و از برنامه تشکر کردند و گفتند که در شهر شما اوقات خوشی داشتیم و اگر باز هم چنین برنامه ای داشته باشیم، من حاضرم همسران سه شهید دیگر هسته ای را همراه خودم به مسجد شما بیاورم».

### هر کجا هستی یک قدم بیا بالا

حاج آقا برایمان توضیح می دهد که یکی از برنامه های مسجد، «بیت الثقلین» است که در آن فعالیت های قرآنی دنبال می شود. کلاس های روخوانی، روانخوانی، تفسیر و... در حلقه های مختلف جوانان، بزرگسالان، میانسالان، در بخش های خواهران و برادران اجرایی می شود. برای کودکان مهد قرآن و برای نوجوانان کلاس های روخوانی و روانخوانی داریم.

در بیت الثقلین در زمینه معارف اهل بیت نیز آموزش های لازم داده می شود. این بخش را آقای جباری که مسئول امور فرهنگی مسجد هستند، به صورت نظام مند در آورند؛ تحت عنوان طرح «استحکاف».

آقای جباری با اشاره به آیه تقلین و اهمیت لزوم شناخت



سرپرست هیئت  
نوجوانان را از میان  
طلبه های سال اول  
برگزیده ایم؛ چون  
هم سن و هم سنخ  
هستند و زبان هم را  
بهتر می فهمند. گاهی  
خودم برایشان صحبت  
می کنم. خود بچه ها  
مداحی می کنند.  
همه کارها را خودشان  
انجام می دهند.







یک نفر نماز را اقامه کند. در عید کلید منزل را به یکی از عزیزان روحانی که می‌شناختیم، دادم تا در ایام عید نماز را در مسجد امام حسین (علیه السلام) اقامه کند. ما روی امام جماعت روحانی تأکید داریم. نماز باید به جماعت و به امامت یک روحانی اقامه شود.

#### مسئولان توانمند

از دیگر ویژگی‌های مسجد، توانمندی‌های مسئولان آن است. مثلاً آقای جباری که بازنشسته آموزش و پرورش است و بسیار صاحب فکر، اوقات خود را وقف برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مورد نیاز مسجد کرده است. حاج آقا کوثری نیا نیز که تحصیلات عالی حوزه دارد، شاگرد آقای قرائتی در تفسیر بوده، دوره امداد و هلا احمر را هم‌زمان با طلبگی دیده است. بعد از آن دوره طب سنتی و گیاهی را گذرانده و در امتحانات کتبی و عملی آن، در کنار پزشکان قبول شده و به عنوان پزشک، عضو «انجمن تحقیقات حجامت ایران» است. او در چند رشته ورزشی، مثل شنا، کوهنوردی و پینگ‌پنگ مهارت دارد. در ایام اربعین به همراه جمعی از جوانان مسجدی پیاده به کربلا مشرف شدند که حتماً بر کات زیاد برای خود، خانواده‌ها و مسجدشان داشته است.

حاج آقای می‌گوید: برای بچه‌ها خیلی جذاب بود که امام جماعتشان در این رشته‌ها مهارت دارد و در پیاده‌روی کم‌نیاورد.

#### مسجد هادر پارک

آقای جباری می‌گوید: از دیگر ویژگی‌های مسجد امام حسین (علیه السلام) این است که در شهر پرند، مساجد در پارک‌ها ساخته می‌شوند و مردم که برای هواخوری و تفریح به پارک می‌آیند، توفیق نماز جماعت و حضور در مسجد را پیدای می‌کنند.

این قابل توجه کسانی است که می‌خواهند مسجد بسازند. مسجد را در تالاقی با فضاهای دیگر مثل پارک بسازند تا مردم از فیض مساجد بی‌بهره نمانند.

کاش حالا که شهرداری پرند این اقدام خوب را انجام داده، در اجرای فضای سبز شهر هم ذوق و سلیقه به خرج دهد و در وضعیت کم‌آبی کشورمان، به جای کاشتن چمن که آب زیادی احتیاج دارد، و درختانی مثل چنار و کاج، درختان میوه بکار دانا ثمری داشته باشد. مخصوصاً در اطراف مسجد تا باعث جذب مردم به مسجد شود. نباید نگران تخریب درختان توسط مردم باشیم. تجربه موفق این کار در طبس با کاشت درختان بهار نارنج، نشان می‌دهد که در این زمینه جای نگرانی وجود ندارد.

#### استعدادشناسی

بحث بعدی بحث استعدادشناسی در حوزه مسجد است. مسجد جایگاهی است که افراد مختلف با استعدادها و فرهنگ‌ها و اعتقادات و سطوح علمی گوناگون در آن حضور پیدا می‌کنند. اگر بخواهیم یک مسجد را درست اداره کنیم، باید ابتدا استعدادهای نمازگزاران آن را بشناسیم و از آنها

بهره ببریم، سپس دنبال شناسایی امکانات مسجد باشیم. باید بدانیم چه امکاناتی در مسجد داریم. اگر از امکانات مسجد آگاهی نداشته باشیم، کارها به خوبی پیش نمی‌رود. دختر بچه‌ای که توانست معلم قرآن هم‌بازی‌هایش در مسجد باشد، یک مثال کوچک از انبوه توانایی‌ها، استعدادها و امکانات مختلف و منابع نیروی انسانی در حوزه‌های علمی، مذهبی و... است که در مسجدهایمان داریم.

#### نگاه به آینده، استراتژی مسجد امام حسین (علیه السلام)

بحث بعدی، حوزه‌های معرفتی است و استفاده کاربردی آن در مسجد.

به عنوان پیام مسجد امام حسین پرند می‌گوییم که مساجد باید سپاه دیگری تجهیز کنند. شاید دیر شده باشد و شاید کسانی به این مهم عمل کرده باشند. در زمان جنگ مساجد پایگاه بسیج نیروی انسانی و تجهیز آنها شد. این بسیج مردمی و نیروی انسانی پشتیبان بزرگی برای ارتش و سپاه بود. در مساجد ما نیروهای انسانی زیادی با اخلاص و ویژگی‌های خوب برای این کار وجود دارند. فقط باید این نیروها شناسایی شوند و برنامه‌ریزی لازم برای آن انجام شود.

پیام دوم مسجد ما وجود یک نظام بین مسجدی است. یعنی مرکزی غیر حکومتی و غیر دولتی در سطح ملی که توسط مساجد اداره شود. به این صورت مساجدمان، هوشمند و کارآمد می‌شوند و موانع ارتباطی بین خود را برطرف می‌کنند. به علاوه مساجد باید بانک اطلاعاتی قوی تشکیل دهند.

علاوه بر این، از صدر اسلام ارتباط خوبی بین دو نهاد مهم خانواده و مسجد برقرار بوده که باید ادامه یابد. امام جماعت باید دغدغه خانواده‌های مسجدی را دغدغه خود بداند و برای آن برنامه‌ریزی داشته باشد. این مهم برنامه‌ریزی عالمانه‌ای لازم دارد. وجود بانک اطلاعاتی و بانک تجربیات و برنامه‌های مسجد، کمک خوبی به این قضیه می‌کند.

در مسجد ما بین دعا روضه خوانده نمی‌شود. قانون ما سریع تمام کردن و اختصار و بیان اصل مطلب و خواندن دعا است. البته در آخر چند دقیقه ذکر مصیبت می‌شود تا مردم به فیض برسند.



# استجاب دعا

دیدگاه‌های استاد مطهری درباره انس با خدا، عزلت‌گزینی و تربیت اجتماعی در سایه معارف دینی

مسعود بهرامیان

باید به مسئله نیایش، دعا و عبادت اهمیت دهد». مسئله‌ای که امروزه تمدن غربی از فقدان آن رنج می‌برد و بزرگان این تمدن نیز به آن اذعان دارند، معنویت و ارتباط با خداست. انسان بدون خدا مانند تکه چوبی بر روی اقیانوس حیرانی است که با هر وزش بادی به سویی می‌رود و هر لحظه احتمال غرق شدن آن در این اقیانوس است.

## شرایط پذیرش دعا

دعا و عبادت شرایطی دارد که اگر همه آنها در کنار هم قرار گیرند، سبب برآورده شدن حاجت و نیازهای فرد می‌شوند. شهید مطهری آداب و شرایط مستجاب شدن دعا را به شرح ذیل بیان می‌دارد. لازم به ذکر است در پایان، نویسنده سطور نیز شرایطی در تکمیل صحبت‌های استاد شهید می‌آورد.

۱- دعا شرایطی دارد. شرط اولش این است که واقعا خواستن و طلب در وجود انسان پیدا شود و تمام ذرات وجود انسان مظهر خواستن گردد، و آنچه می‌خواهد به صورت یک احتیاج و استدعا و حاجت در آید. همان‌طور که اگر در یک نقطه از بدن یک احتیاجی پیدا شود، تمام اعضا و جوارح شروع به فعالیت می‌کند و حتی ممکن است عضوی به مقدار زیادی از کار خود بکاهد برای رفع احتیاجی که در فلان نقطه از بدن پیدا شده است. اگر مثلاً تشنگی بر او غلبه کند، اثر تشنگی در جانش پدید می‌شود، حلق، کبد، معده، لب، زبان و کام همه آب می‌خواهند. اگر هم در آن حال بخوابد، آب را به خواب می‌بیند، چون واقعا بدن محتاج آب است. احتیاج روحی و معنوی انسان که جزئی از عالم خلقت است، نسبت به کل جهان همین‌طور است. روح انسان جزئی از عالم وجود است، اگر واقعا خواهش و احتیاجی در وجودش پیدا شود، دستگاه عظیم خلقت او را مهمل نمی‌گذارد. بین خواندن دعا و دعای واقعی فرق است. تا دل انسان با زبان هماهنگی نداشته باشد، دعا واقعی نیست. پس از این گفته شهید مطهری این استنباط می‌شود که دعا باید از صمیم قلب و ته دل و طلب نیاز از درگاه احدیت باشد، و گرنه هر روز بعد از نماز تنها از سر عادت عباراتی را گفتند، هر چند لازم است، اما چون از طلب نیاز بر نخیزد بر دل نیز ننشیند.<sup>۷</sup>

۲- ایمان به یقین: ایمان به رحمت ذات احدیت، ایمان به اینکه از ناحیه او هیچ منعی از فیض نیست، ایمان داشته باشد که در رحمت الهی هیچ‌گاه به روی بنده‌ای بسته نمی‌شود. در حدیث است: «اذا دعوت فظن حاجتک بالباب؛ آن‌گاه که دعا می‌کنی حاجت خود را دم در آماده فرض کن.»<sup>۸</sup>

۳- شرط دیگر دعا این است که بر خلاف نظام تکوین یا نظام تشریح نباشد. دعا استمداد و استعانت است برای این که انسان به هدف‌هایی که خلقت و آفرینش و تکوین برای او قرار داده یا تشریح و قانون آسمان الهی که بدرقه تکوین است، معین کرده

در قرآن اغلب آیاتی که به عبارت رتبا مزین شده، بیانگر این واقعیت است که اهل ایمان را ارشاد فرماید تا چه چیزهایی را با چه جملاتی از خداوند تبارک و تعالی طلب کنند. از مسائل مهمی که جزء نیازهای انسان محسوب می‌شود، دعا و نیایش است و درست مثل خداجویی از فطرت و ضمیر آدمی نشأت می‌گیرد. وقتی سیر و سیاحتی به این کرهٔ خاکی می‌کنیم و با ملت‌های مختلف و ادیان گوناگون و سنن و رسوم متفاوت آن‌ها روبرو می‌شویم، می‌بینیم که هر کدام برای خود اواراد، اذکار و دعا‌های مخصوصی دارند و هیچ‌جا جای دنیارانی می‌یابیم که مردمش از دعا جدا و بی‌نیاز باشند. حتی آنها که بت می‌پرستند در معابدشان با تمام قد به خاک می‌افتند و دعا می‌خوانند.

بنابر این دعا جزء نکات جدی و فطری ماست، ولی جای این گفتگو هست که مسیر صحیح دعا کدام است؟ قبل از پرداختن به شرایط استجاب دعا از دیدگاه شهید مطهری ابتدا لازم است، توضیحی هر چند مختصر در مورد واژه دعا در لغت و اصلاح ارائه شود و سپس به اصل موضوع بپردازیم.

واژه دعا به معنای ندا، خواندن، او را صدا زدن، به سوی او تمایل نمودن، حاجت خواستن و استمداد است<sup>۱</sup> و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است. دعا در اصطلاح: خواستن حاجت از خداوند متعال است، این واژه و مشتقات آن سیزده بار در قرآن کریم آمده است. چون دعا نیز نوعی عبادت است لذا مانند دیگر عبادات دارای شرائطی است که بار عایت آنها به خداوند متعال تقرب می‌جوئیم و در خواست مامور استجاب قرار می‌گیرد. قرآن در مورد دعا این‌گونه می‌گوید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»<sup>۲</sup>، یعنی مرا بخوانید تا خواسته‌هایتان را اجابت کنم و برآورده‌نمایم، همانا کسانی که از عبادت من سر باز می‌زنند و سرکشی می‌کنند به زودی با ذلت و خواری وارد دوزخ می‌شوند.

شهید مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام و آزادی معنوی روح عبادت را تذکر و یاد پروردگار می‌داند و می‌نویسد روح عبادت تذکر است، یعنی یاد خدا بودن و از غفلت خدا خارج شدن. عبادت که برای تذکر است در اسلام به عنوان فریضه و نافله، زیاد توصیه شده است. اسلام با موجباتی که روح عبادت یعنی تذکر را از میان می‌برد و غفلت ایجاد می‌کند مبارزه کرده است.<sup>۴</sup> یاد جای دیگر می‌نویسد: روح عبادت این است که انسان وقتی که عبادت می‌کند، نماز می‌خواند، دعایی می‌کند و هر عملی که انجام می‌دهد، دلش به یاد خدای خودش زنده باشد: «واقم الصلوه لذكری». قرآن می‌گوید نماز را بپا بدار، برای چه؟ برای اینکه به یاد من باشی.<sup>۵</sup>

ایشان تأثیر عبادت و نیایش در تعلیم و تربیت را حیاتی می‌داند و می‌گوید: اگر انسان علاقه‌مند به تربیت خودش و فرزندان‌ش به تربیت اسلامی است یا می‌خواهد افرادی را تربیت کند، واقعا



روح عبادت این است که انسان وقتی که عبادت می‌کند، نماز می‌خواند، دعایی می‌کند و هر عملی که انجام می‌دهد، دلش به یاد خدای خودش زنده باشد: «واقم الصلوه لذكری». قرآن می‌گوید نماز را بپا بدار، برای چه؟ برای اینکه به یاد من باشی





برسد. دعا اگر بدین صورت باشد شکل یک حاجت طبیعی به خود می‌گیرد و دستگاه خلقت به حکم تعادل و توازن که دارد و هر جا احتیاجی است، فیض و مدد می‌رسد و او را یاری و کمک می‌کند.<sup>۹</sup>

۴- هماهنگی سایر شؤن و ابعاد زندگی با دعا شرط دیگر بر آورده شدن دعا و نیایش است. استاد مطهری این را اینگونه توضیح می‌دهد که دل پاک و صاف باشد، کسب روزی حلال باشد، مظلوم مردم بر گردن نداشته باشد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: هر گاه یکی از شما بخواهد دعایش مستجاب شود کار و کسب و راه درآمد و روزی خود را پاکیزه کند و خود را از زیر بار مظلومهایی که از مردم بر عهده دارد خلاص کند، زیر دعای بنده‌ای که در شکمش مال حرام است، به سوی خدا بالا برده نمی‌شود.<sup>۱۰</sup>

۵- شرط پنجم آن است که حالتی که بالفعل دارد و آرزو دارد آن حالت تغییر و حالت بهتری پیدا کند، نتیجه کوتاهی و تقصیر در وظایف نباشد. یا حالتی که دارد و دعا می‌کند، آن حالت عوض شود، عقوبت و نتیجه تقصیرات و گناهان او نباشد. در روایت از امام علی علیه السلام در پاسخ به مردی که گفت دعای ما به اجابت نمی‌رسد، فرمودند: چگونه دعایتان به اجابت برسد، در حالی که راه‌های آن را مسدود ساخته‌اید! اعمالتان را اصلاح کنید، درونتان را خالص گردانید، امر به معروف و نهی از منکر کنید، آن‌گاه خداوند دعایتان را به اجابت می‌رساند.<sup>۱۱</sup>

۶- دعا واقعا باید مظهر حاجت باشد. در موردی باشد که انسان دسترسی به مطلوب ندارد. عاجز و ناتوان است، اما اگر خداوند کلید حاجتی را به دست خود انسان داده‌و او کفران نعمت می‌کند و از به کار آن کلید مضایقه دارد و از خدا می‌خواهد آن دری را که کلیدش در دست دعا کننده است، به روی او باز کند و زحمت به کار بردن کلید را از دوش او بردارد، البته چنین دعایی قابل استجاب نیست. به عبارت دیگر دعا نباید جانشین فعالیت گردد. پیشوایان دین فرموده‌اند: «خمس لا استجاب لهم» یعنی پنج دسته‌اند که دعای آنان مستجاب نمی‌شود، که یکی از آنان کسی است که در خانه‌اش نشسته، کار و کسب رارها کرده و پیوسته می‌گوید «اللهم ارزقنی».<sup>۱۲</sup>

۷- شرط دیگر مصلحت بودن دعا است. چه بسا کسی چیزی را از خدا بخواهد که به مصلحتش نیست و چون خداوند متعال در بجه رحمتش همیشه باز است و به انسان‌ها لطف دارد، قطعا مصلحت بنده خود را می‌خواهد و لذا اگر در حالی که مطلب در خواستی، به مصلحت سؤال کننده نباشد و به اجابت برسد، قطعاً قبیح است و خداوند از هر قبیحی منزّه است یا اینکه ممکن است مطلب در خواستی غیر ممکن باشد یا دارای مفسده‌ای برای در خواست کننده باشد.<sup>۱۳</sup>

۸- حضور قلب در حال عبادت و دعا، امام سجاد مشغول عبادت

بود. یکی از بچه‌های امام از پشت بام افتاد، دستش شکست. زن‌ها آمدند و فریاد کردند که دست بچه شکست، برویم شکسته بند بیاریم. شکسته بند آوردند، دست بچه را بستند. بچه گریه کرد، زن‌ها ناله کردند، افراد دیگر داد و قال کردند، تمام شد. قضیه گذشت. امام بعد از آنکه از عبادت فارغ شد، در حیاط آمد، چشمش به بچه‌اش افتاد، دید دست او را بسته‌اند. فرمود چطور شده است؟ گفتند: بچه‌اش بام افتاد، دستش شکست، شکسته بند آوردیم، دست او را بستیم، در وقتی که شما مشغول نماز و عبادت بودید. امام قسم خورد که اصلا من متوجه نشدم.<sup>۱۴</sup>

۹- از شرایط دیگر دعا می‌توان به ذکر صلوات، دانستن جهت و روش دعا کردن و شناخت اشاره کرد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. فرهنگ المعانی [www.islamquest.net](http://www.islamquest.net)
۲. غافر: ۶۰.
۳. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۲۶.
۴. مطهری، آزادی معنوی، صص ۴۲ و ۴۱.
۵. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۲۷.
۶. مطهری، بیست گفتار، ص ۲۲۹.
۷. همان، ص ۲۳۹.
۸. همان، ص ۲۴۱.
۹. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۷۷؛ مطهری، بیست گفتار، ص ۲۴۱.
۱۰. [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)؛ مطهری، بیست گفتار، ص ۲۴۲.
۱۱. همان، ص ۲۴۳.
۱۲. مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۱۷، ص ۴.
۱۳. مطهری، آزادی معنوی، ص ۴۸.

## خانه سالمندان

مرتضی اسلامی

تغییراتی که در الگوی سنی جمعیت ایران در چهار دهه گذشته رخ داده است، نشان می‌دهد جمعیت سالمندان کشور به سرعت در حال رشد است و این در حالی است که این میزان رشد جمعیت سالمند در کشورهای پیشرفته، طی صد تا دو بیست سال اتفاق می‌افتد.

متأسفانه در کنار این رشد جمعیت، بی‌توجهی به خواسته‌های سالمندان و ارائه ندادن خدمات کافی به آنان، این قشر را دچار مشکلات فراوان فردی، خانوادگی و اجتماعی کرده است.

این برکات و نعمات الهی را می‌توان در هر کوجه و محله مشاهده کرد که بعضاً به دلیل بازنشسته شدن و بیکاری دچار افسردگی و در پی آن بیماری‌های جسمی شده‌اند و در گوشه و کنار پارک‌ها و کوچه‌ها به استراحت مشغول هستند. از طرف دیگر، برخی با این قشر بی‌مهری و بدرفتاری می‌کنند و بعضی خانواده‌ها آنها را طرد کرده و راهی خانه سالمندان می‌کنند.

وجود پتانسیل عظیم مساجد می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. این مرکز مهم دینی می‌تواند محلی برای حضور این گونه افراد باشد و مساجد به خانه‌ای برای سالمندان تبدیل شوند؛ خانه‌ای که از آنها حمایت معنوی و روحی و روانی می‌کند. دعوت از برخی متخصصان روان‌پزشکی در برخی از روزها جهت حضور در جمع این افراد و ارائه راهکارهای رفتارها درمانی، به تقویت روحیه آنها کمک خواهد کرد. تشکیل جمع‌های روزانه و دوستانه برای این افراد، محیطی امن را برای آنها فراهم می‌آورد تا بتوانند در کنار دیگر دوستان خود ساعاتی را بگذرانند و از تجربیات آنها در عرصه‌های مختلف بهره ببرند.

همچنین می‌توان برنامه‌هایی را برای خانواده‌ها در نظر گرفت و به آنها شبیه بر خورد صحیح با بازنشستگان و کهنسالان را آموزش داد. چنانچه فرد مسن طرد شود و مورد بی‌مهری و کم توجهی قرار گیرد، احساس ناامنی، اضطراب و حقارت خواهد کرد و اگر از او حمایت افراطی شود و همه‌جا همراه او باشیم، احساس اتکا و وابستگی در وجودشان تشدید خواهد شد؛ بنابراین باید به جوانان آموزش داد که با افراد پیر چگونه برخورد کنند.

محراب پرونده مسجد

## فرصت‌بندی

بایسته‌های برنامه ریزی برای اعتکاف

محسن گلپایگانی

اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. برنامه‌ریزی برای اعتکاف در دو محور اساسی جای دارد:

۱- برنامه‌ریزی سخت‌افزاری (تدارکاتی): تدارکاتی که برای معتکفین در نظر گرفته می‌شود، باید با توجه به شرایط اعتکاف و معتکفین باشد. این تدارکات عبارتند از:

الف: تهیه سحر و افطار مناسب: به این معنا که نه بسیار پرزرق و برق و سنگین باشد که نشاط عبادت را از معتکفین بگیرد و نه آنچنان زاهدانه باشد که انرژی و توان کامل معتکفین را تأمین ننماید.

ب: تأمین امکانات بهداشتی: اعم از سرویس‌های بهداشتی و حمام کافی و مناسب (برای غسل‌های واجب و مستحبی معتکفین)، مکانی برای شستشوی ظروف و لباس، حضور پزشک، نیروهای هلال احمر یا در دسترس بودن امکانات بهداشتی و پزشکی مانند جعبه کمک‌های اولیه و مانند آن.

ج: تهیه و تأمین امکانات رفاهی متناسب با هر فصل از سال: به عنوان مثال در فصل زمستان امکانات گرمایشی و پوششی مناسب (مانند پتو، روانداز مناسب و مانند آن) برای معتکفین تدارک دیده شود.

د: تأمین امکانات فرهنگی-عبادی: مانند تهیه رساله عملیه تمامی مراجع و در دسترس قرار دادن آنها برای معتکفین، تنظیم و تهیه بروشورها و کتاب‌هایی که مسائل مربوط به اعمال، احکام و معارف بلند

اعتکاف از جمله عبادات مستحبی است که به قصد جلای زنگارهای جان و رسیدن به قرب الهی و معنویت، به آن تأکید شده است و پیامبر گرامی اسلام و اولیای دین و علمای بزرگ به انجام این عمل عبادی سفارش کرده و خود نیز بر آن مداومت داشته‌اند.

خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و توجه همگانی به ابعاد روحی و معنوی اسلام، اعتکاف ماه رجب و در برخی مواقع ماه رمضان به صورت گروهی در بسیاری از مساجد کشور برگزار می‌گردد و جوانان جوای معنویت ناب اسلامی مشتاقانه در آن شرکت می‌کنند.

از این جهت، اعتکاف فرصتی بسیار مناسب برای خودسازی فردی و اجتماعی جوانان است. اما همه فرصت‌ها در درون خود تهدیدهایی هم دارند: اعتکاف جای عبادت است؛ تماس خوب با معتکفین، ارتباط دوستانه و برادرانه، فراگیری از آنها، تعلیم‌دهی به آنها، معاشرت اسلامی را تجربه کردن و آموختن؛ فرصتهایی است که در اعتکاف پیش روی مسؤولین و برگزارکنندگان

اعتکاف قرار دارد. برای دوری از آسیب‌ها و تهدیدات باید برای اعتکاف برنامه‌ریزی جامع و مانعی صورت گیرد، چه آنکه در صورت عدم برنامه‌ریزی درست، این جمع جوان مشتاق معنویت که برای اعتکاف وارد مساجد شده‌اند، هدر خواهند رفت. برنامه‌ریزی باید هوشمندانه و با توجه به معنای اعتکاف باشد. پس از برنامه‌ریزی صحیح، اجرا و نظارت بر اجرای مراسم نیز از

تماس خوب با معتکفین،  
ارتباط دوستانه و  
برادرانه، فراگیری از  
آنها، تعلیم‌دهی به آنها،  
معاشرت اسلامی را  
تجربه کردن و آموختن؛  
فرصتهایی است که  
در اعتکاف پیش روی  
مسؤولین و برگزارکنندگان  
اعتکاف قرار دارد

## پیامک اعتکاف

مرتضی اسلامی

نزدیک به هفتاد تا هشتاد درصد از معتکفان را جوانان زیر سی سال تشکیل می‌دهند. این حضور پیامی دارد که باید مورد توجه مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و تربیتی قرار گیرد.

حال و هوایی که در این چند روز در شهرها حاکم است، موجی از آرامش اجتماعی را با خود به ارمغان می‌آورد که همه از آن استفاده می‌کنند. با یک برنامه‌ریزی صحیح می‌توان یاد و خاطره و آثار اعتکاف را در طول سال سرایت داد.

اگر بتوان اعتکاف را به شکل صحیحی برگزار کرد، به گونه‌ای که در پایان آن به اهداف کوتاه‌مدت خود برسیم، می‌توان با تداوم این ارتباط بین مسجد و معتکف، این اهداف کوتاه‌مدت را به اهداف بلندمدت تبدیل کرد. استفاده از وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی و رساندن پیام‌های مناسبی و یادآوری برخی نکات اخلاقی که در اعتکاف به آن پرداخته می‌شود، می‌تواند ذهن مخاطب را درگیر نماید.

با تقسیم‌بندی مخاطبان با توجه به سن و جنس آنها، می‌توان برنامه‌هایی را ترتیب داد و در مناسبت‌های مختلف به شکل برنامه‌ریزی شده آنها را برای حضور در یک برنامه و مراسم دعوت کرد و دایره این ارتباط را تنگ‌تر ساخت؛ به شکلی که خود مخاطب خواستار حضور در برنامه‌های مسجد شود.

می‌توان از معتکفان خواست که خاطرات خود از اعتکاف را یادداشت کنند تا آنها را در فرصت‌های مختلف مطالعه نمایند. همچنین خاطرات خود را برای دیگر دوستان خود ارسال یا بازگویی کنند. با جمع‌آوری خاطرات اعتکاف می‌توان از آنها برای برنامه‌ریزی اعتکاف‌های آینده نیز بهره‌برد و آنها را در برنامه‌های مختلف لحاظ کرد.



ب: پرهیز از علم‌زدگی: در برخی اعتکاف‌ها دیده شده است که در برنامه‌ریزی‌ها، بیشتر به جهات علمی می‌پردازند و برنامه‌های عبادی، خیلی کم رنگ است و اعتکاف، بیشتر به یک همایش علمی شبیه است تا یک مراسم عبادی؛ در حالی که در عین این که باید از فرصت‌ها استفاده کرد و سطح بینش‌ها را ارتقاء داد و علم‌آموزی را هم نوعی عبادت دانس. اما با همه اینها باید صبغه و ظهور برنامه‌های عبادی بیشتر باشد.

ج: حضور مبلغ و مبلغه‌های دینی در بین معتکفین و پاسخ‌گویی آنان به مسائل شرعی، اعتقادی و اخلاقی آنان.

د: برگزاری جلسات انس با قرآن با دعوت از قاریان و حافظان سطح عالی استانی و یا کشوری.

ه: برگزاری مسابقات علمی-فرهنگی مانند خاطره‌نویسی از اعتکاف، حفظ قرآن و برخی ادعیه و...

و: حضور نخبگان و سخنرانان برجسته در مساجد و در میان معتکفین و هم‌نشینی و هم‌صحبتی آنان با معتکفین که از این راه علم و تجربه

این شخصیت‌ها به معتکفین منتقل شده و باعث اثرگذاری بیشتری نیز خواهد انجامید.

ز: رعایت دقیق حق الناس: به این معنا که با وجود تمامی برنامه‌های جمعی و لزوم پرداختن به آنها، به جنبه‌های فردی و خلوت‌گزینی معتکفین توجه شود و برنامه‌های گروهی مخمل عبادت و خلوت آنان نگردد.

اعتکاف را با قلمی ساده و روان بیان نموده است، تأمین کتب مورد نیاز برای مطالعه، تأمین قرآن، کتب دعا، مهر، تسبیح و...

ه: پرهیز از پذیرش معتکفین بیش از گنجایش و ظرفیت مساجد به این معنا که اعتکاف محلی برای خلوت و عبادت معتکفین است و جمعیت زیاد و بیش از ظرفیت مسجد به این امر آسیب می‌رساند. همچنین در ارائه خدمات رفاهی و بهداشتی به معتکفین مشکلات زیادی ایجاد خواهد شد.

و: تأمین مسائل امنیتی به وسیله حضور نیروهای انتظامی البته در برخی مناطق خاص کشور.

۲- برنامه‌ریزی نرم‌افزاری (فرهنگی-عبادی):

الف: برنامه‌ریزی متعادل: در برخی اعتکاف‌ها برگزارکنندگان، هیچ برنامه منظمی برای ساعات مختلف اعتکاف ندارند و معتکفان را به حال خود رها کرده و فقط به جمع شدن آنها در کنار هم اکتفا نموده‌اند. این امر، موجب خستگی و ملالت افراد می‌شود و بهره‌آفران از اعتکاف به حداقل می‌رساند. از طرفی در برخی اعتکاف‌ها

هم برنامه‌هایی متعدد و مترکم و پر حجم تنظیم شده، که باعث نوع دیگری از خستگی و دل‌زدگی می‌شوند، در حالی که شایسته است برنامه‌های معتدل، منظم، متنوع و متناسب با معتکفان برای اعتکاف تنظیم شود که هم برنامه‌های عبادی و هم برنامه‌های علمی و فرهنگی و هم استراحت و نشستی صمیمانه و... به اندازه کافی در آن دیده شود.

**رعایت دقیق حق الناس:**  
به این معنا که با وجود تمامی برنامه‌های جمعی و لزوم پرداختن به جنبه‌های فردی و خلوت‌گزینی معتکفین توجه شود و برنامه‌های گروهی مخمل عبادت و خلوت آنان نگردد.

## سلامت اعتکاف

مرتضی اسلامی

هر چند که مساجد در مناسبت‌های مختلف پذیرای مردم هستند، اما فقط یک بار در سال، آن‌هم برای برخی از مساجد پیش می‌آید که سه شبانه‌روز به صورت هتلینگ در خدمت مردم باشند. آنچه در این ایام ضروری به نظر می‌رسد، رعایت نکات و اصول بهداشتی است؛ زیرا ضامن سلامتی معتکفان و بهداشت مسجد خواهد بود. این موضوع را در موارد مختلفی چون فضای اختصاصی برای هر فرد، نظافت فرش‌ها، سرویس بهداشتی، حمام، بهداشت آب و غذا، بهداشت آشپزخانه می‌توان ارزیابی و بررسی کرد.

جهت جلوگیری از بروز بیماری‌های منتقله از آب و غذا، به ویژه بیماری‌های روده‌ای، پخت و پز و سرو غذا باید در محل‌هایی صورت پذیرد که دارای حداقل شرایط بهداشتی از قبیل دیوار و کف قابل شستشو، دفع صحیح فاضلاب، سقف سالم و تهویه مناسب باشد. پخت و توزیع غذا باید بر عهده افرادی باشد که بهداشت فردی نظیر کوتاه کردن مو و ناخن، پوشیدن روپوش و دستکش یکبار مصرف و مواردی از این قبیل را رعایت می‌کنند. اگر در توزیع آب، چای و مواد غذایی از ظرف‌های چندبار مصرف استفاده می‌شود، باید به صورت مرتب شستشو و ضدعفونی گردد. آب شرب و پخت و پز حتماً از آب شبکه شهری باشد و برای توزیع آب و شربت در بین معتکفان، از ظروف دهان‌تنگ یا مخازن شیردار با لیوان یک‌بار مصرف استفاده شود. در صورت استفاده از ظروف یک‌بار مصرف در توزیع مواد غذایی گرم و چای، الزاماً از ظروف گیاهی (بر پایه نشاسته ذرت) استفاده شود.



محراب ◀ پرونده مسجد



## خاطره اعتکاف

آنچه در برنامه ریزی اعتکاف باید باشد

روح الله میرنسب

محدودیت‌های زیادی دارند، اما وقتی که بنا شد مردم برای انجام برنامه‌ای مثل اعتکاف به مسجد دعوت شوند، باید به یک سری اصول و موازین پایبند بود. برنامه ریزی باید به گونه‌ای باشد که زمینه و بهانه بروز خطا از بعضی افراد گرفته شود. برخی از این موارد از این قرارند:

### ۱. پرهیز از شلوغی

خوشبختانه در سال‌های اخیر استقبال عمومی از اعتکاف بسیار چشمگیر بوده و هر ساله آمار آن رو به افزایش است. این استقبال به دلیل احساس نیاز جامعه، به خصوص جوانان، به حضور در یک مراسم معنوی است. هر چند که این شور و شوق ارزشمند است، نباید فراموش کرد که هر مسجد، فضای محدودی دارد و با توجه به فضایی که برای معتکفان در نظر گرفته شده است، باید از متقاضیان ثبت‌نام کرد.

ویژگی اعتکاف در این است که چند روز در مسجد بتوان خلوت کرد و با خدای خود مشغول راز و نیاز بود. شلوغی بیش از حد مسجد این امکان را از معتکفان خواهد گرفت و خلوت آنها بر هم می‌زند.

هنوز اعتکاف سال گذشته از یاد من زنده است. درست است که مسجد، کوچک بود و امکانات خوبی هم نداشت، اما برای من که برای بار اول در اعتکاف شرکت می‌کردم، بسیار جالب و خاطره‌انگیز بود. وقتی به مناجات‌ها و اعمال اعتکاف فکر می‌کنم، دلم برای آن حال و هوا تنگ می‌شود. نمازهای مستحبی، اعمال ام‌داوود، طلب عفو و بخشش از خدادر سجده‌های طولانی، حتی استراحت کردن و خوابیدن آن ایام در خاطر من مانده است. هر چند که پذیرایی مفصل نبود، ولی توانستم با دوستان خوبی هم‌سفره شوم و به یاد نعمت‌هایی که خدا به من داده بود، شکر گزار باشم. امسال هم تصمیم گرفتم که برای اعتکاف ثبت‌نام کنم.

با تمام برکات معنوی و اخلاقی اعتکاف در حوزه فردی و اجتماعی، با توجه به اینکه بیشتر مخاطبان آن از قشر جوان جامعه هستند، عدم توجه به برخی نکات در برنامه ریزی اعتکاف می‌تواند آسیب‌زا باشد و ذهن آنها را نسبت به برگزاری چنین برنامه‌های عبادی مخدوش کند. هر چند که همه مساجد دارای امکانات یکسان نیستند و بسیاری از آنها از نظر منابع مالی

## ماه توبه

ما که بچه بودیم، در منزل خود ما-من از هفت و هشت سالگی کاملاً یادم هست- اصلاً اینکه ماه رجب دارد می آید مشخص بود. می گفتند: یک هفته به ماه رجب مانده، سه روز مانده، امشب احتمالاً شب اول ماه رجب است... مرحوم ابوی ما و مرحوم والده ما غیر از اول و آخر ماه رجب و غیر از ایام البیض، پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها روزه بودند و بلکه مرحوم ابوی ما در بعضی از سال‌ها دو ماه رجب و شعبان را پیوسته روزه می گرفتند و به ماه مبارک رمضان متصل می کردند. اصلاً این ماه، ماه استغفار و توبه و عبادت است.

### پی نوشت

۱. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۸، ص ۲۳۳.



### ۲. پرهیز از تجمل‌گرایی

جوانان برای انجام برنامه‌هایی مثل اعتکاف نیاز به تشویق دارند؛ اما نباید تشویق‌ها به گونه‌ای باشد که برای انجام آن شرطی شوند. نوع پذیرایی در بعضی مساجد به گونه‌ای است که برای برخی‌ها سرو غذا مهم‌تر از سایر برنامه‌های اعتکاف است. همچنین تهیه هدیه‌های آن‌چنانی برای معتکفان که در آخرین روز به آنها تقدیم می‌شود، کار را برای مساجدی که محدودیت منابع مالی دارند، سخت می‌کند و مساجد را به ورطه چشم و هم‌چشمی می‌اندازد.

### ۳. تعادل برنامه‌ها

نوع برنامه‌هایی که برای سه روز اعتکاف در نظر گرفته می‌شود، باید متعادل و همه‌جانبه باشد. در برنامه‌ها باید سن و جنس و حالات روحی و جسمی مخاطبان را مد نظر قرار داد. برنامه‌های علمی یا عبادی از جهت محتوایی یا ساعاتی که برای آن در نظر گرفته می‌شود و مدت زمان اجرای هر برنامه، باید متناسب با مخاطبان باشد. از طرف دیگر در برنامه‌ها تفریط نیز نباید صورت گیرد؛ به گونه‌ای که بیشتر وقت معتکفان بیهوده صرف شود و اجتماع آنان به گنده‌های شبانه و روزانه تبدیل گردد.

### ۴. نظارت بر مخاطب

اعتکاف فرصتی برای انس با خداوند و پرورش جسم و جان است. معتکف به دنبال کسب سعادت و کمال، در آسمان عبادت و بندگی به پرواز درمی‌آید تا زنگار غفلت را از روان خود بزاید و روح و روان خویش را صیقل دهد. اما در این بین هستند کسانی که با نیت غیر عبادی و به جهت مطامع خود در اعتکاف حضور می‌یابند.

نظارت غیر محسوس بر افراد و شناسایی این گونه اشخاص در برگزاری یک اعتکاف سالم تأثیر دارد. شناسایی این افراد دلیل بر رد و اخراج آنها از مراسم نیست؛ بلکه برای این است که بتوان با برنامه مناسب و مراقبت بیشتر از آنها این حضور را به یک فرصت برای تغییر و ورود به مسیر درست تبدیل کرد.

رعایت این موارد و موارد بسیاری دیگر که قطعاً به ذهن بر گزار کنندگان خواهد رسید، می‌تواند اعتکاف را خاطره‌انگیز سازد و آن را در ذهن جوانان ماندگار کند. برای اینکه بتوان به طور صحیح برنامه‌ریزی کرد، بهتر است ابتدا از مشاوران قابل اعتماد بهره برد؛ کسانی که هم به جامعه‌شناسی افراد آشنا هستند و هم می‌توانند در حوزه روان‌شناسی به مراسم اعتکاف یاری رسانند.



## اعتکاف صنفی

تفاوت‌های اعتکاف همگانی با اعتکاف صنفی

مرتضی قضایی

ابن مهران گوید: با امام حسن بن علی (علیه السلام) در مسجد و در حال اعتکاف نشسته بودیم. مردی خدمت آن حضرت آمد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا! فلان شخص مالی از من طلب دارد و می‌خواهد مرا به سبب عدم پرداخت آن زندانی کند. امام حسن (علیه السلام) فرمودند:

سوگند به خدا مالی ندارم تا بدهی تو را بپردازم. آن شخص گفت: پس با طلبکارم صحبت کنید (تا مهلت دهد). امام آماده حرکت شدند. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا فراموش کرده‌اید که در حال اعتکاف به سر می‌برید؟ (و نباید از مسجد خارج شوید؟) حضرت فرمودند: فراموش نکرده‌ام؛ اما شنیده‌ام از پدرم که از جدم رسول الله (صلی الله علیه و آله) روایت می‌کرد: «هر کس برای برآورده شدن حاجت برادر مسلمانش تلاش کند، گویا نه هزار سال روزها را روزه گرفته و شب‌ها را به عبادت سپری کرده است»<sup>۱</sup>.

اعتکاف جای عبادت است؛ البته عبادت فقط هم نماز خواندن نیست، تماس خوب با معتکفین، ارتباط دوستانه و برادرانه، فراگیری از آنها، تعلیم‌دهی به آنها، معاشرت اسلامی را تجربه کردن و آموختن، همهٔ اینها فرصت‌هایی است که در اعتکاف ممکن است پیش بیاید.<sup>۲</sup>

برای بیان ماهیت و حقیقت اعتکاف می‌توان از واژگانی مثل خلوت‌گزینی، عزلت، توجه به معبود واقعی، تمرین عبودیت، فاصله گرفتن از کثرت، دوری جستن از امور دنیایی و «آرایش

دل‌های بی‌زیور و آرام شدن دل‌های ناآرام»<sup>۳</sup> بهره جست.

اهمیت اعتکاف و جایگاه آن در مسیر الهی پرواضح است؛ با این حال این عبادت ویژه، آسیب‌هایی دارد که باید به آنها توجه نمود و این سنت الهی را از مواجهه با آن بر حذر داشت.

یکی از لوازم کارهای سازمانی

و گروهی کانالیزه و تخصصی کردن مخاطبان است که هر سازمانی برای پیشبرد اهداف کلان خود، از همان مخاطبان خاص با برنامه‌هایی ویژه استفاده می‌کند. اما تعمیم روش «ممیزی مخاطبان» به عنوان یک اصل در امور دینی، جای تأمل دارد و در مواردی حتی نقص روش «ممیزی مخاطبان» به روشنی مشخص است؛ مثل نماز جماعت و حج که در این دو عبادت گروهی، پیر و جوان و از تمام اصناف در کنار یکدیگر مشغول عبادت می‌شوند و ممیزی در بین مخاطبان دیده نمی‌شود.

مؤلفه‌ای که اعتکاف را از سایر عبادات متمایز می‌سازد، خلوت‌گزینی و عزلت است. با وجود این، با نگاهی گذرا به احکام و شرایط اعتکاف<sup>۴</sup>، به نظر می‌رسد این خلوت و عزلت در کنار مردم و در عین کثرت باید تحقق یابد؛ نه جدای از مردم و در گوشه‌ای به دور از هر گونه تعاملی؛ چرا که در این تعاملات و کثرت‌ها است که انسان به مقام قرب الهی می‌رسد.

در سال‌های اخیر اعتکاف‌های صنفی رواج یافته که شاید بتوان گفت با ماهیت اعتکاف که «خلوت کردن در حضور جمع» است، منافات دارد؛ زیرا در اعتکاف قرار است انسان در مسجدی که اقشار مختلف مردم در آنجا حضور پیدامی‌کنند و اختصاص به محله یا صنف خاصی ندارد، شرکت کند. معتکف قرار است در ایام اعتکاف با خدا خلوت کند

و تفکر نماید و در عین حال با دیگران معاشرت داشته باشد.

نکتهٔ جالب اینکه اعتکاف در مسجد جامع هر شهر فقط به قصد رجاء جایز است؛ چه اینکه فقط در چهار مسجد می‌توان اعتکاف نمود که عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره.<sup>۵</sup>

تعمیم روش «ممیزی مخاطبان» به عنوان یک اصل در امور دینی، جای تأمل دارد و در مواردی حتی نقص روش «ممیزی مخاطبان» به روشنی مشخص است

این تجمع در این مکان‌های خاص نشان و گواهی است بر عدم ممیزی مخاطبان. از سوی دیگر آنجا که فقیه اجازه خروج معتکف - جز برای رفع حاجت - از مسجد را نمی‌دهد، نشان از اهمیت حضور در این مکان در زمان اعتکاف برای معتکف است. با این حال تبصره‌ای وجود دارد که برخی از موارد آن به ایجاد و تثبیت روابط اجتماعی منجر می‌شود: معتکف نباید از مسجد خارج شود مگر برای کارهای ضروری عقلی، شرعی و عرفی، گواهی دادن، عبادت بیمار، تشییع جنازه، همراهی مسافر و استقبال از مسافر.<sup>۶</sup>

این فتوا گواه بر این مطلب است که اسلام خواهان ارتقاء و تعالی فرد است؛ ولی نه به صورت انفرادی. در کنار یکدیگر باید این رشد و نمو صورت گیرد و طی طریق کرد. اسلام همواره خواهان در کنار هم بودن است. این پدیده در انقلاب اسلامی و در هشت سال دفاع مقدس اتفاق افتاد که ثمرات آن بر هیچ کس مخفی نیست و همین گونه است حج و نماز جمعه و نماز جماعت.

از این رو صنف‌بندی‌ها در اعتکاف - به عنوان نمونه اعتکاف دانشجویی - که به حسب ظاهر برای ارتقای سطح اعتکاف است، با «ممیزی مخاطب» و روح حاکم بر اعتکاف و محل آن که محل اجتماع مسلمانان است و شمار بسیاری از نخبگان، فرهیختگان و قشرهای مختلف مردم در آنجا اجتماع می‌کنند، سازگار نیست. این با هم بودن پیر و جوان و بازاری و دانشجو و طلبه و راننده، با توجه به محل اجتماع اعتکاف، یعنی مسجد جامع، موضوعیت دارد. بهره‌مندی از یکدیگر در این ایام از نکات مثبت اعتکاف محسوب می‌شود. اصناف مختلف چند روزی در کنار هم با کمال صلح و دوستی و امنیت و دین‌داری زندگی می‌کنند و این تمرینی است برای بعد از اعتکاف. معتکفی که توانسته در اجتماع کوچک مسجد جامعه در کنار اصناف مختلف زندگی متعالی داشته باشد، حال باید بتواند این زندگی را در جامعه‌ای بزرگ نیز محقق سازد.

### پی‌نوشت

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹.
۲. برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری؛ ۹۳/۲/۱۸.
۳. پیام حضرت آیت‌الله جوادی آملی (حفظه الله) در سال ۱۳۸۵ به دانشجویان معتکف.
۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، خاتمه فی الاعتکاف.
۵. همان.
۶. همان.





# خلوت اجتماعی

اعتکاف و تربیت اجتماعی دینی

یاسر واحدی

اعتکاف در واقع [یعنی] خود را در یک مکان محدود محبوس و ایجاد محدودیت در خود کردن. عکوف یعنی بسته بودن؛ خود را به یک نقطه‌ای منحصر کردن، برای اینکه خلوتی در دل به وجود بیاید که انسان بتواند فرصت ارتباط صمیمی و خالص با خدای عالم را پیدا کند؛ اعتکاف این است؛ یعنی عبادتی است که جنبه ریاضت دارد. خیلی از عبادات همین گونه‌اند؛ جنبه ریاضت دارند. ریاضت‌هایی که انسان با طوع و رغبت بر خود تحمیل می‌کند تا درون خود، معنویت خود و دل خود را ارتقاء ببخشد؛ این از جمله این چنین عبادت‌هایی است. اکنون اعتکاف معمول ما سه روز است - فقها هم در این باره بحث کرده‌اند - منتها ادامه دارد یعنی تا نه روز، ده روز، می‌توانند اعتکاف کنند. پیغمبر اکرم دهه آخر ماه رمضان را اعتکاف می‌کردند، در مسجد می‌رفتند و بیرون نمی‌آمدند و کارها را آنجا انجام می‌دادند. فرصت خوبی است؛ خوشبختانه اقبال مردم به این سنت خیلی بالا است؛ شوق جوان‌ها و عشق جوان‌ها حیرت‌انگیز است.<sup>۱</sup>

حضور در کنار کسانی که با انگیزه واحد در یک مکان دور هم جمع شده‌اند تا به خودسازی مشغول باشند، همیشه دست نمی‌دهد. حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: نشستن یک ساعت در پیش دانشمند دوست‌تر است برای خدا، از عبادت یک سال که هیچ معصیت خدا را نکرده باشد و نگاه کردن به عالم دوست‌تر است برای خدا؛ اعتکاف یک سال در مسجد الحرام و زیارت دانشمند دوست‌تر است برای خدا، از هفتاد حج و عمره و بهتر است از هفتاد مرتبه طواف خانه خدا و خدا برایش هفتاد درجه بلند گرداند و خدا به هر حرفی که از دانشمند می‌آموزد، ثواب هفتاد حج قبول شده در نامه عملش می‌نویسد و بر او رحمتش را فرو می‌فرستد و فرشتگان گواهی دهند که بهشت بر او واجب است.<sup>۲</sup>

در بین مؤلفه‌هایی که برای اعتکاف ذکر شده است مواردی هستند که قابل تأمل است. مثل تأکید بر اینکه اعتکاف در مسجد برگزار شود. فارغ از جنبه‌های معنوی جایگاه مسجد، یکی از مهم‌ترین نکته در باره مسجد این است که مسجد محلی برای حضور آحاد مختلف مردم و مکان گردهمایی مسلمانان است. درست است که اعتکاف یک عبادت فردی و فرصتی برای خلوت کردن است، اما این خلوت باید در مسجد و در کنار سایرین اتفاق بیفتد. باید این خلوت را با دیگران نیز تقسیم کرد و همه بتوانند به یکدیگر کمک کنند تا بتوانند یک محیط امن عبادت را برای یکدیگر فراهم بیاورند و این به تمرین نیاز دارد. تمرین کمک به پیشرفت یکدیگر، کمک به ایجاد محیطی امن برای یکدیگر، کمک به این که هر کدام از ما در قبال دیگری به نوعی مسئول هستیم و در جهت ایجاد آرامش درونی برای

یکدیگر باید تلاش کنیم.

یکی دیگر از مؤلفه‌های اعتکاف این است که اعتکاف باید در مسجد جامع باشد. مسجد جامع یعنی مسجدی که محل رفت و آمد عموم مردم باشد و سه نوبت نماز در آن برگزار می‌شود. درست است که در این ایام خود را در مسجد محصور و محدود می‌کنیم، اما نباید فراموش کرد که این مکانی است که در آن همه اقشار جامعه حضور دارند، مردم در ساعات مختلف جهت انجام فرایض و عبادات خود در آن حاضر می‌شوند. این فرصت را نمی‌توان به راحتی از دست داد. فرصت یادگیری مهارت روابط اجتماعی، این که بدانی هر کدام از این افرادی که در مسجد حضور دارند، دارای مشاغل مختلف، روحیات مختلف و فرهنگ‌های مختلف هستند.

اعتکاف فرصتی برای تربیت فردی و اجتماعی است. از این خلوت سه روزه باید استفاده کرد و رابطه خود را با خالق یکتا ارتقاء داد. اعتکاف فرصتی است برای اینکه نگاهی به روابط درونی خود با اطرافیان داشت، رابطه با خانواده و والدین و فرزندان. اصلاح این روابط منجر به اصلاح رابطه با خداوند خواهد شد. از این خلوت فردی باید استفاده کرد و خود را آماده حضور مؤثر در جامعه کرد.

این خلوت نباید مانع از این شود که از رفیق و همسایه خود بی‌خبر بود. در این خلوت باید نیم‌نگاهی هم به کسانی داشت که در ضیافت در کنار و همراه ما هستند. باید یاد گرفت که چگونه با دوستان خود رابطه داشت. کاری نکرد که موجب ظلم بر دیگری شود. برنامه‌ریزی‌ها باید به گونه‌ای باشد که از کسی حقی ضایع نشود. توانایی‌های همراهان خود را باید در نظر داشت. مشکلات جسمی و روحی آنها را باید در نظر داشت و برای رسیدن به خدا کسی را پله خود قرار نداد.

به طور معمول خانواده هر کسی نیازهایی دارد که با دیگری متفاوت است. اعتکاف و دوری از خانواده در این ایام نباید موجب ظلم بر خانواده باشد و قبل حضور در اعتکاف باید نیازهای خانواده را برآورده کرد، البته به شرطی که تأمین برخی نیازها نیازمند حضور در خانه نباشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ عِتْكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا»<sup>۳</sup> نشستن مرد نزد زن و فرزندش، نزد خداوند متعال محبوب‌تر است از اعتکاف در این مسجد من.<sup>۴</sup>

## پی‌نوشت

۱. بیانات دردیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سؤمین جشنواره‌ی سراسری علمی فرهنگی اعتکاف.
۲. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ترجمه رضایی، ج ۱، ص ۳۹۴.
۳. ابی‌العسین ورام، تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲. محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۲۵۴.



# اتاق فکر اعتکاف

به کوشش سعید قیاضی

همه زمان‌ها و مکانها را نمی‌توان از لحاظ ارزش، برابر دانست. مثل ماه رمضان، شب قدر، حرم ائمه (ع)، مسجد و... یکی از زمان‌هایی که در روایات مورد توجه قرار گرفته، ماه رجب است. رجب، ماه سلوک و عبادت است. در این ماه، که هنگامه تحول است، عاکفان کوی دوست، با حضور در صحن و سرای دوست، پله‌های سلوک را پیموده و پله پله به خدانزد یکتر می‌شوند.

فلسفه اعتکاف چیست؟

آیا اعتکاف یک آیین اسلامی است و یا در ادیان گذشته هم وجود داشته است؟ چرا در اعتکاف بیشتر اعمال فردی است در صورتی در اسلام همیشه به جمع و همگرایی اشاره دارد؟

اسلام با ریاضت و رهبانیت مخالف است، فرق اعتکاف که به نوعی ریاضت کشیدن است با برنامه‌های ریاضتی مرتاض هادر چیست؟  
قشر جوان را چگونه به اعتکاف دعوت و علاقمند کنیم و برای نگه داشتن حال و هوای معنوی اعتکاف در بعد از ایام اعتکاف چه باید کرد؟

اعتکاف که جدا شدن از من است. اعتکاف یعنی اتاق فکر، اعتکاف یعنی بازگشت به خویشستن و کشف کردن خود، اعتکاف یعنی برنامه‌ریزی، اعتکاف یعنی در مردم باش، ولی با مردم نباش. مثل میخ‌هایی که در دیوار هستند، ولی از یکدیگر جدا هستند. اعتکاف یعنی اینکه به مسجد جامع برو، ولی تنها باش. گوشه‌گیری و زهد اسلام در میان جمعیت است.

اما برای نگه داشتن حال و هوای معنوی اعتکاف در بعد از ایام اعتکاف، باید اعمالی را که دین به عنوان جلا دهنده قلب معرفی کرده، با برنامه‌ریزی و پیگیری انجام داد تا دل، زنگار گناه را به خود نگیرد. به نظر ما اولین و مهم‌ترین مسئله، انتخاب یک همراه خوب است. همراه خوب می‌تواند به استمرار «بیداری» کمک کند. زیباترین متاع اعتکاف بیدار شدن ما از خواب غفلت است. یقیناً بیداری ما ادامه پیدا می‌کند، در صورتی که همراه خوب و مناسب برگزینیم. پس اولین عامل نگهدارنده بیداری معتکف، دقت در انتخاب کناردستی یا همان رفیق است. مدت زمانی که با همراهمان هستیم، مهم نیست. شاید در یک فرصت کوتاه با او باشیم یا حتی برای یک عمر، همانند همسر. مهم این است که حواسمان باشد خواب‌آلود نباشد.

دومین عامل بیدار ماندن معتکف، تنظیم نور است؛ خدا برای هدایت ما در این عالم نوری گذاشته که تمام ریزه کاری‌های عالم را می‌توان با آن دید. حال باید ببینیم آیا بعد از اعتکاف بنا داریم از این نور در زندگی استفاده کنیم یا باز می‌خواهیم آن را لب طاقچه بگذاریم؟ بعضی از معتکفین، اعتکاف که تمام می‌شود، قرآن را می‌بوسند و کنار می‌گذارند و کمتر سراغ معارف اهل بیت می‌روند. آیا واقعا برای ارتباط مستمر با قرآن و عترت برنامه‌ریزی کرده‌ایم؟ امام رضا (ع) هر سه روز ختم

دیگران، بتوانند با خداوند ارتباط برقرار سازند.

اعتکاف آثار و فواید زیادی را برای معتکف به همراه می‌آورد. خداوند در آیه ۱۸۷ سوره بقره به این امر اشاره دارد که فلسفه اعتکاف، رسیدن به تقوای الهی است و باید با اعتکاف، روحیه تقوا در جامعه احیا شود. نکته بعدی که در اعتکاف باید به آن توجه داشته باشیم، اخلاص است. انسان در اعتکاف از هر چیزی بریده می‌شود و به سمت خداوند می‌رود. این اخلاص برای انسان جایگاه رفیعی را به وجود می‌آورد که در دنیا و آخرت می‌تواند برایش راهگشا باشد. ضمن اینکه تمام برنامه‌های اعتکاف باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که تقوا را در افراد تقویت کند. بدون تقوا تمام برنامه‌ها با بهترین استادان نیز بی‌فایده خواهد بود.

اعتکاف که به نوعی ریاضت کشیدن است، با برنامه‌های ریاضتی مرتاض‌ها فرق دارد. تفاوت در روش‌ها است. یکی الهی و دیگری غیرالهی و شیطانی است. همین فرق در روش‌ها است که به مطلوب منتهی می‌شود. بر خلاف صحبتی که گفته می‌شود هدف وسیله را توجیه می‌کند، وسیله نیز باید الهی باشد تا به معبود برسیم. ریاضت مرتاضان برگشت به منیت است، بر خلاف

**حجت الاسلام احمد نعمتی، مسئول کانون شهید علی خلیلی هستند. ایشان علاوه بر فعالیت‌های حوزوی، سابقه حضور و برگزاری اعتکاف در چندین مسجد و حوزه علمیه در تهران و کرج را دارند.**

اعتکاف در لغت به معنای اقامت کردن و ماندن در جایی و ملازم بودن با چیزی است؛ ولی در شرع، اقامت در مکانی مقدس به منظور تقرب جستن به خداوند متعال است. اعتکاف مخصوص دین اسلام نیست و در ادیان الهی دیگر وجود داشته و در اسلام نیز استمرار یافته است؛ اگر چه ممکن است در شرع مقدس اسلام پاره‌ای از خصوصیات و احکام و شرایط آن تغییر یافته باشد.

اعتکاف بهترین فرصت است برای ره‌شدن از زرق و برق دنیا و رسیدگی به اعمال و رفتار خود و فکر کردن به کارهایی که به تعبیر قرآن کریم، ما آنها را درست و خوب می‌شماریم، در حالی که حقیقت امر چیز دیگری است.

برای بعضی از اعمال در اعتکاف، فرد بودن شرط است و این، خلاف جمع بودن نیست. خدا هیچ وقت دوست ندارد اسرار بنده‌اش فاش شود؛ حتی خداوند نمی‌گذارد بعضی از گناهان را دو ملک مأمور نوشتن اعمال انسان ببینند. چه بسا جنبه فردی اعتکاف به این دلیل باشد که بندگان به راحتی و به دور از



برای بعضی از اعمال در اعتکاف، فرد بودن شرط است و این، خلاف جمع بودن نیست. خدا هیچ وقت دوست ندارد اسرار بنده‌اش فاش شود؛





قرآن داشتند. امام بزرگوار به پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) هر سه روز - البته در ماه رمضان - یک ختم قرآن می کردند. خواندن یک جزء نیم ساعت طول می کشد. ما نمی توانیم نیم ساعت برای نور زندگی مان وقت بگذاریم و نیم ساعت هم معارف گوش دهیم. روزی یک جزء، نشد نیم جزء یا حداقل یک حزب بخوانیم. اگر باز هم نشد، به تعبیر امام حسن عسکری (علیه السلام) پنجاه آیه قرائت کنیم که علامت شیعه بودن است. اگر باور داریم بیدار شدن در این ایام چه لذتی دارد، برای حفظ این بیداری، نور معنوی زندگی را حفظ می کنیم. چنانچه این نور در طاقچه باشد، زندگی مرار و روشن نمی کند. هیچ کس چراغ را در طاقچه نمی گذارد؛ چراغ باید بالای سر ما باشد.

### حجت الاسلام والمسلمین تیمورزاده که تحقیقی علمی در موضوع اعتکاف داشته اند، سؤالات «اعتکافی» ما را این گونه پاسخ دادند:

اعتکاف در لغت از ریشه «عکف» به معنای بازداشتن و مراقبت است. در اصطلاح نیز به ماندن در مسجد طبق شرایط و آداب خاص به قصد قربت گفته می شود. جالب است که در هر یک از این معانی، اهمیت پرداختن به خود و مواظبت از نفس نهفته است.

در امت های قبل، از اعتکاف سخنی به میان نیامده است. آنچه مسلم است اینکه در اسلام که خاتم ادیان و دین کامل است، این آیین مذهبی به صورت کامل تحقق یافته است. در قرآن در سوره مبارکه بقره آیه ۱۲۵، از اعتکاف حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) سخن گفته شده و نیز در آیه ۱۶ سوره مبارکه مریم، به صورت کنایه به اعتکاف حضرت مریم اشاره شده است. درباره بعضی از پیامبران (علیهم السلام) نیز روایاتی وارد شده؛ مثلاً درباره حضرت سلیمان (علیه السلام) آمده که ایشان در بیت المقدس به مدت یک یا دو سال

معتکف بوده است.

مدل تربیتی اسلام مبتنی بر ارتباط افراد با خود، خدا و اجتماع است. فلسفه این نگاه تربیتی متناظر با سه اصل تهذیب، همیاری و تعاون است که فقدان هر یک از این ارتباطات، ضعف فرد یا اجتماع مسلمانان را در پی خواهد داشت. لذا در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «مراجعة مؤمن به مؤمن برای رفع حاجت، رحمتی است که خداوند متعال برایش فرستاده است». به همین دلیل گوشه نشینی که دست از دنیا برداشتن و به وظایف فردی، خانوادگی و اجتماعی توجه نکردن است، مورد نکوهش اسلام قرار گرفته که همان زهد منفی است. زهد و گوشه نشینی که سر بار مردم شدن است، قبیح و مذموم است. نمونه های برخورد با این شیوه از گوشه نشینی را می توان به وفور در سیره حضرات معصومین (علیهم السلام) دید. اعتکاف در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) اگر توأم با خدمت به خلق باشد، اعتکاف و عبادت است؛ تا آنجا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «کسی که یک روز به برادر خویش کمک کند، از اعتکاف یک ماه بهتر است». ریاضت، دوری از جمع و بی خبری از احوال مردمان است؛ اما معتکفان در حین اعتکاف، در میان جمع هستند و توجه به گرفتاری و خدمت به خلق را عبادت می دانند. نقل شده است که امام مجتبی (علیه السلام) جهت کمک به یک فرد گرفتار، اعتکاف را رها کرد. زمانی که مورد سؤال و اعتراض واقع شد، فرمود: پیامبر (ص) فرموده است: «کسی برای برآورده شدن حاجت برادر مسلمانش تلاش کند، گویا نه هزار سال روزها را روزه گرفته و شبها را به عبادت پرداخته است». پاک سازی درون از زدیلت های اخلاقی و آراستگی به فضیلت های اخلاقی، مقدمه حرکت پیامبران برای ساختن جامعه دینی است. چنانچه یک جامعه ایمانی سالم اصلی ترین رکن دفاع و

مقابله را که پاکی نفوس است، داشته باشد، دشمن بیرونی نمی تواند آسیبی وارد نماید. لذا مراسم معنوی مانند شب قدر، اعتکاف و اموری از این قبیل که مایه تطهیر اجتماع است، راه را بر نفوذ آنان در جامعه اسلامی می بندد. البته این را هم باید گفت که این گونه نیست که در زمان اعتکاف چشم و گوش خود را بر اوضاع و احوال کشور ببندیم. محیط معنوی اعتکاف علاوه بر مناجات و دعا، باید محیطی جهت استماع دیدگاه صاحب نظران و مکانی برای بیداری توسط متفکران در آشنا به وجود بیاورد. برای دعوت کردن و علاقه مند کردن قشر جوان به اعتکاف، اولین اقدام این است که با جوان امروز به زبان خودش صحبت کنیم. او را باید از همان راهی دعوت کرد که دیگران می کنند؛ یعنی حالا که عصر ارتباطات است و دوران حاکمیت رسانه های مدرن بر ذهن، ما نیز از تکنولوژی های رسانه ای کمال استفاده را در این موضوع داشته باشیم. مسئله دوم استفاده از استادان خبره در این موضوع است. معنویت در کل و اعتکاف به طور خاص، موضوعی است که باید در طول سال مطرح شود؛ نه اینکه در دقیقه نود و فقط در ایام خاصی بیان گردد. باید برای اعتکاف از قبل و در زمان کافی برنامه ریزی کرد.

موضوع سوم اینکه فطرت انسان و خصوصاً جوانان به پاکیزگی اهمیت می دهند. ما باید بعضی مشکلات رایج در اجرای مراسم اعتکاف را از قبل پیش بینی و آنها را رفع کنیم. مکان اعتکاف باید تمیز و آراسته باشد و سرویس بهداشتی و حمام مناسب از ملزومات اعتکاف است. مکان یابی دقیق و اینکه مکان های اعتکاف در سطح شهر پراکنده باشند و رعایت مسائلی از این دست، موجب اجرای درست برنامه های مذهبی و به دنبال آن، جذب و جلب جوانان به این برنامه ها می شود.



همراه خوب می تواند به استمرار «بیداری» کمک کند. زیباترین متاع اعتکاف بیدار شدن ما از خواب غفلت است. یقیناً بیداری ما ادامه پیدا می کند، در صورتی که همراه خوب و مناسب برگزینیم.

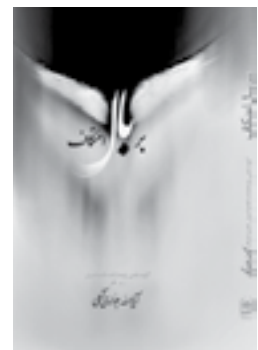




## معرفی کتاب

# بربال اعتکاف

محسن گلپایگانی



کتاب بربال اعتکاف به کوشش گروه علمی پژوهشکده فقه و اصول پژوهشگاه علوم و حیانی معارج، وابسته به بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء و با تحقیق و تنظیم سید کمال الدین عمادی چاچکامی و یدالله مقدسی و تحت اشراف آیت الله جوادی آملی، توسط مرکز نشر اسراء چاپ و منتشر شده است. این کتاب در قطع

وزیری چاپ شده و ۳۵۰ صفحه دارد.

کتاب بربال اعتکاف، به بازشناسی صحیح احکام اعتکاف پرداخته و با نگاهی ژرف به معارف بلند این عبادت، به تبیین بخشی از نکته‌ها و اسرار آن دست زده است. این کتاب از یک مقدمه و شش فصل تشکیل شده است. فصل‌های این کتاب به ترتیب عبارتند از: کلیاتی درباره اعتکاف، جایگاه اعتکاف، اهداف و اسرار اعتکاف، شروط و آسیب‌های اعتکاف، ویژگی‌ها و آداب اعتکاف و آثار اعتکاف.

نویسنده در مقدمه کتاب آورده است: عبادت خدای سبحان، شیوه‌ها و جلوه‌های متفاوتی دارد؛ گاهی به صورت فکر، ذکر و شکر، زمانی به چهره حرکت و هنگامی به شکل سکون و دیگر بار به شیوه توقف انجام می‌گیرد؛ تا معبود چه بخواهد و پیامبرش چه پیامی آورده باشد! این روش‌ها را می‌توان به صورت زیرردیف کرد: عبادت فکری و ذکر، عمل عبادی مشروط به سکون و حرکت، عمل عبادی مشروط به سکون و حرکت عبادی.

نویسنده در فصل یک به مفهوم‌شناسی اعتکاف، پیشینه اعتکاف، اعتکاف موحدان و مبانی اعتکاف پرداخته است. نویسنده درباره معنای لغوی اعتکاف می‌گوید: اعتکاف از ماده عکوف و در لغت به معنای روی آوردن و گرایش به چیزی یا

کاری، همراه کرنش و بزرگداشت آن است، که ملازمت و مواظبت را نیز در پی دارد.

فصل دوم، عناوین جایگاه اعتکاف در منابع اسلامی قرآن، سنت و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) در اعتکاف و فضیلت اعتکاف در سخن بزرگان را در خود جای داده است.

فصل سوم به موضوعاتی نظیر اهداف اعتکاف و معتکفان، اهداف تشریح اعتکاف، اهداف متعکفان و اسرار اعتکاف پرداخته است. مؤلف درباره جایگاه اعتکاف در منابع اسلامی می‌نویسد: از معیارهای مهم سنجش اهمیت و ارزش اعمال، فضیلت و پاداش آنها، با آثار و پیامدهایی است که ترک یا باطل شدن آن به همراه دارد. بیان فضیلت اعتکاف با بهره‌گیری از منابع اسلامی، اهمیت و ارزش اعتکاف را می‌نمایاند. درباره فضیلت اعتکاف از نگاه قرآن، همین بس که آن راهمتهای طواف کعبه و معادل رکوع و سجود می‌شمرد.

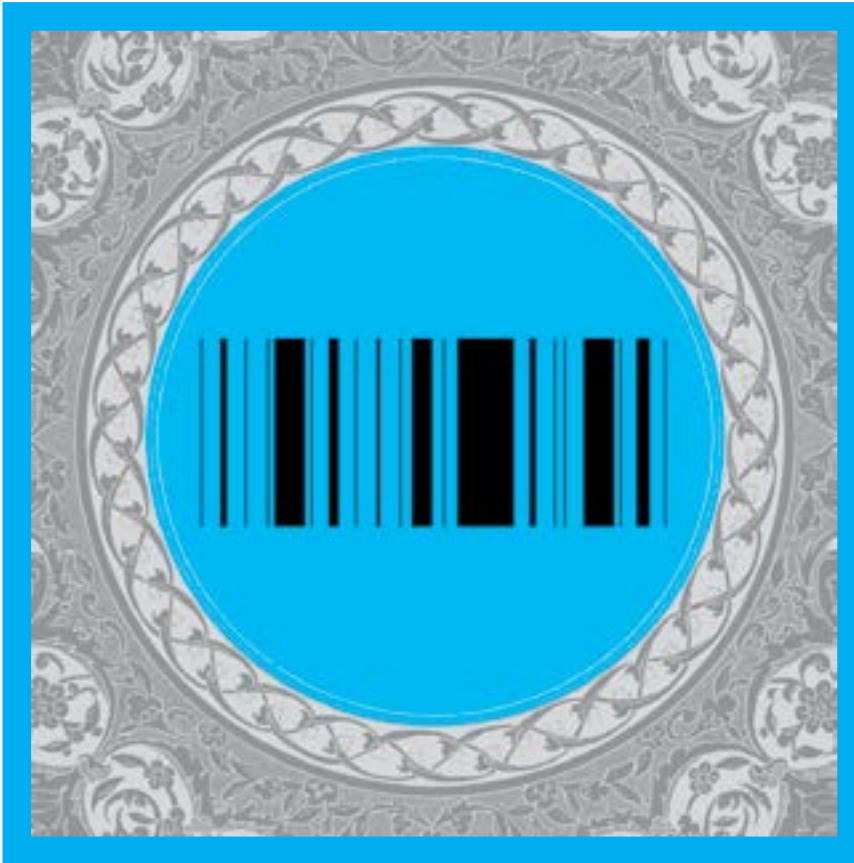
مؤلف در فصل چهارم مطالبی راجع به شروط اعتکاف، توضیح مقدمی، اقسام شروط اعتکاف، آسیب‌های اعتکاف و گونه‌های آسیب اعتکاف را آورده است.

فصل پنجم درباره مسائلی همچون برتری اعتکاف از نماز، حضور زکات در اعتکاف، برتری از روزه، برتری از حج، ویژگی ولایت در اعتکاف، برخی آداب اعتکاف، راه کار دستیابی به اسرار عبادت و راهنمای وصال سخن می‌گوید.

فصل ششم که آخرین فصل از این کتاب است، عناوینی مانند: گونه‌شناسی آثار معرفتی و اثر تربیتی، نمونه‌های آثار معرفتی همچون: توسعه شناخت آموزه‌های دین، معرفت شهودی، شنیدن ندهای ملکوتی، خلوت، قرب خاص الهی، خلوص ربانی، فرشته‌گونی و نمونه‌های آثار تربیت فردی و اجتماعی، مفهوم‌شناسی و مصادیق رباط، اهمیت رباط، فضیلت رباط، فضیلت تأمین مرابطان، احکام رباط، نذر مرابطه، جمع‌بندی دیدگاه فقیهان، مدت مرابطه، تفاوت رباط با اعتکاف و فضیلت بیداری در رباط را در خود جای داده است.

# شبستان

مسجد / شماره ۱۸۴ / اردیبهشت ماه ۱۳۹۴





اقتصاد مقاومتی از جمله واژگانی است که مقام معظم رهبری همواره بر آن تأکید کرده‌اند. اقتصاد مقاومتی دوازده اصل دارد. اقتصاد بیمار ایران است. تکیه و توکل ایران به درآمدهای نفتی سبب شد دشمنان نظام از حربه تحریم استفاده کنند و متأسفانه ضعف نشان دادن برخی از مسئولان در این حوزه، آنان را تا حدودی به هدفشان رساند. دشمن به یقین فهمید که سلاح تحریم می‌تواند بهترین و تأثیرگذارترین سلاح در به زانو در آوردن نظام اسلامی باشد و فشار اقتصادی که از این ناحیه به مردم وارد می‌شود، نیروی محرکی برای گسیختگی صفوف مردم و از دست دادن انسجام درونی خواهد شد. راهکار مقابله با این ترند دشمن در اقتصاد مقاومتی نهفته است؛ اقتصادی که بررسی آن و بیان تفاوتش با ریاضت اقتصادی، محتوای این یادداشت کوتاه را تشکیل می‌دهد.

### تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به معنای تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تأثیرها می‌باشد که در وضعیت آرمانی آن، چنین فشارهایی به فرصت تبدیل می‌شود. برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تأکید گردد. طبق نظر دولت‌مردان ایران، در تعریف اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی نیاز است.<sup>۱</sup>

شاید بهترین راه برای شناخت بیشتر و بهتر این نوع اقتصاد، بیان شاخصه‌های آن باشد که مقام معظم رهبری آن را مطرح کرده است. ایشان در ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به نکات بسیار مهمی اشاره کرده‌اند که تحقق هر کدام از این بندها، باری راز دوش دولت و ملت بر خواهد داشت. به طور خلاصه این سیاست‌های کلی شامل موارد زیر است:

- استفاده از تمام ظرفیت‌های کشور جهت توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت جمعی در فعالیت‌های اقتصادی؛
- افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه؛
- توانمندسازی نیروی کار و تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد؛
- استفاده از ظرفیت هدفمندی رایانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی؛
- سهم‌بری عادلانه عوامل درزنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه‌انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه؛
- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی، به‌ویژه در اقلام وارداتی، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص؛

- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید مواد اولیه و کالا.

- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید؛

- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی؛

- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزش‌آوری مثبت؛



# چيستی و چيستی اقتصاد مقاومتی

و ابلاغ شد و بعد از آن نوبت افراد جامعه است که در این حوزه وظیفه خود را ادا کنند. مسئولان و مردم، چه در مقابل یکدیگر و چه در مقابل خداوند، باید پاسخگو باشند که در مقابل هر یک از این بندها چه کرده‌اند.

از طرف دیگر نوعی دیگر از اقتصاد در مقابل چالش‌های اقتصادی کشورها مطرح می‌شود که به آن ریاضت اقتصادی گفته می‌شود. ریاضت اقتصادی طرحی است که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش یا حذف برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. ممکن است برخی از مردم یا مسئولان تصورشان این باشد که اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد ریاضتی است. بررسی بندهای بالا نشان می‌دهد که این دو نوع نگرش در امر اقتصاد با هم تفاوت دارد. اقتصاد مقاومتی به معنای حذف یک وعده غذا در مقابل مشکلات اقتصادی نیست. اقتصاد مقاومتی به معنای خوردن آبگوشت پر آب یا اشکنه به جای چلو کباب و جوجه کباب نیست؛ بلکه اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصادی انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا است. در مقایسه با رویکردهای این دو نوع اقتصاد می‌توان چنین نوشت:

ریاضت اقتصادی بر کاهش حقوق افراد جامعه متکی است، ولی اقتصاد مقاومتی بر کاهش درآمدها تکیه ندارد، بلکه در جهت ارتقای رفاه عمومی است. ریاضت اقتصادی بر کاهش یا حذف برخی از خدمات عمومی متکی است، ولی اقتصاد مقاومتی بر نیروها و استعدادها داخلی تکیه دارد. در ریاضت اقتصادی مصرف نکردن به دلیل فقر و بیچارگی است؛ ولی در اقتصاد مقاومتی تأکید بر درست مصرف کردن است و مدیریت مصرف می‌شود. مردم در ریاضت اقتصادی به دلیل کم شدن درآمدها به کالاهای کم‌ارزش و کم‌قیمت رو می‌آورند؛ ولی در اقتصاد مقاومتی بر خرید کالاهای داخلی جهت ارتقای تولید و اشتغال‌زایی تأکید می‌شود. ریاضت اقتصادی به دنبال حذف فرصت‌های شغلی برای جبران کسری بودجه است؛ ولی در اقتصاد مقاومتی دولت باید به دنبال فراهم آوردن بستر کار برای افراد جامعه باشد. در ریاضت اقتصادی امنیت اقتصادی از بین می‌رود؛ ولی در سایه اقتصاد مقاومتی سرمایه‌گذاران داخلی با تکیه بر توان خود و حمایت مردم از امنیت اقتصادی بهتری برخوردار خواهند بود. دولتی‌سازی شرکت‌های ورشکسته از طریق خرید سهام افراد کاری است که در ریاضت اقتصادی رخ می‌دهد، ولی در اقتصاد مقاومتی تأکید بر مردمی‌سازی و خصوصی‌سازی اقتصاد است؛ چنان که در اصل ۴۴ نیز به آن اشاره شده است. دولت‌ها در ریاضت اقتصادی به دنبال استقرار و وام از بانک‌های جهانی هستند؛ در صورتی که در اقتصاد مقاومتی دولت و مردم موظف به صادرات محصولات و تولیدات خود برای جبران کسری هستند.

بنابراین «به نظر ما طرح‌های اقتصاد مقاومتی جواب می‌دهد. همین مسئله سه‌میه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر بنزین سه‌میه‌بندی نمی‌شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می‌رفت... اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد».

#### پی‌نوشت

1. www.tabnak.ir/fa/news/261622

۲. ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»؛ ۲۰/۱۱/۱۳۹۲؛ کمی‌تلخیص.

توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج؛

افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان، به‌ویژه همسایگان، استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی، استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای؛

مقابله با ضرر به‌پذیری در آمد حاصل از صادرات نفت و گاز؛  
افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میادین مشترک؛

افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع؛

صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیر ضرور و هزینه‌های زاید؛

اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی؛  
افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت؛

شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فساد در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...؛

تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه؛

تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفت‌وگو با مسئولان آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفت‌وگو فراگیر و رایج ملی؛

دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان‌های آفندی و اقدامات مناسب، رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن، مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی؛

شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار؛  
افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.<sup>۲</sup>

شاید تحقق عینی و خارجی هر کدام از این بندها نیازمند سال‌ها زمان باشد؛ اما اقدامات تک‌تک افراد جامعه و دولت‌ها و دولتمردان در به‌ثمر رسیدن این سیاست‌ها، تکه‌ای از پازلی خواهد بود که نقش زیبایی آن را در سال‌های آینده خواهیم دید. آنچه وظیفه رهبری بود، به‌نحو احسن تبیین

**اقدامات تک‌تک افراد جامعه و دولت‌ها و دولتمردان در به‌ثمر رسیدن این سیاست‌ها، تکه‌ای از پازلی خواهد بود که نقش زیبایی آن را در سال‌های آینده خواهیم دید. آنچه وظیفه رهبری بود، به‌نحو احسن تبیین آن نوبت افراد جامعه است که در این حوزه وظیفه خود را ادا کنند. مسئولان و مردم، چه در مقابل یکدیگر و چه در مقابل خداوند، باید پاسخگو باشند که در مقابل هر یک از این بندها چه کرده‌اند.**





# درون‌زا مردم‌بنیاد ودانش‌بنیان سه ضلع یک اقتصاد مقاوم

نگاهی به سه شاخص اقتصاد مقاومتی

محمد علی اکبری

یک و نیم سال پس از ارائه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری خطاب به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت، همچنان شاهد دیدگاه‌ها و مصاحبه‌ها و گفتارهای مسئولان محترم در خصوص لزوم تحقق اقتصاد مقاومتی و گره زدن هر آنچه مد نظر دارند با این فرآیند لازم‌الاجرا و چند مرحله‌ای است. گذری بر سخنان مقام معظم رهبری حاکی از آن است که واژه اقتصاد مقاومتی اولین بار در دیدار کارآفرینان با ایشان در شهریور ۱۳۸۹ مطرح گردید و پس از آن بارها در سخنرانی‌های مکرر، این مقوله را مطرح و تبیین کردند. نهایتاً در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ مقام معظم رهبری مفاد راهبردهای اقتصاد مقاومتی را در ۲۴ ماده ابلاغ نمودند.

در تبیین این اصطلاح و در ادبیات موجود و کلاسیک اقتصاد، واژه و اصطلاحی با این عبارت چندان رایج نیست. با این وصف عباراتی مثل اقتصاد جنگ یا اقتصاد دوره بحران در ادبیات وارد شده‌اند که شرایط بحرانی یا جنگی را توصیف می‌کنند که به نظر می‌رسد با این واژه قرابت داشته باشد. اما اگر بخواهیم معنای حقیقی آن را در بایبیم، به طور طبیعی باید سراغ فردی برویم که این واژه و نوع نگرش را به سیستم فکری و اقتصادی علمی جوامع اقتصادی و علمی ایران وارد کرد و آن را رشد و پرورش داد. مقام معظم رهبری که مبدع نظر به اقتصاد مقاومتی است، سخنرانی‌ها و نکات متعددی در این زمینه بیان داشته‌اند. به طور خلاصه چکیده مفهوم اقتصاد مقاومتی از دیدگاه ایشان را می‌توان این گونه بیان کرد: «اقتصاد



**جامعه‌ای که اقتصاد آن بر مبنای اقتصاد مقاومتی شکل گرفته و پرورش یافته است، قادر خواهد بود نیازهای ضروری و غیر ضروری جامعه را با توجه به توانایی‌های خود برطرف سازد. زمانی که یک ملت و جامعه‌ای به چنین توانی دست یافته باشد، دامنه آزادی در تصمیم‌گیری و قدرت انتخاب و عملکردش افزایش خواهد یافت. در چنین وضعیتی جامعه خود تصمیم می‌گیرد که چه کالاهایی را تولید کند و کدام کالا یا خدمات را به دلایل مختلف مانند مزیت نسبی در تولید، خارج از شاهراه تولید و خدمات آن جامعه، وارد نماید.**



مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده‌رشد و شکوفایی کشور باشد»<sup>۱</sup>.

به دیگر سخن، در واگوی این مفهوم از منظر مقام معظم رهبری به عنوان مبدع این نظریه، جامعه‌ای که اقتصاد آن بر مبنای اقتصاد مقاومتی شکل گرفته و پرورش یافته است، قادر خواهد بود نیازهای ضروری و غیر ضروری جامعه را با توجه به توانایی‌های خود برطرف سازد. زمانی که یک ملت و جامعه‌ای به چنین توانی دست یافته باشد، دامنه آزادی در تصمیم‌گیری و قدرت انتخاب و عملکردش افزایش خواهد یافت. در چنین وضعیتی جامعه خود تصمیم می‌گیرد که چه کالاهایی را تولید کند و کدام کالا یا خدمات را به دلایل مختلف مانند مزیت نسبی در تولید، خارج از شاهراه تولید و خدمات آن جامعه، وارد نماید. فقط در این حالت است که کشورهای قدرتمند قادر به تحمیل خواسته‌های خود به دلیل ناتوانی کشور در تولید کالاها - به خصوص کالاهای حیاتی - نخواهند بود. به عبارت دیگر، فقط زمانی که جامعه‌ای قادر به تولید و ارائه تمامی نیازهای خود باشد و همان تولیدات و خدمات رادر سطحی گسترده‌تر و بر اساس فرهنگ و اقتصاد ملل دیگر به آنها ارائه نماید، در روابط بین‌الملل و فرامنطقه‌ای از قدرت تحرک دیپلماسی به مراتب بالاتری برخوردار بوده؛ در نتیجه قادر خواهد بود سهم بیشتری از تعاملات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی را به دست آورد. ضمن اینکه در مقابل زیاده‌خواهی‌های احتمالی برخی جوامع قدرتمند مقاوم خواهد بود. نکاتی که در سطور قبلی ذکر شد، در واقع همان سر فصل‌هایی است که طی چند سال گذشته به طور مستمر از زبان مقام رهبری با کلمات و جملات مختلف تبیین شده است.

اما شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی کدام است؟ چگونه است که یک اقتصاد با تمامی شاخص‌های آماری و موفقیت‌های به دست آمده و به ظاهر پرطمطراق نمی‌تواند پسوند اقتصاد مقاومتی را یدک کشد؛ ولی اقتصادی کوچک‌تر و پویاتر، اقتصادی مقاوم خوانده می‌شود؟ به نظر می‌رسد پاسخ





# خرید کردن را عبادت کنیم

گفتگو با خانم فاطمه هوشینو بانوی تازه مسلمان ژاپنی

به کوشش: مهدی رزاقی

فاطمه (آتسوگو) هوشینو بانوی ژاپنی که دین اسلام را در هیاهوی دنیای مدرن و خفقان رسانه‌ای در میان تحقیقات خود یافت و مذهب شیعه آن را انتخاب کرد، حالا چند وقتی هست سوژه رسانه‌ها شده و در غربت وطن دیگری برای او بامبناي مذهب ساخته شده و در ایران اسلامی دوستی او به حدی رسیده است که تنها کالای وطنی را در سبد خرید خود قرار می‌دهد، این مهم را بهانه‌ای برای گفتگوی با او قرار دادیم...

خانوم هوشینو چه می‌شود که یک ژاپنی برای کالای تولید شده در وطن خود آن قدر ارزش قائل می‌شود که هیچگاه از کالای خارجی استفاده نمی‌کند؟

بنده کلمه اعتماد به نفس را خیلی نمی‌پسندم. ولی چیزی مثل اعتماد به نفس را کم و بیش دارم. البته جنس ژاپنی هم خصوصیتی دارد که دلیل این اعتماد به نفس است مثلاً به راحتی خراب نمی‌شود، خدمات پس از فروش خیلی خوبی دارد و معیارهایی دارند که خریدار می‌تواند به واسطه آن به فروشنده یا شرکت‌ها اعتماد کند.

خب این شاخصه‌ها را کالای آمریکایی هم ممکن است داشته باشد، پس چرا صرفاً کالای ژاپنی مدنظر هموطنان شما قرار دارد؟ آیا استقلال اقتصادی می‌تواند دلیل آن باشد؟

بله، مطمئناً همین طور است. بعد از جنگ جهانی دوم که ژاپن با خاک یکسان شد، کیفیت جنس ژاپنی اصلاً خوب نبود و مرفهین جامعه ترجیح می‌دادند که جنس خارجی بخرند. اما تولیدکننده‌ها خیلی زحمت کشیدند که با افزایش کیفیت مصرف‌کنندگان خود را جذب کنند، از آن طرف هم مصرف‌کنندگان وقتی با کالایی با کیفیت بد مواجه می‌شدند سکوت نمی‌کردند، نظر می‌دادند یا شکایت می‌کردند. با سال‌ها تلاش مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، جامعه ژاپن به این سطح رسیده است.

شما مصرف کالای ایرانی خود را بامبناي کمک به جامعه شیعه و مسلمان رسانه‌ای کردید، آیا من می‌توانم این رایک فرهنگ درونی شده در شما تعبیر کنم که تعهد شما به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنید مبناي این رفتار شده؟ این را با توجه به این عرض می‌کنم که برای یک ژاپنی مطمئناً میزان تعهد به وطن و هموطن به قدر

این سوالات را نیز باید از زبان مبدع این نظریه جست. آنچه در کلام رهبری هویدا است، از وجود سه شاخص و سه ویژگی اساسی در اقتصادی مقاوم خبر می‌دهد. این سه عنصر عبارتند از: درون‌زا، مردم‌بنیاد و دانش‌بنیاد. اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد درون‌زا است، اما درون‌زایی چه؟ «یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد، رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زابه این معنا است». این چند جمله بهترین و مختصرترین معنا برای یک اقتصاد درون‌زا است که معظم له به صراحت و اشارت آن را بیان کرده‌اند. ویژگی دیگر اقتصاد مقاومتی، مردم‌بنیاد بودن آن است. به عبارتی اقتصاد باید از اساس توسط مردم شکل‌بندی شود و نقطه مقابل مردم‌بنیادی در اینجا دولت‌بنیادی است. به عبارتی اگر اقتصاد در دست دولت باشد از مقاومت آن کاسته می‌شود و هرچه این ضریب نفوذ بیشتر باشد، استحکام این بنا سست‌تر است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص فرموده‌اند: «این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست؛ اقتصاد مردمی است؛ بازار مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق‌پیدامی‌کند. اما دولتی نیست، به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد. دولت مسئولیت بر نامهربانی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت به عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند».

ویژگی آخر که می‌توان آن را مهم‌ترین ویژگی اقتصاد مقاومتی دانست، دانش‌بنیان بودن آن است. به طور کلی اقتصادی که بر مبنای دانش نباشد، اقتصادی پایدار نخواهد بود. توسعه اقتصاد بدون بنیان قرار دادن علم باعث می‌شود هیچ ارزیابی و سنگ محکی در خصوص میزان صحیح بودن راهی که رفته‌ایم و راهی که مانده است، نداشته باشیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «گفتیم این اقتصاد، اقتصاد دانش‌بنیان است، یعنی از پیشرفت‌های علمی استفاده می‌کند، به پیشرفت‌های علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می‌توانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی. نخیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها - تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند - می‌تواند اثر بگذارد و می‌تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند».

آنچه مسلم است این سه موضوع به صورت ترکیبی، نیاز روز اقتصاد کشور و تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور هستند و عدم ترکیب هر یک و کنار گذاشتن هر کدام از آنها، حتی برای برهه زمانی کوتاه، باعث می‌شود به همان میزان حرکت به سمت هدف کند گردد یا به طور کلی از مسیر هدف خارج گردیم.

## پی‌نوشت

۱. در برخی منابع واژه‌هایی مثل Resistive Economy یا Economy of resistance و Resistance Economy استفاده شده است. به نقل از: ویکی‌پدیا انگلیسی.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان؛ ۱۶/۵/۱۳۹۱

آخرت به چه معنا یعنی عدم عاقبت اندیشی، اعتقاد به آخرت هم یک نوع عاقبت اندیشی است، یعنی فرد وقتی عاقبت خرید جنس خارجی فکر می کند مشخص است که باید چه بکند.

#### □ یعنی بیشتر به اثر مادی فکر می کند تا اثر معنوی؟

بله من این کوتاه فکری را به وضوح می بینم. یعنی رفاه موقتی، یعنی برای خیلی ها فقط رفاه موقتی، راحتی موقتی مهم است. ولی این فرد به آینده دراز مدت فکر نمی کند. درست است که این کار سخت است ولی باید یک کم زحمت بکشیم تا به نتیجه خوبی برسیم.

#### □ ... و وظیفه مسئولین در چنین شرایطی چیست؟

رک و راست بگم که خیلی از مدیران متأسفانه خیانت می کنند. من دیده ام که شرکت ها اول جنس با کیفیت خوبی می زنند بعد که مشتری به آنها اعتماد کرد کیفیتش را پایین می برند که این خیانت است و این گونه مشتری از کالای ایرانی فاصله می گیرد یعنی عقل می گوید که باید این کار را بکنند. من پیشنهاد می کنم که انجمن یا مؤسسه ای داشته باشیم که روی کار تولید کنندگان، شرکت های داخلی، نظارت داشته باشند. در خیلی از کشورها، این خریداران هستند که اعمال قدرت می کنند. به طور مثال وقتی در فرانسه قیمت شیر بالا رفت هیچ کس شیر نمی خرید. به خاطر همین شرکت ها مجبور شدند که دوباره قیمت شیر را ارزان کنند. این قدرت مشتری است. ولی من توی ایران این رانمی بینم. یعنی من شنیدم که وقتی قیمت محصولات بالا می رود مردم حتی بیشتر می خرند...

از جنبه دیگر مسئولین باید از حقوق مشتری حمایت کنند، من آن موقع تازه به ایران آمده بودم از بازار یک سینی را خریدم هنگامی که آن را خانه آوردم متوجه شدم که یک ترکی خورده بود. به مغازه دوباره رفتم تا عوضش کنم. گفت که نه این کار خودتان است. در حالی که این طوری نبود و از آن مهم تر دست من به جایی بند نبود و شاید قانون هم از من حمایت نمی کرد.

#### □ ... و در این فرایند اشتباه مال حرام هم ایجاد می شود

بله مال حرام ایجاد می شود، واقعا متأسفانه بعضی ها یا خیلی ها من نمی دانم چرا به کسب مال حلال خیلی توجه نمی کنند

#### □ شاید به خاطر همین ساز و کاری نظارت جامعه است

بله، پول خوب است اما حلال خوری سنت خداست. اگر نان حرام در بدن کسی باشد حقیقت رانمی فهمد، عشق علی علیه السلام رانمی فهمد. این سنت خداست. واقعا این چیزها،



#### تعهد ما به اسلام و مسلمان دوستی بعضی از ما است، البته اگر تگوییم بیشتر است!!

بله صد در صد. یعنی کمک به هم کیشان وظیفه ماست. من شنیدم که اگر ایرانی ها هر روز یک هزار تومان، بیشتر بابت جنس ایرانی خرج کنند مشکل بیکاری حل می شود. این خود کمک بزرگی به جامعه اسلامی است. مادر بحرانییم. هم تحت تحریم هم در جنگ نرم قرار داریم ولی متأسفانه خیلی متوجه نیستیم. این از بیانات آقا است، که از نظر عقلی هم کاملاً درست است. در ژاپن خیلی زلزله یا سونامی اتفاق می افتد. بعد از این اتفاقات مردم بیشتر از جنس ژاپنی استفاده می کنند. من هم در شهر خودم یک زلزله بزرگی تجربه کردم. بعد از آن مثلاً مادر خودم، یا خودم یا خیلی های دیگر سعی می کردند که فقط از شرکت های شهر خرید کنند تا نمایندگی یک شرکت معتبر خارجی، زیرا وقتی که اقتصاد ضربه می خورد این مسئله به همه مردم مرتبط می شود. یعنی همه شهرداران و مردم و دولت در این مسأله شرکت می کنند. پس باید دانست که در چه وضعیتی هستیم و متأسفانه این عدم توجه به وضعیت ما واقعا اشتباه است. یعنی هزاران هزار اشتباه به وجود می آورد.

#### □ پس با درک شرایط و اعتقاد به مفهومی مثل هم کیش و هم وطن می شود از این درگاهها عبور کرد

بله و آن وقت یک خرید هم، عبادت می شود. البته چنین نگرشی تنها مربوط به اقتصاد مقاومتی نیست. من در جامعه متأسفانه خیلی عدم اعتقاد به آخرت رانمی بینم. می دانید



بعد از جنگ جهانی دوم که ژاپن با خاک یکسان شد، کیفیت جنس ژاپنی اصلاً خوب نبود و مرفهین جامعه ترجیح می دادند که جنس خارجی بخرند. اما تولید کننده ها خیلی زحمت کشیدند که با افزایش کیفیت مصرف کنندگان خود را جذب کنند، از آن طرف هم مصرف کنندگان وقتی با کالایی با کیفیت بد مواجه می شدند، سکوت نمی کردند، نظر می دادند یا شکایت می کردند. با سال ها تلاش مصرف کنندگان و تولید کنندگان، جامعه ژاپن به این سطح رسیده است.



خودشان کاری انجام نمی دهند و خودشان را شریک این وضعیت جامعه نمی دانند. من خدمت تان چند تا مثال بزنم. جنس ایرانی از چیزی که خود ایرانی ها فکر می کنند خیلی بهتر است. حالا نه همه کالاهای اما تعدادی این گونه ست، برای مثال نوشابه ایرانی از این نمونه است، من قبل از این که به ایران بیایم تعریف نوشابه ایرانی را شنیده بودم و همه می گفتند که اگر به ایران یا کشورهای خاورمیانه مسافرت کردید حتما نوشابه زمزم را بخورید این خیلی خوشمزه است، ولی متأسفانه ایرانی ها ترجیح می دهند که کوکا کولا بخرند یا مثلا من گوشی ایرانی دارم. یعنی تازه دوباره خریدم قبل از این هم گوشی ایرانی را داشتم که خیلی خوب کار می کرد، اما همه وقتی گوشی من را نگاه می کردند تعجب می کردند. چرا؟ شما ژاپنی هستید چرا از گوشی ایرانی استفاده می کنی؟ اما واقعا این خیلی خوب کار می کند. اصلا مشکلی هم ندارد و البته خیلی پیشرفت کرده، خیلی بهتر هم شده ولی خود ایرانی ها خبری ندارند...



پیش از وارد شدن  
کودکان به مدرسه  
طوری تربیت می شوند  
که در کار خودشان  
مسئولیت پذیر باشند. در  
مدرسه هم همین گونه  
است و همه بچه ها  
برای مثال خودشان  
ساختمان مدرسه را تمیز  
می کنند و یا خودشان  
باغچه را آب می دهند و  
گل ها را می کارند یعنی  
برایشان جزئیات زندگی  
اجتماعی که دارند هم  
مهم است.



**شاید چون بادی بینی نگاه می کنند**  
بله خیلی بدبین نگاه می کنند ولی اصلا این طوری نیست. خرید جنس خارجی شاید یک نوع راحت طلبی شده، اما یک مسلمان نباید راه راحت تر را در این شرایط انتخاب کند که خودش مثلا راحت باشد، یعنی باید زحمت بکشیم که وضع خودمان را بهتر کنیم.

**کاری که ژاپنی های با خاک یکسان شده کردند و امروز...**

بله خیلی خیلی زحمت کشیده شد، بعد از جنگ جهانی دوم چند سال گذشته؟ بیشتر از ۶۰ سال. در همین مدت همواره زحمت می کشیدند، تلاش می کردند. این طوری نیست که مثلا یک دفعه وضع اقتصادی ژاپن خوب شده باشد. بهبود وضعیت در ایران پیشکار می خواهد. حالا ژاپن که هیچی نداشت و ندارد. مثلا نفت و گاز ندارد، کشاورزی خوبی هم ندارد و کشور جزیره ای خیلی کوچکی است. ولی ماشاءالله ایران کهربای پیشرفت همه چیز دارد و از این نظر وضع برای ایرانیان راحت تر است.

حالا اگر بخواهیم اینجا در باره فرهنگ استفاده از همین منابع طبیعی مثل گاز و آب و... هم صحبت کنیم که خیلی طولانی می شود.

**من اجازه دارم درباره فرهنگ خرید ایرانی ها صحبت کنم؟**

بله حتما... بفرمایید

**شما به ورود دین در جزئیات زندگی مثل خرید کردن اعتقاد دارید و برداشت من این است که این اعتقاد به تمام افعال شما جهت داده است.**

مسئله دشواری نیست. آموزه های ابتدایی اسلام است. همان چیزهای ابتدایی را یاد گرفتن به نظر من همه مشکلات را حل می کند، مخصوصا اعتقاد به آخرت. اعتقاد به آخرت فقط برای آخرت نیست. اگر اعتقاد به آخرت داشته باشیم خیلی از مشکلات یا حتی همه مشکلات دنیوی هم حل می شود، یعنی هیچ کسی دروغ نمی گوید. هیچ کسی کم فروشی و گران فروشی نمی کند. هیچ کسی دیگران را اذیت نمی کند.

**با این توضیحات شما می فرمایید که نظارت، قدرت و حقوق مصرف کننده را بالای برد**

مشتري باید احساس قدرت کند تا وضع اقتصادی اصلاح شود، من یک نمونه ای را برای شما بگویم شاید جالب باشد، برای من خیلی عجیب بود که در ایران هنگام خرید مشتریان بیشتر می گویند که ممنونم و مغازه دارها هم می گویند که خواهش می کنم، شاید شما ساده نگاه کنید و بگویید این تعارف است، اما من این گونه نگاه نمی کنم، در ژاپن این مغازه دار است که متشکر مشتری است و می گوید که ممنونم و تشکر می کنم، زیرا قانون و عقل می گوید که او تورا انتخاب کرده و حقوقی به گردن تو دارد پس باید ممنونش باشی.

**یعنی مشتری صاحب حق است، فکر می کنم منظور شما حقوق مصرف کننده است**

بله، مصرف کننده باید احساس قدرت و مسئولیت کند تا جامعه را اصلاح کند. همان طور که عرض کردم همه باید خودشان را مسئول بدانند.

**از حقوق مصرف کننده و آگاهی افراد به این موضوع گفتید، این بحثی نیست که فرد در سنین بالا فریبگیرد، در ژاپن که شما در محیط آموزشی آن رشد کردید این مباحث کجا و چگونه به افراد آموزش داده می شود؟**

در آنجا پیش از وارد شدن کودکان به مدرسه طوری تربیت می شوند که در کار خودشان مسئولیت پذیر باشند. در مدرسه هم همین گونه است و همه بچه ها برای مثال خودشان ساختمان مدرسه را تمیز می کنند و یا خودشان باغچه را آب می دهند و گل ها را می کارند یعنی برایشان جزئیات زندگی اجتماعی که دارند هم مهم است.

**یعنی شما می خواهید بگویید که آن ها آدم های متعهدی بار می آیند برای کار خودشان و برای جامعه خودشان؟**

آره این باعث می شود که قبل از این که دیگران را مقصر بدانند خودشان پامی شوند و کاری انجام می دهند.

**یعنی نسبت به جامعه احساس مسئولیت می کنند؟**

چیزی که اینجا متأسفانه نیست و در هر حادثه ای دیگری مقصر است، مثلا دولت یا جامعه را مقصر می دانند ولی



# مشکل ماهستانی

نگاهی به برخی از موانع تحقق اقتصاد مقاومتی

مرتضی نجفی

از محاسبه، خللی بزرگ در سیاست‌های دستگانه‌های مربوط وارد می‌کند. همچنین یکی دیگر از زیان‌های وارداتی قاچاق، محروم شدن خزانه دولت از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات‌های غیرمستقیمی است که مطابق قانون باید به صندوق دولت واریز شود، در حالی که واردات غیرقانونی دولت را از دریافت این درآمدها محروم می‌کند، در حالی که دولت برای تأمین هزینه‌های جاری و عمرانی معمولاً دچار کسری بودجه است.

تولیداران کالای چینی، یکی دیگر از مشکلاتی که نه تنها دامن گیر اقتصاد ایران بلکه مشکل بیشتر کشورهای دنیاست، سیطره کالای چینی در بازارها است. محصولات و تولیدات چینی به قطع از جمله ارزان‌ترین محصولات دنیا به شمار می‌روند، ولی در عین حال از بی کیفیت‌ترین آنها نیز هستند. چین به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور دنیا مجبور است به هر طریقی شده، خیل جمعیت خود را به کار گمارد. روحیه و فرهنگ مردم چین هم باعث شده با قدرت به کارهای متخلف بپردازد و به نحوی، تمام بازارهای دنیا را به تصرف خود درآورد. ارزان بودن نیروی کار منجر به تولید ارزان می‌شود و همین تولیدات ارزان، گرایش مشتری را به سمت این نوع کالاها بیشتر کرده است. «در سال ۱۳۸۰ سهم چین در تجارت خارجی ایران کمتر از ۵ درصد بود، اما این سهم اکنون [سال ۹۳] از ۲۵ درصد نیز فراتر رفته است. به این معنی که اکنون طرف معامله یک چهارم واردات و صادرات ایران کشور چین است»، و به درستی گفته شد، ما اشتغال فراوانی ایجاد کردیم، ولی نه برای ایرانیان، بلکه برای چینیان.

مفاسد اقتصادی، مفاسد اقتصادی از جمله رانت، اختلاس، زمین‌خواری و ... از جمله مخرب‌ترین عوامل یک اقتصاد است. شاید به ظاهر عده‌ای از قبل این گونه مفاسد به کسب درآمد بپردازند، ولی در واقع نه تنها آسیب‌های روانی به پیگیر جامعه وارد می‌کند، بلکه اقتصاد را دچار بیماری فساد می‌کند و از آنجا که معمولاً این گونه مفاسد به صورت دواندن ریشه فساد در

اقتصاد مقاومتی راه‌کاری مناسب برای غلبه بر مشکلات اقتصادی است که دامن گیر کشور شده است. اما دستیابی و تحقق این نوع اقتصاد ممکن است، خود با موانعی مواجه باشد که رفع این موانع می‌تواند تحقق اقتصاد مقاومتی را تسهیل بخشد. برخی از موانع تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

– مصرف کالای خارجی، گرایش مردم به خرید و استفاده از کالاهای خارجی از جمله مهم‌ترین موانع تحقق اقتصاد مقاومتی است. خرید هر کالای خارجی به معنای دور شدن از حمایت تولیدکنندگان داخلی است. گاهی با تصور اینکه کالای خارجی همیشه از کیفیت بهتری نسبت به کالاهای داخلی برخوردار است، مردم به خرید آنها تمایل نشان می‌دهند در حالی که بسیاری از تولیدات داخلی به ویژه در ضروریات زندگی کالای ایرانی در کیفیت خوبی برخوردار است. البته گاهی کم‌فروشی تولیدکنندگان باعث از دست دادن مشتری‌های داخلی و تمایل آنها به محصولات و تولیدات خارجی می‌شود. رونق تولیدات و محصولات داخلی به هر دو عامل یعنی کیفیت از طرف تولیدکننده و حمایت از طرف مصرف‌کننده برمی‌گردد. بنابراین گاهی تحریم کالای خارجی باعث رونق اقتصادی خواهد بود.

– حمایت دولت در امر تولید، از جمله وظایف مهم دولت باید توجه به تولیدکنندگان داخلی باشد. اختصاص یارانه به تولیدکنندگان، حمایت از بنگاه‌های کوچک و بزرگ پرداخت وام‌های غیرربوی و بلندمدت به تولیدکنندگان و ... می‌تواند تولیدکنندگان را در امر تولید یاری کند.

– قاچاق، قاچاق خود به تنهایی می‌تواند کمر اقتصاد را بشکند. قاچاق باعث کاهش تولید داخلی و در نتیجه افزایش بیکاری می‌شود. همچنین قاچاق کالا باعث برهم خوردن توازن در تراز خارجی کشور می‌شود؛ صادرات و واردات غیرقانونی اهدافی را که دولت برای تنظیم بازار دنبال می‌کند، با مشکل روبه‌رو می‌کند و علاوه بر اینکه هزینه‌های ارزی بر دوش اقتصاد می‌گذارد، این هزینه‌های خارج

بلی صدرصد و اگر مسلمانی باید هم این طوری باشد و مثلاً به خرید جنس ایرانی، فکر کنید که اگر من گوشی ۶۰۰ تومانی را خریدم برای تولید این یک گوشی مثلاً ده‌ها نفر مسلمان رو دارای شغل و درآمد کردم.

## □ واگر جنس خارجی بخردید؟

دیگر هیچ مسلمانی جز چند دلال که من مسلمان نمی‌دانمشان از آن بهره‌ای نمی‌برند و پول من در جیب خارجی‌ها می‌رود.

## □ شاید دشمن جامعه اسلامی هم باشند

بله. ما نباید دشمن شاد کن باشیم.

## □ دشمن را تقویت کنیم.

بله ما در جنگیم. ولی از راه خرید جنس خارجی به دشمنان کمک می‌کنیم و این عاقلانه نیست.

## □ شما بحث اقتصاد مقاومتی را از زبان رهبر انقلاب شنیده‌اید؟

بله.

## □ بر داشت شخصی شما از اقتصاد مقاومتی چیست؟ یعنی اولین بار که این کلمه را شنیدید چه چیزی به ذهنتان آمد؟

اقتصاد مقاومتی یک اسلحه است که باید آن را برداریم و اگر از آن استفاده نکنیم، شکست می‌خوریم.

## □ به عنوان سوال آخر، خانوم هوشینو برای تربیت فرزند مسلمان ایرانی که این بدیهیات را بداند و به آن عمل کند و برای جامعه‌اش و هموطنش عصری مفید باشد، چه پیشنهادی می‌کند؟

خانواده باید فرزند را تربیت کند که در قبال خود و جامعه‌اش مسئول باشد. متأسفانه نظام تربیتی ایرانی‌ها فرزند را به بهانه عشق مادری و پدری، لوس بار می‌آورد. ممکن است پدر و مادر در یک وضعیت به بچه‌هایشان کمک نکنند، ولی این مسئله باعث می‌شود بچه‌ها عزت نفس و اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنند و در شرایطی مثل تحریم و جنگ خود را نبازند.

## □ ... و حرف آخر شما

اکنون در جنگ نرم قرار داریم. حواسمان را جمع کنیم تا این روزهای سخت نیز بگذرد.

# هم‌ونه‌ت‌و!



سطوح مختلف جامعه می‌شود، اگر توسط قانون و یا با فرهنگ‌سازی جلوی این‌گونه مفاسد گرفته نشود، با واسطه و یا بی‌واسطه دامن اکثر افراد جامعه را خواهد گرفت.

واردات بی‌رویه و غیر ضروری، از دیگر مواردی که در مقابل اقتصاد مقاومتی قد علم می‌کند، واردات بی‌رویه کالا به ویژه واردات کالاهایی است که در داخل می‌توان راحت‌تر آنها را تولید کرد. در واقع دولت در اینجا نقش پررنگ‌تری دارد تا واردات را محدود کند، حتی اگر در ابتدا منجر به کمبود برخی از محصولات و کالاها شود. زیرا این امر علاوه بر اینکه باعث تولید کار در کشور می‌شود، مانع از خروج ارز و تکیه بر بیگانگان خواهد بود. دولت نیز به بهانه جلوگیری از قاچاق نباید در امر واردات تسهیل فراهم کند، چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «امروز فشار واردات، کشور را دارد از پادرمی آورد و در خصوص میزان واردات قاچاق به کشور نیز ارقام بسیار عجیبی مطرح است، اما این هم یک توجیه منطقی نیست که به بهانه جلوگیری از قاچاق و دریافت سود گمرکی، راه واردات انبوه به کشور به صورت رسمی باز شود... کاری کنید که محصولات و تولیدات جوان‌های با استعداد، مؤمن، توانا و بعضاً نابغه کشور مقهور واردات نشود»<sup>۲</sup>.

فرهنگ، به نظر نویسنده مهم‌ترین عاملی که می‌تواند اقتصاد را در مسیر خود قرار دهد فرهنگ است. در مقابل این فرهنگ غلط است که اقتصاد را از مسیر خود خارج می‌کند و مانع توسعه و پیشرفت می‌شود. عبارت‌هایی مانند: جنس ایرانی بی‌کیفیت است، کالاهای خارجی همیشه بهتر است، ساخت فلان چیز تنها از عهده غربی‌ها بر می‌آید و... گاهی به صورت یک فرهنگ غلط در جامعه تبدیل می‌شود و برخی بر اساس همین گزاره‌های غلط تصمیم می‌گیرند و یا حتی فرزندان خود را بر همین اساس تربیت می‌کنند و رفتارهای اجتماعی خود را نیز با همین گزینه‌ها شکل می‌دهند. این‌ها همه از نوعی بی‌فرهنگی و به عبارت بهتر کم‌خردی خبر می‌دهند که متأسفانه در بسیاری از مردم مشاهده می‌شود و هر وجدان سلیم به

وجود این معضلات در خود و جامعه آگاه است. نگاهی به ساحل دریا، اطراف رودخانه‌ها، کوه‌ها و جاده‌های کشور بخشی از این فرهنگ ویران برخی از شهروندان را نمایان می‌کند. پرت کردن زباله و آلوده کردن معابر و... چقدر برای مسئولین هزینه‌بردار است؟ آیا شخص مرتکب به این قضیه فکر کرده؟ ثروتمندی که سوار بر ماشین چند صد میلیونی است و از شیشه ماشین خود زباله به بیرون پرت می‌کند، چقدر از سطح سواد و شعور اجتماعی برخوردار است؟ شاید تصور شود این مسائل ربطی به اقتصاد و چالش‌های آن ندارد ولی واقعیت این است که همین مسائل است که گاهی ریز و گاهی درشت مشکل اقتصادی کشور هم شده است. به امید روزی که فرهنگ، دغدغه تمام مردم و مسئولین باشد.

## پی‌نوشت

۱. <http://www.mashregnews.ir/fa/news/400517>  
۲. دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندسی با رهبرانقلاب - ۹۳/۱۲/۰۴

به نظر نویسنده مهم‌ترین عاملی که می‌تواند اقتصاد را در مسیر خود قرار دهد فرهنگ است. در مقابل این فرهنگ غلط است که اقتصاد را از مسیر خود خارج می‌کند و مانع توسعه و پیشرفت می‌شود. عبارت‌هایی مانند: جنس ایرانی بی‌کیفیت است، کالاهای خارجی همیشه بهتر است، ساخت فلان چیز تنها از عهده غربی‌ها بر می‌آید و... گاهی به صورت یک فرهنگ غلط در جامعه تبدیل می‌شود و برخی بر اساس همین گزاره‌های غلط تصمیم می‌گیرند و یا حتی فرزندان خود را بر همین اساس تربیت می‌کنند و رفتارهای اجتماعی خود را نیز با همین گزینه‌ها شکل می‌دهند



# جهاد اقتصادی در تولید و مصرف



حسین بشیری

دوم اینکه در این راه مقدار اهمیتی ندارد. در قرآن کریم به صراحت و اشارت به این موضوع اشاره شده است که چرا افرادی را که در صدقه دادن، از نظر مالی ضعیف هستند، مسخره می‌کنید؟<sup>۱</sup> حتی ذره‌ای نیز در یک حرکت صحیح راهگشا است و در نظر گرفته می‌شود. زمانی که کشور نیازمند پیشرفت است، همه باید هزینه آن را با توجه به توان خود بپردازند و بنا به فرمایش قرآن، ذره‌ها نیز اهمیت دارد.

سومین و مهم‌ترین نکته، انجام دادن عمل و ورود به این حرکت به خطر خدا است؛ چرا که حرکت و امری که برای خداوند نباشد، هرگز به ثمره دلخواه نخواهد نشست. بارها و بارها مشاهده شده است که یک حرکت هر قدر هم کوچک و ناچیز باشد - چنانچه بر مبنای رضای الهی و برای او انجام شود، ثمرات بسیاری بر آن مترتب شده است. در قرآن کریم نیز چندین بار و در موضوعات مختلف به این مسئله اشاره و بر افزایش اثر کاری که برای رضای الهی انجام شده، تأکید شده است. برای مثال در امر قرض دادن خداوند اثر قرض به همراه رضای الهی را اثری بسیار بیشتر از قرض دادن به خاطر مال و اموال دنیوی می‌داند.<sup>۲</sup>

چهارمین نکته این است که اگر نیت انجام کاری را نمودیم، سعی کنیم حتی الامکان از بهترین شیوه و مواد و اوقات برای به انجام رسیدن هدفمان بهره ببریم. انجام امور این چنینی در اوقات مرده و به کارگیری مواد و شیوه‌های نامناسب و بدون اولویت، باعث کاهش کیفیت نتیجه می‌شود و میوه این کار که باید رسیده و آبدار باشد، به میوه و نتیجه‌ای کال و نارس تبدیل خواهد شد. در قرآن کریم نیز بر همین موضوع تأکید شده است و در این باره می‌توان به آیه ۹۲ سوره مبارکه آل عمران<sup>۳</sup> و آیه ۳۷ سوره مبارکه حج<sup>۴</sup> مراجعه نمود. پنجمین نکته ادامه دار بودن این حرکت است. اینکه بزرگان حرکتی را شروع کنند و مردم از آن الگو بردارند و هر کس به اندازه توانش در آن مشارکت کند و برای خداوند هم همه این امور صورت گرفته باشد، چنانچه حرکت، مداوم نباشد، پس از مدتی خاموش می‌شود و ثمره آن چنانی نیز بر آن مترتب نخواهد بود و نمی‌توان از آن فایده‌ای را انتظار داشت.

## سخن پایانی

نیکو است تولید کنندگان در جهاد در راه خدا با مال خود بکوشند و گاهی سود کمتر از حد متعارف دریافت کنند. هیچ مشتری‌ای به دنبال ضرر تولید کننده نیست؛ ولی مشتری همواره به دنبال جنسی است که قیمت کمتری داشته باشد. بنابراین تولید جنس ارزان‌تر، هم سبب جذب مشتری بیشتر خواهد بود و هم اینکه خود، جهادی است در راه خدا. البته این به معنای تولید

«کارگر با غیرت و با شرف ایرانی، کار خود را پیکار و مبارزه می‌داند و با کار مجذانه، مبتکرانه و مبتنی بر استعداد ایرانی، با دنیای استکبار و کسانانی که رگود و سقوط اقتصادی کشور را دنبال می‌کنند، مبارزه می‌کند.» [با این توصیف] باید کاری کنیم که کالای داخلی در نظر مصرف کننده ایرانی و غیر ایرانی کالایی مطلوب، بادوام و زیبا باشد که البته دستگاه‌های دولتی باید پیش نیازهای تحقق این هدف، از جمله آموزش مهارت‌های مختلف را تأمین کنند. [البته] باید عرصه تولید کالای برتر در داخل کشور را به همت کارگران، مهندسان و سرمایه‌گذاران، به عرصه‌ای دیگر برای تجلی شعار «ما می‌توانیم» تبدیل کنیم. [توصیه‌ای به مصرف کنندگان:] دلبستگی به تولیدات بیگانه، و بی‌اعتنایی به تلاش کارگر ایرانی، بیماری و عادت بدی است که ثروت کشور را به جیب کارگر خارجی سرازیر می‌کند».<sup>۱</sup>

اهتمام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مسئله اقتصاد و نام گذاری سالیان اخیر با عنوان اقتصاد، این خط مشی را بر همگان تبیین ساخته که کار اقتصادی فراتر از یک مسئله معمولی است و نیازمند ورود جدی و عملی همگان به این عرصه است.

جهاد در قرآن، به جهاد با مال و جهاد با جان تقسیم می‌شود.<sup>۲</sup> نکته جالب در اشارت قرآن کریم به این مبحث، پیشی گرفتن جهاد مال بر جهاد جان است؛ چرا که آدمی مال را برای حفظ جان می‌خواهد و طبیعی است که اولویت با نجات جان است. عاقلانه به نظر می‌رسد که انسان با قدرت تعقل خویش اموالی را که برای به دست آوردن آن زحمت زیادی کشیده، برای رضای خدا - که رضای خدا در کمال، رشد و تعالی بشر است - هزینه کند تا کار به بذل جان نرسد.

در این میان توجه به نکاتی از قرآن کریم در باب جهاد مالی می‌تواند راهگشا باشد:

اول اینکه بزرگان باید در این امور پیش قدم گردند. زمانی بود که کارگزاران دولت‌های استعمارگر به جهت مشغولیت مردم به امور شخصی، نسخ خطی را می‌خریدند. مرجع بزرگوار آیت‌الله مرعشی (ره) با نبوغ بی‌بدیش عمق این حرکت را دریافت و با مشقت فراوان و انجام روزه و نماز استیجاری در شدت و تنگدستی، نسخ خطی زیادی را جمع‌آوری کرد و از به تاراج رفتن آنها جلوگیری نمود. همین درک وضعیت در باب مسائل اقتصادی نیز ضروری است و این بزرگان هستند که باید در همه گیر شدن یک حرکت درست پیش قدم گردند تا مردم نیز به الگوبرداری از ایشان روی بیاورند.

**نکته جالب در اشارت قرآن کریم به این مبحث، پیشی گرفتن جهاد مال بر جهاد جان است؛ چرا که آدمی مال را برای حفظ جان می‌خواهد و طبیعی است که اولویت با نجات جان است. عاقلانه به نظر می‌رسد که انسان با قدرت تعقل خویش اموالی را که برای به دست آوردن آن زحمت زیادی کشیده، برای رضای خدا - که رضای خدا در کمال، رشد و تعالی بشر است - هزینه کند تا کار به بذل جان نرسد.**



# بازوی اقتصاد مقاومتی

نقش کشاورزی در تحقق و عدم تحقق اقتصادی مقاوم  
فاطمه عیوضی



از منظر تاریخی صنعت کشاورزی دیرینه‌ترین و از منظر اقتصادی مردمی‌ترین بخش اقتصاد یک کشور تلقی می‌گردد. ناگفته پیداست که کشاورزی بنیان هر اقتصاد پایدار و سرمایه‌ای عظیم است؛ به گونه‌ای که شرایط ژئوپلیتیک و آب و هوایی یک منطقه اجازه کشاورزی را به مردم آن ندهد، صحبت از اقتصاد پیاپی و توسعه پایدار و مقاومتی نخواهد بود.

علمی و هم با نگاه سنتی بوده است. البته باید به این نکته نیز اشاره نمود که ضعف تاریخی بخش کشاورزی در کنار نگاه غیرعلمی به موضوع کشاورزی باعث شده در بین سه بخش صنعت، خدمات و کشاورزی، عموماً کشاورزی در رده انتهایی این فهرست قرار گیرد و این ضعف بیش از پیش در ماریج سکوتم نئومانی فرورود و این صنعت مستعد و کارآمد در انجام وظایف خود در مقاوم‌سازی اقتصادی ملی و حرکت به سمت و سوی اقتصاد مقاومتی ناکارآمد و ناهمگون جلوه نماید.

از منظر تاریخی صنعت کشاورزی دیرینه‌ترین و از منظر اقتصادی مردمی‌ترین بخش اقتصاد یک کشور تلقی می‌گردد. ناگفته پیداست که کشاورزی بنیان هر اقتصاد پایدار و سرمایه‌ای عظیم است؛ به گونه‌ای که در صورتی که شرایط ژئوپلیتیک و آب و هوایی یک منطقه اجازه کشاورزی را به مردم آن ندهد، صحبت از اقتصاد پیاپی و توسعه پایدار و مقاومتی نخواهد بود. کشورهای نظیر عربستان سعودی با اینکه از پهنه جغرافیای عظیم و شرایط ژئواستراتژیکی سیاسی و مذهبی برخوردارند، فقط به این دلیل که از منظر کشاورزی فاقد امکان کشت و زرع هستند، حتی در صورت وجود برنامه‌های مدون و کارشناسی شده برای رشد و توسعه، برای مدتی می‌توانند رشد و توسعه داشته و در نگاه آماری حرکتی صعودی و روبه جلو داشته باشند؛ اما هرگز یاری آن را ندارند که آن را به صورتی رشدی پایدار ادامه دهند و صحبت از مقاوم‌سازی اقتصادی ملی یا به عبارتی اقتصاد مقاومتی بکنند.

سرزمین ما ایران، بنا به موهبت‌های الهی و وضعیت متنوع آب و هوایی، به طور طبیعی مستعد انواع کشت و زرع مدرن و سنتی و انواع میوه‌ها و روئیدها است. بنا به مثلی که در بعضی از روستاهای ایران رایج است، زمین این سرزمین به هیچ روئیدها نمی‌گوید و بستر خود را زمینه رشد و نمو هر برآمده از خاکی قرار می‌دهد. بررسی تاریخ ایران نیز نشان می‌دهد همواره سرمایه‌گذاری حکومت‌ها در این بخش موجب رشد و شکوفایی و رفاه مردم عصر خود و قدرتمند بودن حکومت مرکزی در آن برهه زمانی بوده است. با این حال چنین تدبیری در این مرز و بوم بسیار کم صورت گرفته و نگاه به این مقوله به طور عمومی به صورت سنتی و به دور از تفکر بوده است.

در روزگار معاصر نیز نگاه به بخش کشاورزی به صورت توامان بوده است. به عبارتی پرداختن به بخش کشاورزی در ایران معاصر، هم با نگاه

جنس بی کیفیت نیست. گاهی تولید بیشتر نیز نوعی جهاد مال محسوب می‌شود. گاهی باید بیشتر کار کرد و تلاش را مضاعف نمود تا مواد ضروری سریع‌تر در اختیار مردم قرار گیرد. از طرف دیگر مصرف کنندگان داخلی نیز باید با مال خود جهاد کنند. پرواضح است که بسیاری از اجناس خارجی، کیفیت بهتری در مقابل جنس ایرانی دارند؛ ولی آیا این دلیل می‌شود خریدار داخلی از جنس مرغوب خارجی استفاده کند؟ آیا با صرف نظر از خرید جنس داخلی، به تولید داخلی ضربه زده ایم؟ در نگاهی آینده‌نگرانه قطعاً با این کار به سود بیشتری دست خواهیم یافت. از طرف دیگر اگر جنس ایرانی به فروش نرسد، کیفیت آن نیز مرغوب نمی‌شود و بهبود نمی‌یابد. البته تولید کنندگان نیز باید به دنبال اجناس با کیفیت عالی باشند تا در رقابت بتوانند گوی سبقت را از دیگران ببریند. اما چنانچه تولید کنندنده فضا را برای کم کاری مناسب ببیند و در تولید فقط به فکر جیب خود باشد - چنان که در صنعت خودرو شاهد آن هستیم - آسیبی جبران‌ناپذیر به امر تولید و مصرف زده ایم و در شکل دهی و ترویج فرهنگ اشتباه «کالای ایرانی بی کیفیت است» مؤثر خواهیم بود. بنابراین هم در عرصه تولید و هم در عرصه مصرف، کشور ما نیازمند جهاد است. اگر با جان خود توانستیم در مقابل سخت‌ترین دشمنان بایستیم، حتماً با تلاش‌های بی‌وقفه و جهاد با مال نیز پیروز خواهیم شد و خواهیم توانست به عنوان قطبی اقتصادی در دنیا مطرح شویم.

## پی‌نوشت

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگران؛ اردیبهشت ۹۰.
۲. «جاهدوا باموالکم وانفسکم فی سبیل الله»؛ توبه: ۴۱.
۳. «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ»؛ همان: ۷۹.
۴. «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ»؛ زلزال: ۸.
۵. «مَنْ ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفُهُ لَهُ»؛ حدید: ۱۱.
۶. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ آل عمران: ۹۲.
۷. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ آل عمران: ۹۲.



# قلک

## تربیت اقتصادی فرزند

علی صادقی سرشت

سرانجام‌ها را سرآغازها رقم می‌زنند. داشتن جامعه‌ای که مصرف‌گرا نباشد، تجملاتی و اسراف‌گر نباشد، درآمد حلال تولید کند، تحت تأثیر تحریم‌ها کمتر آسیب ببیند، ... همه و همه در حکم سرانجامی هستند که در گرو سرآغاز «تربیت درست اقتصادی» ممکن می‌شود.

اولین سرآغازها در آغازی‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده رقم می‌خورد. این خانواده است که با توجه به نحوه تربیتش می‌تواند نقش مهمی را در رقم خوردن سرانجام یک جامعه به عهده داشته باشد.

در این مطلب برآنیم تا برخی مطالب شایسته توجه درباره تربیت اقتصادی را بیان کنیم که لازم است والدین به آن توجه داشته باشند.

حرف حساب

فرزندان ما آن‌گونه تربیت نمی‌شوند که ما می‌خواهیم، آن‌گونه تربیت می‌شوند که ما هستیم. از این رو والدینی که قانع نیستند، صرفه‌جویی را در عمل دنبال نمی‌کنند، اهل تجملات و به‌ریز و پیاشند، قطعاً نمی‌توانند فرزندان قانع، صرفه‌جو، و به دور از اسراف و تجمل تربیت کنند.

نکته‌های حساب

۱. شروع به موقع: آموزش به کودکان قبل از ورود به دبستان، بیشتر به صورت غیرمستقیم یعنی در قالب شعر، بازی و داستان است. برای مثال با بازی خرید و فروش می‌توان به آنها مفهوم نقل و انتقال اموال و روش تهیه لوازم مورد نیاز را آموخت. در ضمن همین بازی‌ها است که می‌توان به آنها آموخت که چگونه باید در خرید اجناس، به ضرورت‌ها و نیازها توجه شود. البته این در حد سن آنها است.

۲. آموزش مستقیم: بهترین سن آموزش مستقیم مسائل مالی، بین هفت تا دوازده سال است که هم کودکان با مفهوم عدد آشنایی کامل پیدا کرده‌اند و هم شرایط تکلیف‌پذیری و حرف‌شنوی آنها از بزرگ‌ترها بیشتر است.

۳. تمرین عملی در مدرسه: هیچ تمرینی در تربیت اقتصادی مستقیم به اندازه واداشتن کودکان به عمل مفید نیست. برای مثال می‌توان در یک دبستان هر هفته یکی از



به آن اشاره شد، کمبود تاریخی توجه و در نتیجه سرمایه‌گذاری در این صنعت است. حدود ۱۲٪ از نرخ تولید ناخالص داخلی ایران، به تولیدات بخش کشاورزی اختصاص یافته، اما انباشت سرمایه در این بخش بسیار کمتر از این رقم و در حدود ۵٪ است. مقایسه این دورقم از منظر علم اقتصاد نشان‌دهنده این حقیقت است که استهلاک تکنولوژی و ابزارآلات کشاورزی روبه افزایش و به طور طبیعی بهره‌وری این صنعت رو به کاهش است. نتیجه این روند تلخ باعث افزایش قیمت تمام‌شده محصولات کشاورزی می‌شود. به این ترتیب مصرف مواد غذایی رو به کاهش می‌گردد و گرانی بیش از حد مواد غذایی بر اثر کاهش تولید در واحد آب‌یازمین، جامعه را با سوء تغذیه مواجه کرده و مردمانی که این‌گونه زیست می‌کنند، هرگز یارای به سامان رساندن اقتصادی مقاوم را نخواهند داشت. اما اگر تخیل پیشه‌کنیم و مکان دودرصد پیش‌گفته را با یکدیگر جابجا کنیم! در این صورت تمام شاخصه‌هایی که با نومی‌رو به سقوط گذاشته بود، سمت و سوی صعودی می‌گیرد و اقتصاد به سمت مقاوم شدن و تحقق چشم‌اندازهای اقتصاد مقاومتی پیش خواهد رفت. بنابراین سرمایه‌گذاری در کشاورزی یکی از مؤثرترین استراتژی‌های کاهش فقر و گرسنگی و بهبود توسعه پایدار است. کشاورزان باید جهت افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش نقش اصلی را داشته باشند؛ اما تا آن زمان که بخش دولتی محیط مناسبی برای سرمایه‌گذاری کشاورزی نپرورد، آنها به قدر کفایت سرمایه‌گذاری نخواهند کرد.

ریشه‌یابی علل و عوامل این موضوع نیازمند تحقیق وسیعی نیست؛ چراکه بارها مورد بحث قرار گرفته و عوامل بنیادی آن بارها معرفی شده است. واقعیت این است که دولت‌های خاورمیانه بر اثر افزایش درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت به سرمایه‌های هنگفتی دست پیدا کرده‌اند و یکی از این کشورها که به جهت منابع عظیم و گسترده نفت و گاز، هم به ثروتی عظیم دست یافته و هم در موقعیت ژئوپلیتیک تازه‌ای قرار گرفته، کشور ایران است. با این حال نفت که می‌بایست به یک فرصت برای مردمان این سرزمین تبدیل گردد، به یک بحران بدل گشته است. متأسفانه ورود این ثروت باعث شد ظرفیت‌های موجود در کشور مورد عنایت و توجه ویژه قرار نگرفته و نفت عهددار وظایف تمامی قسمت‌های دیگر اقتصاد باشد و چرخه اقتصاد این مملکت را کم و بیش پیش ببرد و صنایع دیگر را عملاً از دور خارج کند. این نوع نگاه به نفت موجب شد سایر صنایعی که می‌تواند روح تازه‌ای به اقتصاد ببخشد و سیل بیکاران را به سمت و سوی فعالیت مثبت اقتصادی سوق دهد و فقر را که همواره با مردمان این سرزمین عجین بوده است کمتر نماید، مورد غفلت قرار گیرد و به حاشیه رانده شود و اقتصادی که می‌بایست مقاوم شود، به یکی از آسیب‌پذیرترین اقتصادها تبدیل گردد.

اگر بخواهیم با نگاه علمی به موضوع کشاورزی در تقویت و تحقق اقتصاد مقاومتی بنگریم، به طور طبیعی ابتدا باید به سد اصلی و معضل بنیادی کشاورزی اشاره کنیم. مشکل اصلی بخش کشاورزی، همان‌گونه که در سطور قبل





گفته شود که در قبال چهار ساعت انجام تکالیف مدرسه یک ساعت می تواند کار کند. ۸. آموزش قناعت: بهترین روش آموزش قناعت به کودکان، انتقال عملی این مفهوم است که «هنر در استفاده از امکانات تا آن زمان است که می توانند کار پس دهند، هنر آن نیست که دائم جنس جدید بخریم». برای مثال از یک کیف مدرسه تا

آنجا که جا دارد، باید استفاده کرد و وقتی دیگر نمی توان از آن بهره برد، هر چند کیف جدید خریده می شود، مناسب است به این هم فکر کرد که با آن کیف کهنه و ظاهرا به درد نخور، چه باید کرد؟ آیا می توان استفاده ای مفید برای آن تعریف نمود یا به وسیله ای جدید تبدیلش کرد؟

۹. سه قلک: سه قلک برای فرزند خود تهیه کنید: قلک پس انداز برای پس انداز جهت خرید کالای مورد نیاز؛ صندوق صدقه برای آنکه سر هر ماه آن را خالی کنیم و به مستمندان دهیم؛ صندوق بخشش برای آنکه در آن، پول پس انداز کنیم تا در زمان های لازم برای دیگران هدیه ای بخریم. از همان ابتدا به او بیاموزید که این سه صندوق با نسبتی معقول نیاز به پر شدن دارند. صندوق پس انداز برای رفع نیازهای مالی خودمان است؛ صندوق صدقه برای رفع نیازهای مالی دیگران است که رضایت خداوند را به دنبال دارد. صندوق بخشش نیز برای تقویت روابط عاطفی با اطرافیان است؛ زیرا هدیه دادن محبت می آورد.

۱۰. شیوه مدیریت مصارف عمومی: در مورد مصارف برق و گاز و آب مناسب است. اگر بازدید در دنیای واقع ممکن نباشد از دنیای مجازی برای آشنا کردن فرزندان خود با هزینه های بالای تولید آب، برق و گاز در کشور استفاده کنید. قطعاً کسانی که از این مسائل مطلع هستند، نسبت به صرفه جویی در این سرمایه های ملی حساس تر هستند. می توانید با آنها حساب و کتاب های ریاضی انجام دهید که مثلاً اگر هر خانواده فلان مقدار صرفه جویی کند، در سال در کل کشور فلان قدر صرفه جویی خواهد شد.

**فرزندان ما آن گونه تربیت نمی شوند که ما می خواهیم، آن گونه تربیت می شوند که ما هستیم. از این رو والدینی که قانع نیستند، صرفه جویی را در عمل دنبال نمی کنند، اهل تجملات و بهر یز و پیاشند، قطعاً نمی توانند فرزندان قانع، صرفه جو، و به دور از اسراف و تجمل تربیت کنند**

خرج کند که مقداری پول برای پس انداز باقی بماند. ۶. ضروری و غیر ضروری را بیاموزید: با فرزند خود در قالب بازی یا مشاوره گرفتن در مورد تک تک اثاثیه منزل صحبت کنید که چه چیزی از وسایل، بسیار لازم است و اگر نباشد زندگی سخت می شود و چه چیزی خیلی هم مهم نیست و اگر نباشد مشکل خاصی پیش نخواهد آمد.

۷. درآمذایی را بیاموزید: پدران می توانند بسته به کارشان فرزندان خود را در برخی کارهایی که می توانند انجام دهند، سهیم کنند و به آنها مزد دهند. از سویی نیز می توانند زمینه درآمذایی فرزند خود را با آموزش های فوق برنامه فراهم نمایند. برای مثال شرایطی فراهم آورید که او انجام برخی برنامه های رایانه ای مثل تایپ یا تهیه پاور پوینت را بیاموزد و در صورت نیاز آنها را به کار ببندد. از فرصت ایام فراغت برای این منظور غافل نباشید و زمانی را به آموزش این مسئله اختصاص دهید. به آنها بفهمانید که آموزش فقط به مدرسه رفتن و آموختن کتاب ها - هر چند که این نیز بسیار لازم است - محدود نمی شود و این سطح از یادگیری را همه به دست می آورند و وقتی کاری را همه می دانند، دیگر کسی برایش هزینه و پول نمی پردازد. لذا در کنار درس خواندن باید مهارت هایی را بیاموزند که نیاز دیگران با آن مهارت ها رفع شود و در نتیجه آنها بتوانند درآمدی حلال تولید کنند. البته والدین گرامی باید به خاطر داشته باشند که هدف اصلی آنها پول درآوردن فرزندان نیست؛ بلکه آموزش واقعیت های اقتصادی است که در کنار آن پول درآوردن هم اتفاق می افتد؛ از این رو باید به شدت مواظب باشند که انجام این کار نباید به گونه ای پررنگ شود که شور درس خواندن را از آنها بگیرد. به همین علت باید کار کردن آنها به شدت محدود باشد و حتی اگر لازم باشد، منوط شود به انجام تکالیف درسی. مثلاً به او

دانش آموزان را مسئول جمع آوری مبلغ مشخصی پول از دیگران نمود و در نهایت به او مأموریت داد تا برای مثلاً دو روز تغذیه زنگ تفریح همکلاسی های خود خرید انجام دهد و البته سعی کند با مبلغ موجود، سالم ترین خوراکی را بخرد. والدین باید سعی کنند تا حد ممکن از دخالت های مستقیم برای تصمیم گیری کودکان بپرهیزند. آنها می توانند با مشورت و همراهی کودکان، فهرستی از پیشنهاد های مفید را تهیه کنند و در اختیار کودک قرار دهند. در لایه لای این مشورت دادن ها می توانند اصولی مثل خرید محصولات وطنی، سالم، مقوی و بهداشتی، و نیز نحوه صرفه جویی در مخارج را آموزش دهند. در این میان مناسب است والدین تربیتی دهند که یک بار کودک هنگام مدیریت خرج کردن، بتواند پس انداز کند و بخشی از پول را به همه بچه ها برگرداند. این یعنی انتقال این مفهوم به آنها که لازم نیست همیشه تمام پول خرج شود و می شود بخشی از پول را صرفه جویی کرد.

۴. بانکی خانوادگی تشکیل دهید: رئیس این بانک یکی از فرزندان شما است که دبستان را پشت سر گذاشته و اگر چند فرزند دارید، به صورت دوره ای رئیس این بانک خانوادگی شوند. هر ماه مبلغی پول به مسئول بانک بدهید تا در بانک پس انداز کند و در زمان مورد نیاز، به افراد خانواده وام دهد. مهم اصل توجه یافتن به کارکردهای پول است، نه مقدار آن. شما می توانید تهیه برخی وسایل مورد علاقه فرزند خود، مثل دو چرخه را با وام هایی که از این بانک گرفته می شود، انجام دهید. البته این مسئول بانک است که نحوه وام دادن و بازپرداخت و نیز شرایط وام دادن را تعیین می کند.

۵. او را مسئول خرید کنید: برای این کار متناسب با سن و توان کودک، فهرستی - که البته خیلی هم بلندبالا نباشد - مثل نان، آب، مایع ظرف شویی و صابون را در اختیار کودک قرار دهید و نگاه از او می خواهیم که خود او در طول ماه این موارد را بررسی کند و در صورت نیاز، از هزینه اولیه داده شده به او، بردارد و در آن موارد هزینه کند. بعد از دو سه ماه که راه افتاد، گوشزد کنید که از حال به بعد سعی کند به گونه ای

**اگر بازدید در دنیای واقع ممکن نباشد از دنیای مجازی برای آشنا کردن فرزندان خود با هزینه های بالای تولید آب، برق و گاز در کشور استفاده کنید. قطعاً کسانی که از این مسائل مطلع هستند، نسبت به صرفه جویی در این سرمایه های ملی حساس تر هستند.**



## عشق بهتر است یا ثروت؟

نگاهی به مسئله کار، به بهانه روز کارگر

محمد درودگری

در فرهنگ ایرانیان «کار» به عنوان جوهر مردو و ویژگی جدایی ناپذیر سرپرست خانواده محسوب می‌شود. کسی که وظیفه اداره یک خانواده را به عهده دارد، ناگزیر نیازمند پول است و برای به دست آوردن پول مورد نیاز، چاره‌ای ندارد جز کار. در گذشته‌های نه‌چندان دور توصیه افراد به کار از سنین پایین آغاز می‌شد. به جهت اینکه دوره تحصیل در یکی دو سال در مکتب‌خانه به اتمام می‌رسید، بلافاصله بعد از اینکه فرزندان توانایی جسمی برای انجام دادن امور را پیدا می‌کردند، آنان را برای انجام دادن کارهای روزمره فرامی‌خواندند. دامداران فرزندان را به مراقبت از دام‌ها و کشاورزان آنان را برای انجام دادن وظایف فصلی یک کشاورز دعوت می‌کردند. در جوامع شهری هم عمدتاً فرزند خانواده، راه پدر را می‌رفت و شغل پدر را از پدر آموزش می‌دید و در همان دکان، چراغ کسب پدر را روشن نگاه می‌داشت. هنوز هم هستند کسانی که تعریف می‌کنند ما هفت نسل است که این شغل را داریم؛ از عطاری و انگشتر فروشی بگیر تا قصابی و سفال‌گری.

اما امروزه کار معنای جدیدی پیدا کرده. هر چند انگیزه اصلی که توانایی اقتصادی است، همچنان موضوعیت دارد، هم انواع و اشکال کارها بسیار تغییر کرده و متنوع شده، هم اینکه از شدت زحمت و توان جسمی آن بسیار کاسته شده است. ابزارهای مدرن بسیاری از کارهایی که نیاز از توان جسمی و انجام دادن امور طاقت‌فرسا کرده‌اند. نمونه ملموس آن کشاورزی است که تقریباً تمام امور آن را می‌توان با ماشین‌آلات مخصوص آن انجام داد. ضمن اینکه با تغییر سبک زندگی، مشاغل نوظهور بسیاری پدید آمده است. در چند دهه قبل یک مغازه بقالی تمام مایحتاج زندگی را تأمین می‌کرد؛ ولی در این چندساله شاهد هستیم یک مغازه فقط «جوراب» یا «دستمال کاغذی» می‌فروشد.

از ضرورت و ظاهر شغل که بگذریم، اصل مفهوم کار نیز قابل دقت و بررسی است. آیا مجاز هستیم به دلیل عدم نیاز مالی کار نکنیم یا به دلیل نیاز شدید مالی همه چیز را فدای آن کنیم؟ مرز افراط و تفریط در این امر کجا است؟ آیا اخلاقاً و شرعاً مجاز هستیم برای به دست آوردن پول هر کاری را انجام دهیم یا اینکه انتخاب و مقدار کار هم

دارای حد و حدودی است؟ وادار کردن دیگران به کار چه قواعدی دارد؟ والدین از چه سنی مجاز هستند فرزندان خود را به کار وادارند؟ کارفرمایان تا چه میزان حق دارند از کارگان خود کار بکشند؟ همه این پرسش‌ها و دیگر پرسش‌هایی از این دست، نیازمند تحقیق و هم‌فکری است و در جای خود نگاهی تخصصی.

عرف جامعه ما، تعالیم دینی و احکام کلی عقلی، هر کدام به دلایل و شرایط خاصی، کار کردن را فضیلت می‌دانند. در فرهنگ ما بیکاری هم‌ردیف بی‌عاری تلقی می‌شود و فرد بیکار مذمت شده است. کار به قدری اهمیت دارد که معمولاً بعد از آشنایی مقدماتی با افراد، از آنها درباره شغلشان پرس و جو می‌کنیم و در داستان‌های فارسی، یکی از صفات شخصیت‌های منفی «بیکاری» است. برای نمونه در داستان معروف حسنی، مادر حسن برای اینکه کاری کند که او از خانه بیرون رود و کاری را به دست گیرد، در مسیر رختخواب و در خانه سبب می‌گذارد، و داستان نویسان ما پیدا کردن کار را نقطه تحول شخصیت داستان از منفی به مثبت می‌دانند.

پس از کار، نوبت به نوع کار می‌رسد. حالا که مجبور هستیم کار کنیم و بیکاری صفتی ناپسند است و پذیرفتیم که باید کار کنیم، به

این مسئله می‌رسیم که چه کاری را انتخاب کنیم؟ معیارهای انتخاب کار می‌تواند از این دست باشد: ۱. درآمد خوبی داشته باشد؛ ۲. آسان باشد؛ ۳. به بدن آسیب نزند؛ ۴. از عهده آن برآییم؛ ۵. مورد نیاز جامعه باشد. چه بسا در زمان انتخاب شغل، ما توان گزینش همه این موارد را نداشته باشیم و ناگزیر یکی از گزینه‌های ممکن و قابل وصول را انتخاب کنیم.

اما موضوع مهم و تکمیلی بحث کار، عشق و علاقه به آن است که یکی از موضوعات اصلی و مهم در این باره است؛ هم برای کسی که کار

را انجام می‌دهد و هم برای کارفرمایی که آن فرد را می‌پذیرد. آرمانی‌ترین وضعیت آن است که مادر رشته مورد علاقه خود تحصیل کنیم و در همان رشته مشغول کار شویم تا هم درآمدی داشته باشیم برای اداره خانه و خانواده، و هم اینکه از عمرمان استفاده کنیم. از روی علاقه مغازه گل فروشی داشته باشیم؛ با عشق و علاقه نجاری کنیم؛ به آهنگری به عنوان یک هنر نگاه کنیم و وقتی در کلاس درس با بچه‌ها حرف می‌زنیم، از سطح آگاهی دانش‌آموزان به ذوق بیاییم و از خلاقیت آنان، بغض شادی گلویمان را بر کند و درسمان زمرمه محبت باشد تا جمعه‌ها، اطفال گریز با لحظه شماری کنند برای شنبه شدن.

اگر این گونه باشد، می‌رسیم به آن جمله معروف امیر مؤمنان (علیه السلام) که: «کار بهترین تفریح است»؛ البته کاری که حقوق مناسب داشته باشد و متناسب با شخصیت اجتماعی و صفات اخلاقی ما باشد. شغلی باشد که مادر مسیر انجام آن اجازه رشد خلاقانه را داشته باشیم و باعث رشد شخصیت و ارتقای هویت ما باشد. چنین کاری به نحو احسن انجام می‌گیرد و باعث شکوفایی فضای کسب و کار در جامعه می‌شود و البته که باعث افتخار است و محصول چنین کاری از این کشور به آن کشور دست‌به‌دست می‌شود و بلافاصله نایاب.

نقل این خاطره خالی از لطف نیست برای حسن ختام این یادداشت. از یکی از نویسندگان مشهور نقل می‌کنند که مأمور سرشماری به خانه آنان مراجعه می‌کند و از مادر خانواده سوالات مرسوم را می‌پرسد تا می‌رسد به شغل همسر. او می‌گوید: «نویسنده» و مأمور سرشماری مقابل گزینده «بیکار» تیک می‌زند؛ نقل این خاطره چه برای نویسندگان و چه دیگران موجب خنده است، اما به امید روزی که نویسندگان نیز دارای حقوق شغلی و مزایای از کارافتادگی باشند.

**عرف جامعه ما، تعالیم دینی و احکام کلی عقلی، هر کدام به دلایل و شرایط خاصی، کار کردن را فضیلت می‌دانند. در فرهنگ ما بیکاری هم‌ردیف بی‌عاری تلقی می‌شود و فرد بیکار مذمت شده است. کار به قدری اهمیت دارد که معمولاً بعد از آشنایی مقدماتی با افراد، از آنها درباره شغلشان پرس و جو می‌کنیم و در داستان‌های فارسی، یکی از صفات شخصیت‌های منفی «بیکاری» است.**



# فناوری انقلاب ملی خواهند

مهدی رزاقی طالقانی



شبستان | جامعه و فرهنگ

## مطهری این گونه است:

«انقلاب، اول باید در فکر و سپس در علم به وجود آید؛ یعنی ابتدا در جهان بینی فرد باید انقلاب ایجاد شود تا بر اساس توحید، خداشناسی، خداپرستی، توحید نظری و عملی باشد و انقلاب‌های دیگر به منزله شاخه‌ها و برگ‌های این انقلاب در نظر گرفته شوند».

بنابر این برای انقلاب در فرهنگ، باید انقلاب در اندیشه را مبتدای امر کرد؛ یعنی در حوزه‌های انقلاب فرهنگی که ذکر شد، فضایی را ایجاد کرد که فرد به سلاح جهان بینی توحیدی مجهز و وارد اجتماع شود.

اما ما در انقلاب فرهنگی چه کردیم؟ به چه اندازه به پیش فرض‌هایی که ذکر شد، توجه کردیم؟

در ادامه با ذکر قسمت‌هایی از چگونگی انقلاب فرهنگی در ایران پس از انقلاب سلامی، به پاسخ این پرسش‌ها هم خواهیم رسید.

مدیریت ستاد انقلاب فرهنگی در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۹ تشکیل شد و انقلاب فرهنگی ایران به صورت کاملاً متمرکز در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ ه.ش شکل گرفت.

اعضای اولیه ستاد انقلاب فرهنگی عبارت بودند از: علی شریعتمداری، محمدجواد باهنر، مهدی ربانی املشی، حسن حبیبی، عبدالکریم سروش، شمس‌الاحمد، جلال‌الدین فارسی.

این ستاد می‌بایست در حوزه فرهنگ اصلاحاتی را ایجاد کند. نخستین اشتباه متصدیان امر در تعریف

صنایع، تکنیک، اخلاق، قوانین و مقررات، سخن، عادات و رسوم و رفتار و ضوابطی می‌شود که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرامی‌گیرد و در قبال آن تعهداتی دارد».

با این تعریف از فرهنگ به وضوح روشن می‌شود که انقلاب فرهنگی در جامعه‌ای مانند جامعه ایران، این حوزه‌ها را در بر می‌گیرد: ۱. آموزش عمومی دبستانی و دبیرستانی و شبکه مدارس ابتدایی، متوسطه و عالی؛ ۲. محو کامل بی‌سوادی؛ ۳. رشد علم، فن، هنر و مؤسسات مربوط به آنها، مثل دانشگاه‌ها، فرهنگستان‌ها، موزه‌ها، سینماها؛ ۴. بسط و گسترش فرهنگ و هنر مردم؛ ۵. بسط و گسترش فرهنگ جسمانی (ورزش)؛ ۶. توجه به بهبود شرایط تربیتی انسان در خانواده، مدرسه، محل کار و محیط اجتماعی؛ ۷. تربیت سیاسی مردم و افزایش سطح آگاهی سیاسی آنها؛ ۸. کار مستمر و دامنه‌دار جهت اعتلای سطح آگاهی و فرهنگی عمومی مردم به نحوی که تمام دستاوردهای ادبی، هنری و علمی در دسترس آنها قرار گیرد؛ ۹. محو حالت عقب‌ماندگی فرهنگی بعضی از مناطق کشور نسبت به مناطق دیگر یا یک قشر از جامعه نسبت به قشر دیگر؛ ۱۰. جذب و به ثمر رساندن میراث فرهنگ گذشته؛ ۱۱. تجزیه و تحلیل فرهنگ‌های خارجی و دفع عناصر زیان‌بخش آنها برای رهایی از امپریالیسم فرهنگی.<sup>۱</sup>

## انقلاب از نگاه اسلام در بیان استاد

آیا در عرصه فرهنگ هم می‌توان انقلاب کرد؟ کجای فرهنگ را باید تغییر داد؟ چگونه باید فرهنگ را تغییر داد؟ توسط چه کسانی این تغییر باید صورت بپذیرد؟ وقتی از انقلاب فرهنگی صحبت می‌شود، این سؤال‌ها پشت سر هم می‌آیند و ایجاد فرضیه می‌کنند؛ فرضیاتی که شاید برای آنها، تاریخی نیست و فقط مدل‌های نظری آرمان‌ها و اتفاقات آینده را تبیین می‌سازند. برای ما اما انقلاب فرهنگی یک واقعه تاریخی است که پس از یک انقلاب سیاسی واقع شد و نتایجی از آن حاصل شد که امروز اساس فرهنگ علمی و دانشگاهی و عمومی را تشکیل می‌دهد.

پس از سال‌ها از آن رویداد، می‌توانیم آن را بررسی کنیم. آیا انقلاب فرهنگی در ایران پروژه‌ای محتوم و شکست خورده است؟ پیش از پرداختن به پاسخ این پرسش باید تعریفی از انقلاب و فرهنگ را برای درک آنچه رخ داد و آنچه باید رخ می‌داد، ضمیمه ذهن ساخت. انقلاب به زبان پارسی «واگشت» به معنای زیور و یا پشت و رو شدن است و اگر اصل و منبعی برای این زیور و شدن موجود باشد، ضمیمه انقلاب می‌شود؛ برای مثال انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش می‌شود انقلاب اسلامی.

به نظر «ادوارد تایلر» (E.B. Tylor)، مردم‌شناس بزرگ انگلیسی، «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل مجموعه علوم و دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، افکار و عقاید،

بنابر این برای انقلاب در فرهنگ، باید انقلاب در اندیشه را مبتدای امر کرد؛ یعنی در حوزه‌های انقلاب فرهنگی که ذکر شد، فضایی را ایجاد کرد که فرد به سلاح جهان بینی توحیدی مجهز و وارد اجتماع شود. اما ما در انقلاب فرهنگی چه کردیم؟ به چه اندازه به پیش فرض‌هایی که ذکر شد، توجه کردیم؟



شبهستان ◀ جامعه و فرهنگ

## عضو

بهره‌گیری مناسب از فضای شبکه‌های اجتماعی

سید روح الله دعائی



«عصر ارتباطات»، این عنوان عصری است که ما در آن زندگی می‌کنیم. در دوران کنونی ارتباطات فیزیکی محدود شده و جای آن را ارتباطات مجازی گرفته است. بسیاری از کارهای جاری بشر به وسیله اینترنت یا تلفن همراه انجام می‌شود. گفتار در مورد پیشرفت این دستاوردها به توضیح واضح‌تر تبدیل شده زیرا کمتر کسی پیدامی‌شود که در این دوران کارهای بانکی خود را از طریق اینترنت و تلفن همراه و یا ارتباطات خود را از طریق پیامک و تماس‌های این‌چنینی انجام ندهد. این دستاوردها قاعدتاً رفاهی نسبی برای جامعه به ارمغان آورده است؛ اما از آفات آن نباید به راحتی گذشت، چه این ابزار به گواه آن مثال کلیشه‌ای مانند یک چاقوست که مضاری دارد و منافی.

بحث پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی اهمیت به سزایی دارد که در این مقاله به طور خلاصه بدان اشاره می‌شود.

این محیط به دلیل حضور اغلب افراد با هویت مستعار بسیار مستعد شکل‌گیری شایعات و اخباری است که صحت و سقم ندارد. همین‌طور امکان فعالیت ضددینی و مذهبی در این فضا بسیار محیاست.

یکی دیگر از مشکلات این شبکه‌ها در خطر بودن حریم خصوصی افراد است؛ چه اینکه افراد با اعتماد به مخاطبان خود از زندگی خصوصی‌شان مطالبی را عنوان می‌کنند که به راحتی مورد سوءاستفاده مغرضین قرار می‌گیرد. آفت مهم دیگر این شبکه‌ها مشغولیت بالای کاربران در این شبکه‌ها است که منجر به دوری افراد از اجتماعات و وقت‌گذرانی‌های بی‌حاصل

می‌گردیم، محقق نکرد. اکنون پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، وضعیت برای تحقق دگرگونی و انقلاب حقیقی در یک‌یک عرصه‌های چندگانه فرهنگ، هم سخت‌تر و هم اجتناب‌ناپذیرتر شده است. برای این منظور شاید لازم باشد با ارائه برنامه‌های جامع، و رای مسائل پیش‌پاافتاده روزمره سیاسی، به این مهم دست یافت؛ برنامه‌ای که با انعطاف ناشی از درک وضعیت و مقتضیات جامعه‌امروزی بتواند مسیر را برای تحولی که مدنظر انقلاب اسلامی بود، هموارتر کند.

امروز مجامع و عرصه‌های مرتبط با این دو حوزه بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک جهان‌بینی معنوی و توحیدی است تا بر مبنای آن بتوان خوراک فرهنگی جامعه‌ای را فراهم آورد که از هر سو مبنای اعتقادی و فرهنگی آن آماج حملات تفکرات مادی و الحادی است.

انقلاب فرهنگی امروزه بیش از هر چیز نیازمند فرهنگ انقلابی است. می‌توان با برنامهریزی، مبنای انقلاب فرهنگی را با تعریفی اسلامی و البته منطقی - بدون تحمیل هزینه‌های بیهوده که عموماً از افراط و بی‌منطقی در استدلال ناشی می‌شود - در عرصه عمل اجرایی ساخت.

انقلاب به‌تنهایی شاید مفهومی سیاسی باشد؛ ولی انقلاب فرهنگی، مفهومی سیاسی نیست. انقلاب فرهنگی شاید نیازمند کمک سیاسیون باشد، اما کارگزاران آن مطمئناً باید افرادی عالم و عامل باشند که و رای سیاست‌زدگی به تحقق این خواست‌اصیل و مهم همت‌بگمارند.

### پی‌نوشت

۱. علی آقاخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۹۴.

حوزه‌های فرهنگ و انقلاب فرهنگی رخ داد. درحالی‌که باید حوزه‌های زیادی در عرصه انقلاب فرهنگی تعریف می‌شد، این امر فقط به دانشگاه منحصر شد و به این شکل توازن انقلاب فرهنگی از میان رفت.

توجه تک‌بعدی و انقلابی به دانشگاه و مسائل سیاسی ایجادشده حول آن، توجه و تمرکز اعضای ستاد انقلاب‌فرنگی را از سایر حوزه‌های آموزش عمومی بازداشت و آن شد که به رغم اصلاح کتاب‌های آموزشی و تغییر استادان دانشگاه، شاهد انقلابی موزون و متعقل در سایر عرصه‌های فرهنگی نبودیم.

انقلاب فرهنگی در دانشگاه، تحولاتی‌انی را در ۱. محتوای کتاب‌های درسی؛ ۲. تفکیک جنسیت؛ ۳. گزینش استادان و دانشجویان ایجاد کرد؛ اما این اقدامات به علت اینکه تحت یک برنامه جامع در تمامی حوزه‌های فرهنگی صورت نگرفت، به پیکار جویی سیاسی تعبیر شد و به تعبیر استاد مطهری به «انقلاب در جهان‌بینی فرد». این ایراد دیگری بود که به ساختار انقلاب فرهنگی وارد شد که نتایج این اصلاحات را در دهه‌های بعد با چالش‌های جدی روبه‌رو کرد. به این ترتیب عمده‌اصلاحات و تغییرات به‌حالت پیش از انقلاب فرهنگی بازگشت و هنوز هم دغدغه مسئولان فرهنگی کشور، همان مواردی است که به نظر می‌رسید در ابتدای انقلاب اصلاح شده است. حالا که هنوز دغدغه پوشش در دانشگاه‌ها و اسلامی کردن علوم را داریم و هر سال شیوه جدیدی برای گزینش استادان اتخاذ می‌کنیم و استادان پیش از انقلاب فرهنگی را در دانشگاه پذیرفته‌ایم، پاسخ سؤال ابتدائی مان را می‌یابیم و می‌توانیم با قاطعیت بگوییم که انقلاب فرهنگی آن تحولی را که دنبال



انقلاب به‌تنهایی شاید مفهومی سیاسی باشد؛ ولی انقلاب فرهنگی، مفهومی سیاسی نیست. انقلاب فرهنگی شاید نیازمند کمک سیاسیون باشد، اما کارگزاران آن مطمئناً باید افرادی عالم و عامل باشند که و رای سیاست‌زدگی به تحقق این خواست‌اصیل و مهم همت‌بگمارند.





# دام‌پروری نیستید؟!!



**اینستاگرام (instagram):**  
به عنوان یک شبکه اجتماعی اشتراک‌گذاری عکس، مخاطبان بسیار زیادی را جذب خود کرده است. در این شبکه نیز مانند دیگر شبکه‌ها کاربران نام کاربری دارند و هر نفر درون حساب خود عکس‌هایی را منتشر و زیر هر عکس مطالب مرتبطی را می‌نویسد. کاربران مشترک دیگر در صورتی که عکس را پسندند آن را تایید یا به اصطلاح آن را **like** می‌کنند و زیر آن مطلب نظر خود یا به اصطلاح **comment** می‌گذارند. در این شبکه کما اینکه بسیاری از طلاب محترم عضو آن هستند، زیر عکس‌ها بحث‌های اعتقادی و کلامی مطرح می‌شود که فضای بسیار مناسبی برای تبلیغ مجازی است.



هر چه در این شبکه‌ها مخاطب بیشتر و اشتراک نظرات و عقاید بیشتر باشد، امکان کار فرهنگی و تبلیغی راحت‌تر است. پرواضح است در این مسیر هم جذب مخاطب‌های گریزان از دین و دیانت با استفاده از کلام نورانی ائمه اطهار علیهم‌السلام میسر است. استفاده از مشترکات و تقویت آنها حتما در حصول نتیجه مؤثر خواهد بود. جذب مخاطب در این شبکه‌ها نیازمند آشنایی با زبان رایج، اصطلاحات و فرهنگ خاص در این شبکه‌ها است.

چه خوب است علاقه‌مندان کار فرهنگی، با استفاده از این فضاها و بهره‌گیری از ماهیت جذاب آنها به تبلیغ مجازی پرداخته، رسالت خود که دستگیری از مردم و رساندن معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است را به سرانجام رسانند.

فرصت بسیار مناسبی است؛ کما اینکه بسیاری از برندها برای تبلیغ محصولات خود از این فرصت استفاده می‌کنند.

از دیگر سوا این فضا محل بسیار مناسبی برای اعلام و تبلیغ مسائل اعتقادی و دینی است. همان‌طور که گفته شد به دلیل فضای دوسویه یا چند سویه و تعاملی، این فضا بسیار مستعد این کار شده است. فرصت قابل توجهی در این شبکه‌ها وجود دارد که غفلت از آن برای طلاب مبلغ شاید بخشودنی نباشد.

قاعدتا باید فعالین فرهنگی، آسیب‌های شبکه‌های این چنینی را به فرصت تبدیل و از آن به بهترین نحو استفاده کنند. این رسانه به دلیل فضای خاصی که دارد، کاربران آن امکان تولید آثار مورد نظر خود و بهره‌برداری از آنچه می‌پسندند را دارند.

در ادامه مثال‌هایی به شبکه‌های اجتماعی در تلفن همراه و فضای وب می‌پردازیم و توضیحات مختصری در مورد کارکرد آنها ارائه می‌دهیم:

**واتس‌آپ (whatsapp):**  
علاوه بر اینکه در این فضا ارتباطات دو سویه وجود دارد، در این فضا گروه‌هایی تأسیس می‌شود که همفکران به تبادل اطلاعات و عقاید خود می‌پردازند.



وایبر (viber): علاوه بر چت و گفت‌وگوهای نوشتاری دوسویه، امکان تماس رایگان صوتی اینترنتی در آن برقرار است که به یکی از فضاهای پر مخاطب تبدیل شده است.

و افرادی در این فضا خواهد شد. شبکه‌های اجتماعی یکی دیگر از این فضاها هستند که ساماندهی ارتباطات افراد را به عهده دارند. شبکه اجتماعی (social network service) ساختاری اجتماعی است که گروهی در آن به عضویت در می‌آیند و در این مجموعه با هم ارتباطات نوشتاری، گفتاری، تصویری و ویدئویی برقرار می‌کنند و عقاید و علاقه‌مندی‌های خود را با دیگران به اشتراک (share) می‌گذارند. هر عضو در این شبکه با نامی خوانده می‌شود که بدان **profile** می‌گویند. هویت هر فرد در این شبکه‌ها واقعی و گاهی مستعار است.

این شبکه‌ها در بسته‌های مختلف قابل دسترسی‌اند. گروهی از این شبکه‌ها بر روی فضای وب هستند مانند **facebook** و **twitter** و گروهی دیگر از طریق تلفن همراه و وب مانند **whatsapp**، **viber**، **Instagram** و ... در اختیار مشتری قرار می‌گیرند.

زاکربرگ مبدع فیس‌بوک خود را رهبر بزرگ‌ترین کشور جهان پس از چین و هند می‌داند. کاربران فیس بوک را ۸۰۰ میلیون در جهان و ۱۷ میلیون در ایران دانسته‌اند. وی با این کلام نقش و تأثیر گذاری و کارکرد شبکه بزرگ اطلاع‌رسانی‌اش را به رخ می‌کشد. واقعیتی که قابل توجه است عضویت خیل عظیمی از مردم به خصوص جوانان کشورمان در این شبکه‌ها علی‌رغم محدودیت‌های موجود برای آنهاست. شاید مهم‌ترین دلیلی که باعث شده اقبال بسیار زیادی به این شبکه‌ها صورت پذیرد، ماهیت تعاملی این فضا است که حقیقتاً برای تبلیغات نیز



## شیخ جمع

درنگی در احوال و اشعار شیخ بهایی

محمد جعفر آبادی

ماهنامه  
آموزشی  
فرهنگی  
ترویجی

۷۰

ساقیا بده جامی زان شراب روحانی  
تادمی بیاسایم زین حجاب ظلمانی  
بهر امتحان ای دوست، گر طلب کنی جان را  
آن چنان برافشانم، کز طلب خجل مانی  
سومین روز اردیبهشت را روز بزرگداشت شیخ  
بهایی نامیده‌اند. مناسبت این روز بهانه خوبی  
است که به میراث گران بهای مکتوب ایشان  
سری بزنیم و به قدر طاقت این نوشتار، یاد کنیم از  
علم و هنر آن بزرگ مرد؛ او که هم مرد علم بود و  
هم مرد عمل و هنر. اگر حتی یک جنبه از فضائل  
ایشان از فقه و اصول، اخلاق و حدیث، عقاید  
و فلسفه، معماری و مردم‌داری، شعر و ادبیات  
(عربی و فارسی) به ما رسیده بود، همان یک  
جنبه برای ماندگاری او کفایت می‌کرد و شایسته  
یاد و بزرگداشت بود تا هزاران سال بعد.

بهاء الدین محمد، فرزند عالم مجاهد، عزالدین  
حسین عاملی، در هفت سالگی به همراه پدر از  
جبل عامل لبنان به ایران مهاجرت کرد. از همان  
کودکی و خردسالی هوش و زکاوت او زباند  
خاص و عام و آشنا و غریب بود و چه خوش،  
قدر دانست پدر این عنایت پروردگار و این طفل  
خوش آتیه را و آموخت به او تمام آنچه می‌دانست  
و می‌توانست. عشق او به دانایی در کنار امکانات  
معنوی که پدر برای او فراهم آورد، مسیری شد  
که بهاء الدین قدر لحظه لحظه عمر خود بداند و  
از معاشرت با عالمان و دانشوران زمانه خود بهره  
وافر ببرد.

همه روز روزه بودن، همه شب نماز کردن  
همه ساله حج نمودن، سفر حجاز کردن  
ز مدینه تا به کعبه، سر و پا برهنه رفتن  
دولب از برای لبیک، به وظیفه باز کردن

به مساجد و معابر، همه اعتکاف جستن  
ز ملاهی و مناهی همه احتراز کردن  
شب جمعه‌ها نخفتن، به خدای راز گفتن  
ز وجود بی نیازش، طلب نیاز کردن  
به خدا که هیچ کس را، ثمر آن قدر نباشد  
که به روی ناامیدی در بسته باز کردن  
چنان که آورده‌اند او به علوم معمول (از معقول  
گرفته تا منقول) قناعت نکرد در طلب علوم غیر  
معمول و غریبه و بعیده نیز رفته و به مدد دانشی  
که در مسیر کسب معرف و بصیرت اندوخته بود،  
با قدمی و قامتی استوار، سر از سر و اسرار عالم  
در آورد. طسی این طریق از طاقت هر کسی بر  
نمی‌آید، مگر اینکه مسلح باشد به سلاح کامل و  
قدرت سنجش صلاح و ثواب، که شیخ اما الحق  
و الانصاف چنین بود و تمام دانش خود را صرف  
مصالح عامه و اهداف عالی اسلامی کرد.<sup>۲</sup>

اما آنچه شیخ بهایی را در صف عالمان برجسته،  
ممتاز می‌نماید، هنر او است که علاوه بر فقاقت  
و آگاهی، در طراز بالایی جلوه‌گری می‌کند.  
گفتیم که بهاء الدین محمد اهل لبنان و اصلتاً  
عرب‌زبان بود، با این حال با تلاش و استمرار،  
زبان فارسی آموخت و آثاری آفرید که از بسیاری  
از سخن‌سرایان فارسی‌زبان پیشی گرفت و  
هنر او در معماری و صنایع دیگر هنوز زباند  
خاص و عام است. همان گونه که در حفاظت  
از شریعت و احکام ناب اسلامی پیش قدم بود و  
احیاگر بسیاری از احکام فراموش شده اسلام، از  
جمله نماز جمعه بود،<sup>۳</sup> در امر تبلیغ دین نیز از همه  
ابزارهای زمانه خود بهره‌برد و با سلاح هنر، مبلغ  
شریعت مبین اسلام بود.

شیخ الاسلام پایتخت که با شاه مملکت پیاده  
به زیارت حرم امام رضا علیه السلام می‌رود، یعنی به

عالی‌ترین مصالح جامعه متوجه است و از همه  
هنر و زکاوت خود برای برقراری احکام الهی  
استفاده می‌کند<sup>۴</sup> و هم‌زمان از جزئی‌ترین امور  
نیز غفلت نمی‌کند و برای خلوت جوانان و  
عموم مخاطبان فکرهای بکر و تازه دارد. قلم  
به طنز برمی‌دارد و از «نان و حلوا» می‌گوید و  
«شیر و شکر» از «نان و پنیر» سخن می‌گوید و  
داستان «موش و گربه» را روایت می‌کند. بلی،  
این است از کرامات شیخ ما. اینکه در اوج قله  
حکمت و معرفت باشی و بر صدر مجلس درس  
فقه و حدیث و قضاوت بنشین و ملاصدرا در  
محضر زانو بزند و خوشه بردارد، با شاه و گدا  
هم کلام باشی و در اوج قله و بالانشینی، قلم  
این چنین بر دست داشته باشی و تاقیام قیامت  
آثار علم و هنر تراغ راه‌روان باشد. این  
است از کرامات شیخ ما ...

آتش به جانم افکند شوق لقای دلدار  
از دست رفت صبرم، ای ناکه! پای بردار  
ای ساریان خدارا پیوسته متصل ساز  
ایوار را به شگبگیر، شگبگیر را به ایوار  
در کیش عشقبازان، راحت روانباشد  
ای دیده اشک می‌ریز، ای سینه باش افگار  
هر سنگ و خار این راه، سنجاب دان و قاقم  
راه زیارت است این، نه راه گشت بازار  
باز اثران محرم، شرط است آنکه باشد  
غسل زیارت ما، از اشک چشم خونبار  
شیخ بهاء الدین هر چه بود و هر چه کرد، دل در  
گرو خاندان رسالت داشت و شیفته مرقد مطهر  
هشتمین امام علیه السلام سفرهای بسیار کرد و خدمات  
شایان داشت؛ چه در اصفهان و چه در شهرهای  
دیگر بلاد اسلامی؛ اما دلش گوشه‌نشین مشهد



رئیس جمهور سومالی افزود: ترکیه شهروندانش را به سومالی فرستاده در حالی که کشورهای دیگر فعالیت‌های خود را از خارج سومالی هدایت می‌کنند.  
منبع عربی: مفکره الاسلام



## نحوه اداره مساجد در شهرها و روستاها مشخص شد

تصویب عضویت مسئول کانون فرهنگی هنری مسجد در هیات امنای مسجد  
خبرگزاری شبستان: نمایندگان مجلس شورای اسلامی نحوه اداره مساجد در شهر و روستا را مشخص کردند.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری شبستان، نمایندگان مجلس در ادامه

جلسه علنی صبح یکشنبه ۱۶ فروردین و در بررسی طرح یک فوریتی حمایت از مدیریت احداث تجهیز و نوسازی مساجد و نمازخانه‌های کشور در ماده ۱۲ این طرح مصوب کرده اند هر مسجد واقع در شهر و روستا از سوی هیئت امنایی مرکب از امام جماعت، نماینده واقف (بر اساس مفاد وقف نامه)، مسئول بسیج مسجد، مسئول انجمن اسلامی، مسئول کانون فرهنگی هنری مساجد (هر کدام در صورت وجود) و حداقل سه نفر نماینده نمازگزاران با تایید امام جماعت مسجد اداره می‌شود و در مساجدی که واقف در مورد هیئت امنا و نحوه مدیریت مسجد نظری داشته باشند باید نظر

واقف رعایت شود.

نمایندگان تبصره این ماده را که در آن ذکر شده بود امام جماعت اعضای هیئت امنای مذکور را در تهران به مرکز رسیدگی به امور مساجد و در سایر شهرستانها به معاونت زیربط برای صدور حکم معرفی می‌کنند را برای بررسی دقیقتر به کمیسیون ارجاع دادند.

## اذان اردوغان

رجب طیب اردوغان، مسجیدی را که دولت ترکیه در مگادیشو پایتخت سومالی بنا کرده بود، با گفتن اذان افتتاح کرد. رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه در پایان سفرهای خود به کشورهای آفریقایی بعد از اتیوپی و جیبوتی تحت تدابیر شدید امنیتی به کشور سومالی رفت. حسن شیخ محمود رئیس جمهور سومالی در فرودگاه مگادیشو وی استقبال کرد و در سخنان خود به نقش محوری و تاثیرگذار ترکیه در این کشور اشاره کرد و گفت که شهروندان ترکیه‌ای پذیرفته‌اند با وجود خطرات احتمالی که آنان را تهدید می‌کند در این کشور بمانند و مشغول به فعالیت شوند.



## برای چندمین بار هتک حرمت مسجیدی در مالزی

این خبر در رسانه‌های مالزی بازتاب زیادی داشت و برخی احزاب و مقامات این کشور نیز این عمل را محکوم کردند.

به گزارش سرویس دینی جام نیوز، پلیس مالزی در بهمن ماه سال ۹۳ همزمان با بحث‌های مطرح شده در خصوص افراط گرایی در این کشور چند نژادی، از بازداشت یک نفر به اتهام پرتاب گوشت خوک که از نظر مسلمانان ناپاک است به یک مسجد و هتک حرمت این مسجد خبر داد.

به گزارش ایرنا، پرتاب اجزای خوک از قبیل گوشت، سر و سایر اجزای این حیوان به مساجد در مالزی و خانه برخی از افراد سرشناس مسلمان این کشور هر از چندگاهی فضای رسانه‌های مالزی را به خود اختصاص می‌دهد.

مسلمانان منطقه‌ای در ایالت «پینانگ» در شمال مالزی روز گذشته شاهد پرتاب یک بسته گوشت خوک به وسیله یک مرد موتورسوار به داخل یکی از مساجد این ایالت بود. این فرد در حالی که قصد داشت با موتور سیکلت از محل متواری شود به وسیله نگهبانان مسجد دستگیر و به پلیس تحویل شد.

اواخر دی ۱۳۹۰ نیز چهار فرد ناشناس به اتهام پرتاب سر بریده خوک مقابل یکی از مساجد دستگیر شدند. این در حالی است که تکرار چنین اعمالی موجب ایجاد اختلاف میان پیروان مذاهب در کشور مالزی است. کشور چند نژادی مالزی طی چندسال اخیر صحنه هتک حرمت‌های بسیاری به مقدسات مسلمانان بوده است.

۶۱ درصد جمعیت ۳۰ میلیون نفری مالزی را مسلمانان تشکیل می‌دهند.

منبع خبر: خبرگزاری جام نیوز  
و خبرگزاری تقریب (تنا)

قلم به طنز برمی‌دارد و از «نان و حلوا» می‌گوید و «شیر و شکر» از «نان و پنیر» سخن می‌گوید و داستان «موش و گریه» را روایت می‌کند. بلی، این است از کرامات شیخ ما. اینکه در اوج قله حکمت و معرفت باشی و بر صدر مجلس درس فقه و حدیث و قضاوت بنشیننی و ملاصدرا در محضر زانو بزنی و خوشه بردارد، با شاه و گدا هم کلام باشی و در اوج قله و بالانشینی، قلم این چنین بر دست داشته باشی و تا قیامت آثار علم و هنرت چراغ راه رهروان باشد.

رضوی بود که وصیت کرد در همان خانه خودش در همسایگی امام رئوف دفن شود. از همین رو بود که پیکر پاکش را از اصفهان به مشهد شریف آورده و در جوار حضرت رضا (ع) جاودانه شد.

تا کی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

خواهد به سر آید غم هجران تو یا نه؟

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه

جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه<sup>۵</sup>

### پی‌نوشت

۱. برگ سبز، ص ۳۵.
۲. محمود مهدی پور، دیدار با ابرار: شیخ بهایی زاهد سیاست مدار، ص ۲۷.
۳. کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، با مقدمه سعید نفیسی، ص ۱۶.
۴. زندگی نامه شاعران و نویسندگان، ص ۵۶.
۵. تمام اشعار این مقاله، سروده شیخ بهایی است. البته شعر «همه روز روزه بودن، همه شب نماز کردن» به ایشان منتسب است.

فرستنده:

کد پستی:



مسجد شماره ۱۸۴

# فرم اشتراک و نظرسنجی ماهنامه مسجد

## پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۳۱۸۹/۱۹۷۷ پرداخت شده است.  
برای ارسال بعد از تکمیل، این فرم را از فضای هاشور خورده جدا کرده و بدون پاکت پستی و الصاق نمبر و صرفاً با تا کردن از محل نقطه چین در صندوق پستی بیاندازید.

خواننده محترم!

اهتمام شما در تکمیل این فرم و ارسال نظرات خود، قطعاً نشان راه ما در طریق ارتقای همه جانبه نشریه خواهد بود.

گیرنده:

تهران / صندوق پستی: ۱۳۱۸۵/۱۹۷۷

| پیگیری کدام مطلب از سرویس‌های چهارگانه نشریه را در شماره بعدی لازم می‌دانید؟ |                          | پرداختن به چه موضوعاتی را در شماره بعدی پیشنهاد می‌کنید؟ |                          | شبستان                     | معراب                    | رواق                     | منبر                     | سطح علمی مطالب |
|--|--------------------------|--|--------------------------|----------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|----------------|
| طراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب موثر بوده است            |                          | صفحه آرایی را چگونه ارزیابی می‌کنید                      |                          | سبک نوشتاری و ویرایش مطالب |                          |                          |                          |                |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | عالی           |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | خیلی خوب       |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | خوب            |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | متوسط          |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | ضعیف           |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | خیلی زیاد      |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | زیاد           |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | متوسط          |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | کم             |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | خیلی زیاد      |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | زیاد           |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | متوسط          |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | کم             |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | خیلی زیاد      |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | زیاد           |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | متوسط          |
| <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>                                 | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/>   | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | <input type="checkbox"/> | کم             |

## مسابقه پیامکی با جایزه

بهترین مقاله:

بهترین طرح صفحه:

بهترین تیتر:

نام و نام خانوادگی: ..... تحصیلات آکادمیک: ..... تحصیلات حوزوی: .....

تلفن تماس (همراه): ..... پست الکترونیکی: .....

مشخصات محل خدمت (مسجد)

نام مسجد تحت مدیریت: .....

آدرس پستی: .....

تلفن تماس: .....

اگر مسجد دارای وبسایت و یا پایگاه اطلاع‌رسانی مجازی است آدرس پایگاه را قید نمایید: .....